

کارگران جهان متحد شوید!

۳۳ صفحه

۹۷

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- راهپیمایی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست ۵ صفحه
- نیروهای کمونیستی و انقلابی کردستان جنایات حزب دمکرات را محکوم میکنند! ۱۱ صفحه
- عوامفربیی و دروغبرانی: جلوه‌ای از اپورتونسیسم "راه کارگر" در اخلاقیات! ۱۷ صفحه
- "سود ویژه" طاغوتی است! ۲۷ صفحه

شهادت سه رفیق کمونیست پیکارگر در یورش وحشیانه حزب دمکرات به دفتر سازمان در بوکان



روزهفتم اسفند در شرحه وحشانه حزب دمکرات به مقر سازمان در بوکان حداقل سه تن از رفقای ما شهید شدند. تعدادی زخمی و حدود ۲۴ نفر توسط افراد حزب دمکرات دستگیر شدند. سازمان ما و کمیته کردستان سازمان اعلامیه و تراکت‌هایی در این مورد منتشر کرده‌اند که ما آنها را در اینجا می‌آوریم:

بقیه در صفحه ۱۱

رفیق شهید مالک عباسی:

کمونیستی که در راه آگاهی و رهائی زحمتکشان جان داد

۲۱ صفحه

رفیق شهید ظاهر ابرهیمی

رفیق شهید محمود الاغانی

کستار سه رفیق کمونیست بدست حزب دمکرات را محکوم نمائیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۲/۱۸

پیرامون اقدام جنایتکارانه اخیر حزب دمکرات

هفته گذشته، کردستان شاهد جنایت هولناک و فجیعی از جانب حزب با صلاح دمکرات بود. جنایتی که چندروز، همه رویداد های کردستان را نوعی تحت الشعاع خود قرار داد. حزب دمکرات با یک هجوم حساب شده و درسی یک درگیری کوچک ایجا دهنده توسط افرادش به مقر سازمان در بوکان هجوم می‌آورد و با محاصره آن توسط عناصر مسلحش، با انواع سلاح سنگین و سبک مقرر سازمان را بجز آتش خویش نمگیرد و یک جنگ تعمیلی و نابرابر را به رفقای ما در "مقر"، تحمیل میکند. در طول یک ساعت درگیری، رفقای ما به ناگزیر بدفاع قهرمانانه‌ای در برابر هجوم تهاجمی و زکانه‌ها و ضد انقلابی مزدوران حزب برمیخیزند و در حالیکه در زیر شعله‌ترین حملات مزدوران حزب با سلاحهای سنگین و سبک قرار داشتند، در برابر

بقیه در صفحه ۲

پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم: سازش با امپریالیسم آمریکا، سرکوب انقلاب خلقها!

۱۹ صفحه

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی به کارگران کفش سازی!

۱۵ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله**

این هجوم قهرمانانه ایستادند. در پی این حمله و حشیا نه ۳ تن از رفقای پیکار گرما، قهرمانانه بشهادت میرسد و چندین نفر زخمی میگردند، چندین ده نفر به اسارت مزدوران حزب درمیایند و اموال "مقر" بتاراج میرود. اما این حرکات و حشیانه، در برابر چشمان متحیر و معترض مردمی صورت میگیرد که مزدوران حزب در برابر آنان سدی از سلاح کشیده بودند، تا مگر حرکتی از جانب آنان بر علیه متجاوزان صورت نگردد. جنایت اخیر حزب دمکرات، نه یک حرکت اتفاقی، بلکه جزئی از سلسله حرکاتی بود که حزب از مدتها قبل بر علیه نیروهای انقلابی - به شکل اشکال مختلف در پیش گرفته بود. استثنا را علامه - های شهید آقا میرزا علی بنیروهای انقلابی - بخاطر جلوگیری از فساد لیت انقلابی آنها، خلع سلاح برخی نیروهای انقلابی و متعامله تعدادی از پیشمرگان سازمان ما، بوجود آوردن زمینه - های چند درگیری، مسلحانه با رفقای کومله (که با هشاری آنها و خلق انقلابی گردن خشی گردید) و... اشکال مختلف تجلی این سیاست ضد انقلابی در برابر نیروهای انقلابی، در گذشته بود. در مقیاس وسیعتر، این سرخوردن حزب دمکرات به نیروهای انقلابی و آغاز فصل جدیدی در روابط سیاسی و تاکتیکی خود با آنها، بخشی از حرکت و سیاست عمومی حزب دمکرات در همه پهنه های مبارزه ملی و طبقاتی و در صحنه سیاست کشور است. سیاست و حرکتی که دقیقاً در ارتباط با مجموعه تحولات و رویدادهای سیاسی جامعه و کردستان در ماههای اخیر قابل تحلیل و ارزیابی است. همانطور که در سرمقاله پیکار ۹۶ توضیح دادیم، جامعه ما در دوره اخیر و بویژه پیش از جنگ (علیرغم کمبود آن اثر کوتاه)، با دو جریان تشدید یافته سیاسی مواجه بوده است، که علیرغم افت و خیزهایش حرکتی صعودی و روبه بالا را طی نمیکرده است. یکی حرکت اوچکس میسازات بوده و بزرگترین نظم موجود و اروپا شی تدریجی توهمات توده ها و دیگری حرکت روبه تزاید اختلافات و تضادهای درونی ضد انقلاب حاکم گسترش این دورشته تضاد در سطح و عمق جامعه و پیوستگی و درهم پیچیدگی تارهای آن - به یکدیگر، سیالیت خاصی در مناسبات سیاسی نیروها و احزاب بوجود آورد و در واقع و انفعالات بسیاری در مناسبات این نیروها و احزاب، در جهت گیری سیاسی آنها و... ایجاد نمود.

همچنانکه در آن مقاله توضیح دادیم، تحت تاثیر این کیفیت مبارزه سیاسی - طبقاتی در جامعه هم اکنون قطب بندی خاصی در تارهای نیروها صورت گرفته است که تا آنجا که به نیرو - های ضد انقلابی مربوط میشود، در حقیقت ای سزگ که شعاع آن تا دورون جنبش کارگری نیز کشیده شده است، در برابر یکدیگر و برای تحمیل

آلتربا تیو خود بر روند سیاسی جامعه و بمنظور غلبه بر بحران انقلابی موجود، صف آرا شده اند. نیروهای هدایت کننده این دو جنبه ضد انقلابی را در یکسو لیسرا لیا و در سوی دیگر حزب جمهوری، تشکیل میدهند که هم اکنون در نبرد سختی با یکدیگر سر میبرند و هر یک برای تضعیف و یا حذف دیگری تلاش می نمایند. هر یک از این نیروها اکنون بطرز خاص خویش، در تلاش برای جذب متحدینی برای خود مشغول است. کردستان و احزاب و نیروهای سیاسی آن نیز از این فعل و انفعالات عمومی سیاسی، برکنار نیستند و این تاثیر، عمدتاً در حرکت حزب دمکرات با زتاب خویش را می یابد.

جنگ دوم در کردستان، در اوایل سال اخیر که با آنها هم گسترده و همه جا به رژیم آغاز گردید، اگر چه جنبش مقاومت عظیمی را از جانب خلق کرد بویژه در شهرها، که سمت اصلی سر به رویم را بخود معطوف کرده بود، ایجاد نمود، لیکن در عین حال کیفیت نویسی در مبارزه خلق کرد، از لحاظ مضمون طبقاتی آن بوجود آورده که بهیچوجه نمیتوان از آن صرف نظر کرد. این کیفیت همانا برجستگی بیشتر مبارزه طبقاتی در مجموعه مبارزات ملی - طبقاتی خلق کرد بود. با زتاب این کمیته نویسن در کردستان بصورت ایجاد تزلزلاتی در مبارزه سیاسی نیروهای بینا بینی و اقشار مرفه کردستان، انعکاس می یابد. در واقع تداوم گسترش جنبش خلق کرد، آنها را در شرایط ناموزونی مبارزه طبقاتی در ایران، بتدریج نیا ریندا نجان بتانسیل و کیفیت میگرد که دیگر تاملات ناسیونالیستی و ملی به نفعی قادر به پاسخگویی و تامین نیروهای محرکه آن نیستند. اهداف طبقاتی مبارزه تنها نیروی محرکه ای است که میاننده در آمیزش با اهداف ملی، نیروی محرکه لازم برای جنبش را فراهم نمائد که تا چاراست تقریباً به تنهایی با رسنگیک نبرد مسلحانه برای سر برداشتن از آنها و حشیا نه رژیم را بردوش کشد.

بر محدودیت مایلات و اهداف ناسیونالیستی و ملی، با عت میشود که در صفوف فشرده خلق کرد، شکافهای محسوسی حاصل شود، و نیروهای که انگیزه طبقاتی، استواری آنان را به درون جنبش نکشاند و تما یلات و اهداف ملی مهمترین نیروی محرکه آنان را تشکیل میداده است، دستخوش تزلزلات و با زشهای خیانتکارانه در روند عمومی جنبش گردند. این صف بنسندی و تغییرات عینی خود را بطور محسوس در جریانات سیاسی در کردستان و بویژه حزب دمکرات منعکس می نماید. تحت تاثیر این تغییرات، توازن اهداف و مضامین طبقاتی و ملی جنبش، حزب دمکرات بحثا به نمایندند ناسیونالیسم میا ن پیوسته و ضد انقلابی سوز و آزی کردستان، بتدریج هر چه بیشتر از صفوف مردم فاصله میگیرد و در غایت با

روند گسترش مبارزه طبقاتی در کردستان به رویا روشی منتقیم با آن می پردازد. حرکات ضد انقلابی حزب در برابر مردم، با شکل مختلف فزونی گرفته و ضدیت آن با نیروهای انقلابی در کردستان چهره آشکارتری بخود میگیرد.

این سیاستهای ضد انقلابی حزب، بتدریج توده های هر چه بیشتری را از دور و بر او موسی - برانگند و بسمت نیروهای انقلابی سوق میدهد و با حداقل بر توهم و اعتماد استوار آنان نسبت به حزب خدشه جدی وارد میآورد. به همین جهت حزب بناچار هر چه بیشتر بر نیروهای نظامی اش متکی میگردد و میکوشد تا علاوه بر نیروهای تدریجی توهمات توده ها را با گسترش و تحکیم دستگا های بوروکراتیک و نظامی خویش جبران نماید. این کیفیت جدید در سیاست و مناسبات حزب با خلق کرد، بسبب از پیش اورا بصورت نطفه یک ما شین دولتی سرکوبگر که گوئی از هم اکنون به تمرین برای حاکمیت ضد انقلابی خویش در کردستان! مشغول است، در میآورد.

این تغییرات، بتدریج حزب را به ملجاء و پنا هگاه منفورترین عناصر ضد انقلابی و مطرود از سران فئودالها و عشا برتا قا قچیان مواد مخدر، و از جاشای مزدور گرفته تا مزدوران بعضی و هوا خواه رژیم شاه و بختیار خا شن، تبدیل میکند. حزب دمکرات با تشکیل تدریجی این دستگاه بوروکراتیک و نظامی ضد انقلابی خویش و تحمیل آن بر جنبش خلق کرد، هر روز بیشتر در برابر توده ها قرار میگیرد و با آنان نسیان یک حکومت و دستگاه دولتی سرکوبگر عمل میکند. از گسترش مبارزه طبقاتی آنان جلوگیری نمیکند، فئودالها و مرتجعین منطقه را در کنف حمایت خود قرار میدهد بر دهقانان به انواع مختلف مالیات می بندد و از آنان اخاذی می نماید.

این جریانات، بعلاوه نزدیکی و همکاری آشکار حزب دمکرات در مناسبات خارجی اش با بعضی های ضد انقلابی و با دارنده های ارتجاعی نظیر بختیار و... بسبب از پیش به پراکنده شدن توده های کرد زبیرا مون حزب و جذب آنان بسمت نیروهای انقلابی منجر گردیده است. همین روند، حزب دمکرات را بسبب از پیش به ضدیت آشکار با نیروهای انقلابی کشانده است که آخرین نمونه آن را در جنایت اخیر حزب نسبت به سازمان ما در کردستان بخوبی مشاهده نمود.

حزب دمکرات پس از انشعاب رویزیونیستی درونی اش، فضای بازتری برای جولان سیاسی و نزدیکی به پاندها و نیروهای ضد انقلابی در عرصه بین المللی بوجود آورد و او را بسمت دسته - بندیهای نویسن و نزدیکی با دولتهای ارتجاعی بویژه دولت بعثت و پاندهای ضد انقلابی مزدور امپریالیسم در خارج از کشور، نظیر بختیار، سوق

بقیه در صفحه ۲۶

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

جنبش کارگری



مروری بر اعتصاب اخیر کارکنان شرکت واحد

در تداوم واچگری مبارزات طبقه کارگر برای کسب حقوق صغی و بخصوص سودویزه و عیدی کارکنان منطقه ۳ شرکت واحد اتوبوسرانی نیز دست به اعتصاب و تحصن زندگانه علیزاده سرد - انجام نرسیدن، در سهای گرانبهای برای کار - گران بهمراه داشت. از اینرو بررسی آن ضروری میگردد. ابتدا لازمست بسینیم جریان واقعه چگونه بوده است:

صبح روز ۳/۱۲/۵۹ رانندگان و کمک رانندگان صبحکار منطقه ۳ موقع تحویل اتوبوسها از توقف - گاه، بخشنامه ای را مشاهده میکنند که در آن صحبت از بروز مشکلاتی در امر پرداخت عیدی کارکنان کرده بود. این خبر در میان تمام رانندگان و کمک رانندگان خطوط مسبب جد و جویها میگردد. کارتهای حقوق بیمه را دریافت میکنند، اما مشاهده قید نشدن عیدی و پرداخت آن، کسبی تعابلی نسبت به گرفتن کارتهای خود نشان نمی دهد. اغلب میگفتند "حالا که عیدی را نمی دهند حقوق بیمه را هم نمیگیریم". بعد از ظهر اغلب رانندگان برای دیدن یکدیگر و اتحاد تصمیم مشترک به توقفگاه مراجعه میکنند. همچنین کارکنان منطقه ۴ نیز از دریافت حقوق خودداری مینمایند.

بدین ترتیب کارکنان شرکت واحد (منطقه ۳) متحدا دست به اعتصاب زده و تصمیم میگیرند تحصن کنند و حتی شب عد زیاد در توقفگاه میخوابند.

صبح روز دوشنبه ۴/۱۲/۵۹ انجمن اسلامی به تنگای یافتاده ورشمن آن برای فریب رانندگان به سخنرانی پرداخته و میگوید "من خودم در شهرداری بودم و فیشهای عیدی را اما مشاهده دیدم اگر قبول نداشتند ما بفرستد برویم بسینیم" اما رانندگان که ما هیت فدکا رگری او را میشناختند، او را هو کرده و پاشین میکشند! رئیس منطقه نیز سعی میکند با وعده اینکه تا چهارشنبه عیدیها را خواهند پرداخت، کارکنان را وادار به شکستن اعتصاب کند، اما علیرغم توهمی که بسیاری از رانندگان نسبت بسوی داشتند، از تاجاشی که او را عملا در صف مقابل خود میدیدند، او را نیز هوم میکنند.

هنگام ظهر عده ای دوتا بوت را که با پرچم پوشانده بودند به محل تحصن میاورند و به بهانه اینکه الان زمان جنگ است و اینها شهدای جنگند سعی داشتند اعتمادیون را تحت فشار قرار دهند تا اعتصاب خود را بشکنند ولی رانندگان که متوجه سبک بودن تا بوتها میشوند، آنها را از جنگ آن

چگونه مبارزاتمان را برای خواسته هایمان (سودویزه و...) متحد و یکپارچه کنیم

سرما به داران، تاجران و زمینداران، حزب - های مخصوص خود را دارند، حزب جمهوری اسلامی بهشتی ها، نهضت آزادی بازرگانها، جبهه ملی سنجایی ها و.....
تمام رانندگان سرما به داران برکسی هسای مجلس تکیه زده اند، بنی صدر نما بنده سرما به - داران لیبیرال بر تخت ریاست جمهوری نشسته است، تاجران میلیونر در اس بنیاد مستضعفین قرار دارند و خلاصه دولت و ارکان قدرت در دست طبقه سرما به داران است. بنا بر این کارگران نیز در مقابل سرما به داران باید متحد باشند، باید در کارخانه و بیرون کارخانه سازمان مخصوصی خود را داشته باشند، در کارخانه بدون شورای واقعی و اتحادیه واقعی نمیتوانند به بخشی از طبقه در صفحه ۲۲

تنها مشت های گره کرده و سینه پرا زکینه و خشم در مبارزه برای گرفتن خواسته های برحقمان کافی نیست. این مشت های گره کرده، این سینه - های پرا زکینه و خشم که از ظلم و ستم سرما به - داری برتن و جان ما کارگران همیشه جاری است کار طاقت فرسا و مزد بخور و نمیر، عقب مانسندن قسط و کرایه خانه، گران، فقر و بدبختی که هر دم نهرت ما را از نظام سرما به داری بیشتر و بیشتر میکند، زمانی میتواند کاری باشد که با هدف، با برنامه و با رهبری دست به مبارزه بزنیم. مبارزه کارگران بدون رهبری و تشکیلات محکوم به شکست است، تنها چاره ما کارگران برای پیش بردن مبارزاتمان، برای حتی جزئی تریبس خواسته ها اتحاد و تشکیلات است.

گرفتن سودویزه بنام های وام یا پول غذا یا اضافه تولید و... انحرافی است در مبارزات امروز طبقه کارگر!

مشترک که گرفتن سودویزه است مبارزه میکنند و حرف تمامی شان هم یکی است اما چون ایس مبارزات جدا از هم صورت میگیرد، ضربه کاری را نمیتوانند به رژیم جمهوری اسلامی وارد آورد.
کارگران مبارز: امروز خوبی اغلب کارگران پی برده اند که باید با هم متحد شوند و اتحادیه های واقعی را بجا دهند و خواست مشترکشان را از این طریق از دولت سرما به داری بگیرند. اما اینکه به چه وسیله ای می بایست موفق شوند هنوز نمیدانند و طبقه کارگران آگاه است که غذا رند مبارزه طبقه کارگر امروز برپا کننده شده و هرکدام برای جداگانه برود. وظیفه کارگران آگاه است که با افشای توطئه ها و تفرقه اندازی - های رژیم حاکم و عوامل مزدورشان مانع تفرقه در صفوف کارگران گردند.
این وظیفه کارگران آگاه است که برای کارگران روشن کنند که رژیم فدکا رگری نیستش این است که مانع اتحاد کارگران شود و به همین

کارگران مبارز!
مبارزه کارگران ایران برای گرفتن چهار ماه سودویزه روز بروز شدت بیشتری با پیدا بین مبارزه امروز در کمتر کارخانه ای است که جریان نداشته باشد. کارگران آگاه چهار ماه سودویزه را حق خود میدانند و بعنوان قسمتی از دستمزد که در عرض یکسال زحمتشان پرداخت نشد و اکنون می بایست تمام ما پرداخت شود تقریباً تمامی کارگران بر علیه قانون فدکا رگری "لغو سودویزه" اعتراض کرده اند قانونی که چهار ماه سودویزه کارگران را به ۲ ماه رسانده و ۲ ماه آن را به جیب سرما به داران میریزد. اما با وجود گسترش زیاد این اعتراضات، هنوز آن نیروی که دولت سرما به داری را وادار به عقب نشینی کامل کند وجود ندارد. این ضعف اساسی طبقه کارگر است که به طور برپا کننده و جدا از هم دست به مبارزه میزند و تشکیلاتی وسیع توده ای مثلاً اتحادیه های واقعی کارگری ندارد. کارگران کارخانه نجات امروز همگی برای یک خواست

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



برخوردا ری از رادیکالیسم اعتصاب کنندگان، از رهبری و سازماندهی آگاهانه ای برخوردار نبود. این ضعف بزرگ در کنار عدم هماهنگی و وحدت عمل تمامی مناطق اتوبوسرانی، عوامل اصلی به نتیجه نرسیدن اعتصاب بود. برآکنندگی کارکنان در اعمال اعتراضی شان تاکنون بشکل برجسته ای خود را نمایان ساخته است. مثلاً قبل از آغاز اعتصاب اخیر، از روز ۲۸/۱۱/۵۹ در بخش مینی بوس رانی منطقه عباس آباد اعتراضی با خواسته های مشترک، انجام میگیرد که با دخالت پاسداران سرمایه و تیراندازی آنها شکسته میشود. با درجریان تحصن کارکنان منطقه ۳ شایع شده بود که کارکنان منطقه ۴ گفته اند "بعلت عدم حمایت منطقه ۳ از اعتصاب چند هفته قبل ما ما نیز از آنها حمایت نمیکنیم!" این تفرقه که بیانگرن آگاهای طبقه کارکنان میباشد، ضرورت کار آگاهانه هرچه بیشتر در

میان آنها و سازماندهی مبارزاتشان را برای کمونیست ها مطرح میسازد. بخصوص با توجه به نقش مهمی که شرکت واحد تهران دارد و مبارزات کارکنان آن انعکاس بسیاری میباشد. به همین دلیل هم هست که رژیم هر بار از حرکت آنها شدیداً بوحشت افتاده و سعی در خواباندن فوری آنها داشته است. با توجه به اعلانی انقلابی جامعه و اجگیری مبارزات کارگری بخصوص بخاطر خواسته های منفی پیش از عید، ارتقا جنبش تنها در گرو بردن عنصر آگاهی در میان جنبشهای خود بخودی و سازماندهی آنهاست.

نیز به این مسئله پی برده و مشت محکمی بر بوزه جیره خواران حلقه بگوش رژیم زدند. شب هنگام نیز عده ای از رانندگان و کمک رانندگان در توقفگاه میخواستند ضمن آنکسبه عده ای از خانواده های اعتصابیون در این مدت به جمع آنها پیوسته و برای پدران و همسران خود غذا میاوردند. سرانجام صبح روز ۱۲/۵/۵۹ فرا میرسد. یکی از اعضای هیئت مدیره که سرپرست امور اداری شرکت واحد نیز هست، بلند گوید دست گرفته و به اعتصابیون ۱۰ دقیقه مهلت میدهد که اتوبوسها را سوار شده و بیرون آورند. این در شرایطی بود که پاسداران اسلحه بدست سرمایه نیز در محل حضور داشتند و حتی یکی از رانندگان توسط دو پاسدار تهدید به مرگ شد و بزور و اسلحه را توبوش میکنند. بدین ترتیب مزدوران رژیم بزور سر نیزه، با توهین به کارکنان اعتصابی و "فدا انقلابی" خواندن آنها اعتصاب را سرکوب میکنند. در این جریان که با اعتراض و مقاومت برخی از اعتصابیون مواجه شد تعدادی از رانندگان دستگیر شده و عده ای نیز زخمی میشوند. رانندگان بعد از شکسته شدن اعتصاب دست به مقاومت منفی زده و ضمن کم کاری در آن روز به گزارش تعدادی از اتوبوسها را خراب میکنند!

علل شکست اعتصاب

این اعتصاب که بغافل کوتاهی از اعتصاب قبلی منطقه ۴ شرکت واحد، صورت گرفت علیرغم

عده در آورده و متوجه میشوند که آنها سنگ و چوب میبندند!؟ از اینرو خشمگینانه بسیار همان چوبها به تعقیب حاملین تابوتها که معلوم شد پاسداران با لباس شخصی بوده اند منبهدا زدند. این واقعیه رانندگان حقانیت مبارزانشان را نشان داده و موجب افشای بیش از پیش رژیم گردید.

توطئه دیگر رژیم بر علیه اعتصابیون در اینروز بوسیله نما یزیده مسجد "الرسول" تازی - آباد انجام گرفت. او به محل توقفگاه آمده و با نشان دادن مقداری ریبوراتل زنا نه میگوید که "اینها رازبانان مسجدها هستند بگیرید و راضی شوید!" این عمل باعث برانگیخته شدن خشم شدید کارگران شد بطوریکه فرد مذکور مجبور به فرار گردید.

رژیم با این اعمال و تبلیغات فراوانی که حول آنها در روزها مه های جیره خواری برآوردند، قصد داشت اعتصابیون مبارزان تحت فشار روانی قرار دهد. این مزدوران که خودشان علاوه بر جاپیدن دارائی مردم، دشمنان و بهانه های مختلف دست گدائی بسوی کارگران و زحمتکشان دراز میکنند، خیال میکنند که توده ها حق خود را گدائی خواهند کرد و غافل از آنکه "حق گرفتنی است و نه دادنی!" و رانندگان مبارز شرکت واحد

گرفتن

بقیه از صفحه ۳
دلیل در هر کارخانه بنوعی مبارزه را کور میکنند بجا توسط پاسداران خود توسط تفنگ و گلوله و جای دیگر با سازش کشاندن مبارزه کارگران و فریبکاری و غیره این نیت شوم خود را انجام میدهد.

چیزی که این روزها هر کارگر آگاه و مبارزی باید بداند این است که نباید به هیچ وجه مبارزه برای گرفتن سود ویژه را به سازش کشنده و بعموض چاره راه سود ویژه فرضا ۲ ماهه پاداش و پادام و غیره گرفت. کارگران آگاه باید با افشای این فریب جدید سرمایه داران، کارگران را به مبارزه قاطعانه تری هدایت کنند.

امروزی بنیمنیکه شورا های سازشکار برای جلوگیری از مبارزات کارگران پیشنهاد گرفتن یک پول جزئی بنام وام و پاداش و پادام و غذا و کارآشی و غیره را دارند مثلاً در کارخانه بنزخاور مبارزه کارگران مدتها قبل برای اجرای طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق جریان داشت، سر سود ویژه با گرفتن ۲ ماهه دستمزد و مزایا جلوی اعتراض کارگران را میگیرند و تا زه منت سر آنها میگذرانند که برای سایر کارخانه نگویند که

کاری برای کارگران گذاشته اند. همانطور که می بینید عوامل مزدور رژیم جمهوری اسلامی از ترس خشم سراسری کارگران و اجگیری مبارزات آنها در هر کارخانه بیگ صورت سعی در به سازش کشاندن کارگران کرده اند. بنا بر این کارگران آگاه امروز می باید است این توطئه و فریبکاری جدید رژیم سرمایه داری را در میان توده های کارگر افشا کنند تا مبارزه آنان از عمق بیشتری برخوردار گردیده و مانع از توقف مبارزه شان شود.

کارگران آگاه می باید است تبلیغ نمایندگان گرفتن و ما پول غذا و غیره بجای سود ویژه در واقع به نفع رژیم خواهد بود چرا که در صورت تبدیل چاره راه سود ویژه کارگران به ۲ ماهه رسمیت پیدا خواهد کرد و در آینده تنها ۲ ماهه کارگران پرداخت خواهد شد تا نهم به عنوان قسمتی از دستمزد کارگر بلکه بعنوان پاداش و عیدی در واقع رژیم جمهوری اسلامی اگر برای امسال موفق شود که قانون لغو سود ویژه را اجرا نماید، سال آینده دستش در تاج و زبه حقوق کارگران بیشتر با زخوا هد بود.

بنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری شماره ۲

مثلاً به اندازه مزایای حق مسکن، حق خواربار و حق اولاد بیشتر از قانون فدکاری دولتی گرفته اند.

در کارخانه ایران کاوه میخواستند با دادن ۳۵۰۰ تومان و ۲۴ ماهه جلوی اوچگیری مبارزه کارگران را بگیرند. در کارخانه مزدا هم بکجوری مدیریت سعی در ادمبلفی جزئی بفریاد ۲ ماهه تصویب شده دولت را برداخت کنند تا اعتراض کارگران را بخوابانند.

در کارخانه لندرو رگفته اند تمام کارگران هر روز ۴ ساعت اضافه کاری کنند و ۲۰ روز هم بعنوان پاداش اضافه تولید بیشتر از ۲ ماهه تصویب شده دولت برداخت میکنند.

در کارخانه لیلاند موتورز هم مدیریت فدکاری گرفته است اگر کارگران ۱۵ اتوبوس تا آخر ماه تولید کنند ۲۰ روز بعنوان پاداش اضافه تولید بیشتر خواهد برداخت. و هر روز ۴ ساعت اضافه -



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



خون کمونیست قهرمان رفیق طاهر ابراهیمی سرخ پرچم ماست!



در حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر ما در بوکان کمونیست دیگری با مقابله انقلابی خود در برابر این حزب ضد انقلابی، خونس را تقدیم راه رها شدی طبقه کارگر و خلق ستم دیده کرد نمود. اورفیق طاهر ابراهیمی بود.

رفیق طاهر دانشجوی انقلابی دانشگاه ارومیه بود. با او جگری مبارزات انقلابی توده ها در سال ۵۶، رفیق دانشکده را رها کرد و در سنگر طبقه کارگر و توده ها به پیکار انقلابی با رژیم ضد خلقی شاه پرداخت. او در تشکیل و فعالیت جمعیت آزادی زحمتکشان بوکان نقش فعالی را ایفا نمود. طاهر در نگهبانی شهر، با شرکت در مبارزات دهقانان آنجا، کردستان در مصا دره زمینها، در درگیریهای سلیکوک دهقانان بر علیه فئودالها و مالکین مبارزه میکردند، فعلا لانه شرکت نمود.

یکی از همزمان انقلابی او پیشمرگه انقلابی، رفیق شهید تیمور حسینی بود که مشترکا با تشکیل محفلی انقلابی، فعالیت وسیعی را در بوکان آغاز کردند. رفیق طاهر به اتفاق سایر همزمانانش از جمله رفیق شهید تیمور، در بستوی منزلی، دستگاه پلی کبی را که با زحمت

راهپیمائی ده هزار نفری در مراسم تدفین سه شهید کمونیست

مردم مبارز بوکان!

مانند طبقه که میدانید سازمان پیکار... در سراسر ایران به ملت ملی انقلابی خود، مبارزه بزرگ پرورشیم از جناحی جمهوری اسلامی پیوسته و در این راه شهدای زیادی را تقدیم خلقهای ایران نموده است.

حزب دمکرات نیز با پرورش خود به قهر پیشمرگان ما در تاریخ پنهان ۵۹/۱۲/۸

این حرکت رژیم را در حال با وجود تسلط خلق کرد تکرار کرد. و در این پرورش حمله با حد اقل ۳ شهید دیگر تقدیم جنبه مقاومت کرده و چندین نفر از پیشمرگان و هواداران سازمان را زخمی و دستبند کرد. ۴۰ نفر زخمی گردیده اند.

با تجمع و اجلاس خود از ساعت ۱۱ صبح میدان یاد بود این حرکت ضد انقلابی حزب دمکرات را محکوم کرده و خواهران پس گرفتن جنازه شهدا و آزادی اسرا و زخمی های خود از دست حزب دمکرات گردید.

سازمان پیکار
دوره آزادی طبقه کارگر
(کمیته کردستان)
۱۳۰۹/۱۲/۸

بوکان به وحشت افتاده بودند، با تیراندازی اقدام به پراکندن صفوف مردم کردند. بقیه در صفحه ۱۰

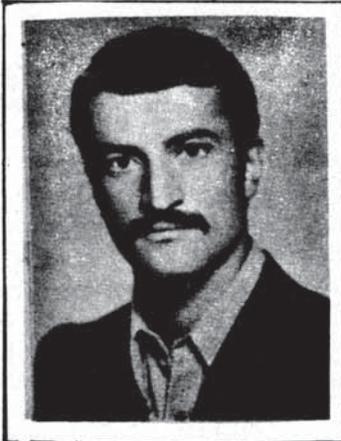
بدنبال حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقر ما در بوکان و شهادت حداقل سه نفر از رفقای ما، کمیته کردستان سازمان ملی اطلاعاتی از مردم زحمتکشان بوکان دعوت کرد تا روز جمعه ۵۹/۱۲/۸ در اعتراض به عمل ننگین ضد خلقی حزب دمکرات در راهپیمائی شرکت کنند. راهپیمائی از جلومقرسا زمان آغاز گردید و در طول مسیر زحمتکشان بوکان با پیوستن به صف راهپیمائی با ناعتراض و نفرت خود را به اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات ابراز میداشتند همچنین حدود ۳۰ نفر از ویا ش حزب دمکرات در مسیر راهپیمائی با دادن شعارهایی بر علیه سازمان ما و نیروهای انقلابی قصد برهم زدن صفوف راهپیمائی را داشتند که با مقابله سرخستانه راهپیمایان خشمگین از جنایات حزب دمکرات مواجه شده و در اثر حرکت نظا هر کنندگان تا مقر حزب دمکرات به عقب رانده شدند. در مقابل مقر حزب دمکرات مردم با ردیگری دادن شعارهایی، جنایات حزب دمکرات را محکوم کردند. افراد مسلح دمکرات که از نفرت انقلابی زحمتکشان

به آرمان سرخ کمونیست قهرمان رفیق باقی خیاطی وفادار بمانیم!



آنها دلیرانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستم دیده ایران پیکار نمودند و تا جوا نمردانه توسط حزب دمکرات بشهادت رسیدند. سه کمونیست قهرمان سه رفیق پیکارگر، همسنگران دلیر خلق ستم دیده کرد، فرزندان دلاور کردستان، عاشقان در راه آرمانهای کارگران و زحمتکشان کردستان خون خود راوشقه نهاد و انقلاب خلقهای ایران نمودند. کاک "باقی خیاطی" دانشجوی انقلابی، پیشمرگه کمونیست از جمله آنها بود.

کاک باقی خیاطی، دانشجوی دانشگاه تبریز بقیه در صفحه ۱۲



راه سرخ کمونیست قهرمان رفیق محمود (رضا) ابلاغیان را با تمام توان ادامه دهیم!



او یک کمونیست بود، قلبش برای طبقه کارگر زحمتکشان و خلقهای ستم دیده می تپید. سه آرمانش که آرمان طبقه کارگر یعنی کمونیسم بود تا پای جان وفادار ماند و در راه آن جان باخت. در دوران طبقه کارگر و زحمتکشان را لمس کرده بود و شیرینی مبارزه طبقه کارگر را در محیط آکنده از فقر خوانده، در کارهای طاقت فرسای تابستانی، در کارخانه ها و در میان خلق ستم دیده کرد چشیده بود. صمیمیت، صداقت، پشتکار و

جدیت و عشقش به طبقه کارگر و سازمانش در خا طره کمونیستها کارگران، خلق ستم دیده کرد و بقیه در صفحه ۱۰

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



فراوان بدست آورده بودند، برآه انداخته، و اعلامیه انقلابی و آگاهانه در جهت اثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد و دعوت توده ها به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی چاپ و پخش کردند.

در جریان دوره اول جنبش مقاومت و قتی که رفیق تیمور برای گرفتن اسلحه به کوه رفته بود رفیق طاهر در شهر ما دوبار افشاگریها و فعالیتها ی خود، بیکارا انقلابی خود بر علیه رژیم رانندت بخشید

و در جریان همین افشاگریها رفیق شهید طاهر توسط پاسداران و جاسوسان دستگیر و زندانی شد. بدنبال آزاد شدن شهرهای کردستان توسط پیشمرگان قهرمان خلق کرد، رفیق شهید طاهر از زندان آزاد شده و با عشق و شور و شوق بیشتر به مبارزه خود ادامه داد. او در کارگاهی به کار مشغول شده و به آگاه کردن کارگران پرداخت.

با تلاش طاهر و همزمانش محفل دویا ره شکل گرفت و پس از مطالعه مواضع سیاسی سازمانهای جنبش کمونیستی، در بهمن ۵۸ هوادار سازمان پیکار شده و رفیق طاهر و همزمانش مبارزات انقلابی خود را در سنگراسا زمان ما ادامه دادند. رفیق شهید طاهر برای زحمتکاران بوکان چهره آشنائی بود و او را میدیدند که چگونه سرفاله های پیکار

و اعلامیه های سازمان را بزبانی شاد و شیرین برای زحمتکاران بوکان توضیح میداد. مردم بوکان در سرودها و آوای انقلابی او در دورنج زندگیشان را لمس میکردند و از همین رو رفیق شهید طاهر مورد علاقه زحمتکاران بوکان بود.

رفیق طاهر با وساطت قدرت تبلیغاتی توانائی کار توده ای و جذب توده ها، نقش فعالی را در گسترش فعالیت انقلابی سازمان ایفا مینمود به هنگامی که یورش مزدوران حزب دمکرات به مقرر سازمان در بوکان رفیق طاهر با اسلحه کمبری خود دلورا نه در مقابل یورش وحشیانه حزب دمکرات ایستادگی کرد و نشان داد که کمونیستها در راه منافع طبقه کارگر و آزادی خلقهای ستمدیده در برابر دشمنان خلقها، سرما به داران و فئودالها اسلحه بزمین نمیگذارند. او با نشان دادن در راه خلق قهرمان کرد، ندا و انقلاب خلقهای ایران را نوید داده است.

به آرزویش وفا دار ما نیم و همچون او عاشقانه در راه آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده پیکار شما شیم!

کوشه های بی از اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات در کردستان

در حاشیه حمله وحشیانه حزب دمکرات به مقرر سازمان ما در بوکان و شهادت حداقل سه تن از رفقای ما بدست افراد حزب دمکرات ضروری است که مروری بر برخی اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات بر علیه جنبش مقاومت بکنیم:

سودشت ۵۹/۳/۲۸

افراد مسلح حزب دمکرات پیشمرگان انقلابی کومله را بخاطر دستگیری عده ای از مالکین شورومنتفه "آگه لیم" از توابع پیرا شهر توسط کومله دستگیر کرده و پس از خلع سلاح آنها را بگروگان گرفتند.

میان دو آب - اوائل آبان ۵۹

افراد حزب دمکرات به روستای زنجیرآباد (ترک نشین) در نزدیکی میان دو آب حمله کردند که در نتیجه آن یک خانه مسکونی برآشوبی جی ویران شد.

بوکان ۵۹/۸/۱۳

قطع درختان اطراف شهر جهت مبارزات - مندان، مالکین و مسئولین حزب.

پیرانشهر ۵۹/۸/۲۱

افراد حزب دمکرات، مقرر "راه کارگر" در روستای "عزیز کند" محاصره کرده و افراد مسلح راه کارگر را خلع سلاح نمودند.

میان دو آب ۵۹/۸/۲۳

افراد حزب دمکرات به روستای "گرسده رش" حمله کردند که در نتیجه آن چهار نفر از جمله یک زن بشهادت رسیده و ۵ کودک خردسال زخمی شدند همچنین در اثر این حمله ۳ انبار علوفه آتش گرفت. بدنبال این یورش مردم محل بعلت آزار و اذیت حزب دمکرات بطرز غم انگیزی به ترک روستا مجبور شدند.

مهاباد ۵۹/۹/۷

افراد حزب دمکرات، چهار تن از پیشمرگان کومله را هنگام انتقال یک جاش منفرود دستگیر شده برای بازجویی در مهاباد، دستگیر و مسورد آزار و اذیت قرار دادند.

بوکان اوائل آذر ۵۹

حزب دمکرات از ورود کاروان لایه شهر جلوگیری

کرده و اموال مردم زحمتکاران بوکان را حین ورود بشهر مصادره و جرمه میکند

مهاباد ۵۹/۹/۳۰

حزب دمکرات ۶ تن از پیشمرگان انقلابی پیکار را پس از ضرب و شتم خلع سلاح نمود.

بوکان - ۵۹/۱۰/۵

افراد مسلح حزب دمکرات قلدرمستانه به میتینگ کومله و مردم حاضر در محل حمله کردند و ضمن برهم زدن میتینگ و زدیدن ما شین کومله مردم و پیشمرگان کومله را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

بوکان ۵۹/۱۱/۲۱

حزب دمکرات ساعت ۳ با مداخله روستای "حما میان" مده و پس از خلع سلاح نگهبانان اعضای شورای آبادی را بخاطر عملکردهای انقلابی ضد فئودالیسم دستگیر نمود. افراد حزب با ضرب و شتم فراوان مردم زحمتکار محل به ما موستا و کومله توهین کردند.

بوکان - ۵۹/۱۱/۲۴

افراد مسلح حزب دمکرات برای آزادی یک سرما به دار پیشمرگان کومله را برگزیدند که در نتیجه آن یک پیشمرگ و یک کودک خردسال زخمی شد. پس از آن حدود ۱۰۰ نفر از جماعت را از حزب به مردمی که برای شنیدن سخنرانی یکی از مسئولین کومله در راه حمله حزب دمکرات در جلو مقر کومله جمع شده بود حمله کرده و آنگاه به خیابانها میریزند. جماعت را از حزب هواداران نیروهای انقلابی را مغرور نموده و پوسترها و اعلامیه های آنها را برآه کرده و چند نفر را دستگیر میکنند.

اینگونه اقدامات تنها دشمنی حزب دمکرات با خلق کرد و کمونیستها و نیروهای انقلابی و حمایت آن از جاش مالکین و سرما به داران را نشان میدهد. و روشن میباشد که حزب دمکرات برای تامین منافع ارتجاعی و ضد انقلابی خود به هر جنابیت و خیانتی بر علیه خلق کرد دست میزند.

آخرین خبر:

اعتصاب غذای پیروز رفقای زندانی

بعد از حمله وحشیانه حزب دمکرات به پیشمرگان سازمان پیکار و تصرف مقبوضات عوامل حزب دمکرات ۲۴ تن از رفقای مسلح و غیر مسلح مستقر در مقر راد دستگیری می نمایند و آنها را شدیداً مسورد ضرب و جرح قرار میدهند. در همان روز دستگیری عوامل حزب رفقای ما را به کمیته قضائی حزب برده و در یک اتاق تنگ و نامنور مسورد قرار دادند و جمعاً شش پتو را خیار آنها گذاشتند. از همین موقع رفقا متحداً در اعتراض به جنابیت حزب و بخاطر استرداد اموال سازمانی و آزادی خود دست به اعتصاب غذا میزنند. فردای آنروز رفقای زندانی که از بیرون صدای شطاهر - کنندگان را می شنوند شروع به شمار دادن و خواندن سرود میکنند. در این موقع محافظین مسلح کمیته به شتم آمده و با لاف و ساعت ۱۰/۵ شب ۵۹/۱۲/۸ بر آن می شوند تا رفقا را به زندان بیرون شهر انتقال دهند. رفقا دلیرانه دست به مقاومت زده اما عوامل حزب با قنداق تفنگ و شلاق (از نوع شلتک آب) چند رفیق را مورد ضرب و جرح وحشیانه قرار میدهند و آنها را بزور سوار کامیون و سپس تراکتور کرده و به زندان خارج از شهر میبرند.

رفقای زندانی در زندان به اعتصاب غذای خود همچنان ادامه داده و در حالیکه حمایت توده های وسیعی را در خارج از زندان نسبت به خود بوجود آورده بودند و حزب شدیداً افشا شده بود آزاد میگردند. این رفقا در روز ۱۲ اسفند ساعت ۱۰ شب در ششمین روز اعتصاب دلیرانه خود، اعتصاب غذا را شکست و فردای آنروز آزاد شده و به شهر باز میگردند.



بقیه از صفحه ۱ شهادت...

اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات را محکوم نماییم

در اختیار آن است.

کارگران و خلقهای ایران!

کمونیستها برای استقلال و دموکراسی واقعی برای جمهوری دمکراتیک خلق و برای سوسیالیسم میجنگند! کمونیستها دشمن امپریالیستها سرمایه داران، مترجمین و همه ضد انقلابیون میباشند! کمونیستها برای پیروزی انقلاب مبارزه میکنند و در این راه لحظه ای فکرازش با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و سایر رژیمها و نیروهای ضد انقلابی را بخود راه نمیدهند! آری کمونیستها یاران صدیق انقلاب زحمتکشان ایران میباشند و به همین خاطر پیوسته مورد سرکوب و تهاجم رژیم شاه، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی قرار گرفته اند. رفقای ما هر جا که مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم در جیبستان بوده در صفوف مقدم جبهه نبرد قرار داشته اند و یکدم از افشای دشمنان انقلاب غافل نشده اند. سازمان ما نه تنها رژیم کمراد دشمن زحمتکشان ایران میداند، بلکه نیروهای ماندرجینتو، فدائیان، اکثریت و حزب دمکرات را نیز در صف دشمنان انقلاب قلمداد میکند، چرا که این نیروها بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه نمیکنند. حزب دمکرات بخاطر اهداف و منافع ضد انقلابی خود با رژیم حاکم مخالفت میکند. این حزب در پی آن نیست تا کارگران و زحمتکشان در

ایران به قدرت برسند، این حزب مدافع منافع ما لکین و سرمایه داران است و به همین خاطر از یکسوی پیوسته کوشیده است تا با رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به ما زش برسد و با زش با رژیم ارتجاعی بعث عراق از رژیم ایران امتیاز - ات جدیدی بگیرد و از سوی دیگر پیوسته مخالفت و دشمنی خود را با توده ها و با انقلابیون صدیق و کمونیستها واقعی بنمایش گذاشته است. همین حزب با راه در دفاع از منافع مالکان، دهقانان را مورد سرکوب قرار داده است. همین حزب بارها کوشیده است تا نیروهای انقلابی ما ندر رفقای کومله را خلع سلاح کند، همین حزب در گذشته چند تن از پیشمرگان سازمان ما را خلع سلاح نموده است و همین حزب امروز به مقر سازمان ما حمله و حشیا نه نموده و حداقل سه تن از رفقای ما را به خون کشیدم و تعداد زیادی از رفقا را زخمی و دستگیر مینماید. آری آنچه امروز حزب دمکرات انجام میدهد امری اتفاقی نیست، به همانگونه که کوشش حزب برای سازش با رژیم حاکم اتفاق نیست، به همانگونه که سازش حزب با بعثیه های مرتجع عراق و مذاکرات پنهانی سران حزب با بختیار رمزور اتفاق نیفتاده است. حزب دمکرات بر ضد انقلاب خلقهای ما بوده و به همین خاطر انقلابیون و کمونیستهای صادق و از جمله سازمان ما را مورد هجوم و حشیا نه خود قرار میدهند. و پرواضح است که این نیروی ضد انقلابی به این اقدامات و به سازمان ما بستنده نخواهد کرد. سیاست حزب دمکرات در مناطق آزاد شده کردستان حمله گام به گام به تمامی نیروهای انقلابی و فعال را بدنبال خواهد داشت. امروز تمرکز حمله ضد انقلابی حزب بروی ماست و فردا بروی نیروی دیگری خواهد بود و به همین لحاظ ما به تمامی کمونیستها و انقلابیون فعال در کردستان هشدار میدهیم و از آنها میبخواهیم تا اهداف و سیاستها و منشی خائنان این حزب را برای توده های زحمتکش افشا نمایند و همبستگی و همکاری میان خود را تعمیق بخشند. رفقای ما در کردستان بر نیروهای انقلابی در کردستان، در کنار خلق دلیر کرد و بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی میجنگند و با طبع در چنین شرایطی سازمان ما خواهان درگیری نظامی با حزب دمکرات نمیشود، اما زمانی که این حزب ضد انقلابی برای خلع سلاح پیشمرگان قهرمان ما عمل میکند زمانی که مقر سازمان را مورد حمله قرار داده و رفقای ما را زخمی و شهید مینماید تا آنجا که در قدرت و توان خود را ریم به مقام دست میزنیم ما در برابر رژیم جلا دشا تسلیم نشدیم، ما در برابر رژیم تیهکار جمهوری اسلامی اسلحه خود را بر زمین نگذاشتیم و پرواضح است که در برابر رژیم جنایات حزب دمکرات نیز خا موش نخواهیم ماند. ونه دست از مبارزه نخواهیم کشید. ما همچون گذشته وفا دار به انقلاب بوده ها خواهیم بود، بمبارزه علیه هیات حاکمه ایران ادامه خواهیم داد و تمامی نیروهای ضد انقلابی همچون حزب دمکرات را افشا خواهیم نمود. ما کمونیست هستیم و تا

کارگران زحمتکشان خلقهای مبارز ایران!

با دیدن افراد مسلح حزب دمکرات بر اساس منشی ضد انقلابی حزب، جنایت بیسابقه ای آفریدند و دست به کشتار کمونیستها زدند، افراد حزب دمکرات در همان زمان که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خلق کرد را قتل عام میکنند و سینه پیشمرگان انقلابی را با گلوله میشکافند، با رگبار مسلسل های خود رفقای ما را مورد حمله و حشیا نه قرار داده و چند تن از آنان را به خون میکشاند.

بعدا ز ظهر روز پنجشنبه هفتم اسفند در یوگان توسط سه تن از عوامل حزب جنایتکار دمکرات در خیابان رودر حضور مردم یکی از فرزندگان نشریه پیکار (شماره ای که در آن «ما حبه مجاهد با قاسم» افشا شده بود) را مورد ضرب و شتم قرار داده و او را دستگیر مینماید. نیم ساعت بعد از حادثه، عوامل جنایتکار حزب با نیروی بسیار زیاد دو همراه با یکی از مسئولین حزب دمکرات که در زمان شاه خائن ساواکی و جاسوس بود، با انواع سلاحهای سبک و سنگین مقر سازمان پیکار را در شهر محاصره کرده و مورد حملات نظامی خود قرار میدهند. آنها با آرم بی - جی و نارنجک انداز و حشیا نه مقرر سازمان را مورد هجوم قرار داده و به روی مردمی که در پی آن بودند تا از یورش حزبها جلوگیری بعمل بیاورند آتش میکشاند. در برابر این یورش ضد انقلابی، رفقای مستقر در مقر دلیرانه دست به مقاومت میزنند. پس از سه ربع حملات فاشیستی و کشتار روز خمی کردن چند تن از رفقای ما توسط حزبهای جانی رفقای ما پیشنها دت شس و مذاکره میدهند. اما حزبها که کینه و حشیا نه ای نسبت به طبقه کارگر و پیکارگرمان راه آزادی طبقه کارگر دارند به تیراندازی خود همچنان ادامه داده و حداقل سه تن از رفقای ما را به شهادت میرسانند. رفیق رضا ابلاغیان، (از اعضای سازمان و عضو (اهل مهاباد)، رفیق پیشمرگه قهرمان باقی خیاطی (اهل مهاباد)، و رفیق پیشمرگه قهرمان طاهر برای همی (اهل بوکان) توسط جانیان حزب به شهادت میرسند و بعلاوه تعدادی از رفقای مستقر در مقر شهید زخمی میشوند.

بدنبال این جنایات هولناک حزبها بداخل مقر نفوذ کرده، رفقای موجود در مقر و از جمله زخمیها را وسیعاً مورد توهین و ضرب و شتم قرار میدهند. این جلا دنان سپس به دزدی و خالی کردن





آخرین قطره خون خود فدا دار به انقلاب و سوسیا - لیسیم باقی خواهیم ماند و حزب دمکرات ، این مدافع مالکین و سرمایه داران ، بدانکه هرگز نمیتوانند جلوی تداوم مبارزه ما را بگیرد ، همچنان که رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی نتوانست از مبارزه طبقاتی و ملی کمونیستها ، خلفای ایران و از جمله خلق دلاور کرد جلوی گیری بعمل آورد حزب دمکرات میخواهد کردستان را بزیر حاکمیت ضد انقلابی خود بکشد ، اما مطمئن باشد خلق آگاه و دلبر کردستان و نیروهای کمونیست و انقلابی هرگز اجازه نخواهند داد تا حزب دمکرات خیانتکار ، انقلاب خونین خلق را خفه نماید . ما با ردیگریه تمامی نیروهای کمونیست و انقلابی همداریم و همه یونان تنها از آنها میفروسیم

تا ما هیت و اهداف ضد انقلابی حزب را بطور مستمر افشا نمائیم ، بلکه اقدام چنانچکه در سال قبل از ما و کشتار و اسارت رفقای پیشمر - که ما را شدیداً محکوم نمائید و همصدا با ما خواستهای زیر را با صدای رسا اعلام دارند :

• محاکمه عاملین تسهیلگر رگشتا رگشتای پیکارگر رفیق رضا ابلاعیان ، رفیق باقی خیا طی رفیق طاهر ابراهیمی در دادگاه انقلابی خلق کرد • تحویل فوری جنازه شهدا ، آزادی فوری رفقای اسیر (جان این رفقا بخصوص رفقای زخمی در خطر است) و استرداد اموال سازمان که جزوا موال زحمتکشان و طبقه کارگر است .

گرمای با دغا طره رفقای شهید که در راه انقلاب توسط عوامل حزب دمکرات به خون کشیده شدند ! هر چه رسوا تر باشد و توطئه های خائسانه حزب دمکرات بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کمونیست ! بر تو انتقام دهنش مقامت خلق کرد ! بر قسرها رسا جمهوری دمکرات تیک خلق !

۵۹/۱۲/۱۱

جنایتی هولناک توسط حزب دمکرات

با ردیگریا افراد مسلح حزب دمکرات بر طبق سیاست حزب چنانچستی دیگر آفریدند و روی پاس - داران ارتجاع را سفید کردند ، این بار نیز جریان طبق معمول حمله و یورش و وحشیانه به پیشمرگان یک نیروی انقلابی فعال در جنبش مقامت خلق کرد است . حرکتی که دقیقاً از پاسداران و ارتش ضد خلقی انتظار میرود ، بار دیگر بوسیله حزب دمکرات انجام میگردد .

جریان بدین قرار است که تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات که اکثراً مستبوه اند بعد از ظهر روز پنجشنبه هفتم اسفند بتعداد در خیابان و در حضور مردم به یکی از فروشندهگان نثریه پیکار حمله کرده و او را مورد ضرب و شتم و توهین قرار داده ، دستگیر میکنند ، سپس با تجهیزات کامل و سلاحهای سنگین و نیروی زیاد مقرر سازمان پیکار را در شهر بوکان محاصره و شروع به تیراندازی بسوی مقر و نگهبانان آن میکنند ، اعتراضات مردمی که میخواهند جلوی یورش را بگیرند مورد توجه افراد مسلح حزب قرار نمیگیرند و آنان بروی مردم نیز آتش میکشند در طی این درگیری حزبیها با آر - پی - جی و نارنجک انداز به ما حتماً مقرر تیراندازی می - نمایند . این حمله وحشیانه با مقامت دلیرانه رفقای ما روبرو میگردد . پس از آنکه بیش از سه ربع ساعت از درگیری و حمله منوال وارد مقر آنها به مقر ما میگردد از آنجا که عده ای از رفقای ما شهید و زخمی میشوند ، رفقا از درون مقر پیش نهاد آتش بس و مذاکره میدهند ، ولی این جانبداران جلادان همچون پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از کوبیدن مقر با سلاحهای سبک و سنگین دست برنمیدارند تا بالاخره بداخل مقر نفوذ کرده ،

و شروع به دستگیری و کتک کاری رفقای بسی سلاح و توهین به آنان می نمایند . افراد زخمی را زیر باران مشت و لگدمیگیرند . پیشمرگان قهرمان سازمان ما را که تا به امروز در هنرنمایی در صف مقدم جبهه بوده و سینه خود را در برابر تیرها چهر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سپر کرده اند ، نیز ضلع سلاح کرده و با توهین و کتک کاری اسیر میکنند . پیشمرگان ترو وحشیانه تر از همه اینها سر بریدن یکی از افراد زخمی توسط یکی از جلادان دمکرات میباشد . شخصی که این کار را کرده دز زمان شاه نیز جاسوس و ساواکی و فردی چنانچکه بوده ، او اکنون یکی از مسئولین حزب دمکرات است . لگد زدن و توهین به جنازه شهیدان نیز از شاخه کارهای دمکرات است . این جانبداران در حالیکه پیکار شهدای ما غرق در خون بوده در پی گشتن جیبهای آنان و دزدی کردن بوده اند . به شهادت مردمی که از نزدیک شاهد ما اجرا بوده اند ، بسوی الککل ناشی از متستی افراد حزب گام ملامت معلوم بوده است پس از تمام این بشیر میسها و دستگیری حدود چهل نفر از رفقای مسلح و غیر مسلح ما ، این جانبداران یکی از زندانیان ما را که یک قاچاقچی مشهور و بزرگ جاش رژیم جمهوری اسلامی بود ، با احترام و در حالیکه خود این جاش به نفع حزب شعار میداد آزاد ساختند و او را با خود میبرند . در کنار تمام این قضا با افراد مسلح حزب چندین دفعه با تهدید و اذعان و تیراندازی بسوی مردمی که برای اعتراض به حرکت حزب تجمع کرده بودند آنها را پراکنده میسازند و حتی قصد کشتن بستگان یکی از شهدای ما را که در حال افشای حزب بود ، میکنند . غارت اموال مقر و آتش زدن نشریات آخرین عمل این چنانچستکاران بود . هم اکنون

مقرر در تصرف و اشغال این غارتگران و چنانچه شهدا نیز در اختیار آنان است .

مردم مبارز بوکان! خلق قهرمان کرد!

حرکت دیروز حزب دمکرات و کشتار و وحشیانه و خون کشیدن عده ای از رفقای قهرمان ما که هر یک سابقه چندین سال مبارزه بر علیه رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی را دارند ، چیز تازه ای نیست این اقدام حرکت گذشته حزب است . خلق سلاح پیشمرگان نیروهای انقلابی اگر تا دیروز با تهدید صورت میگرفت ، اکنون با هجوم وحشیانه توأم است . گوشتی حزب دمکرات دشمنان واقعی خود را در میان خلق کرد و نیروهای انقلابی میباید . و بواقع نیز عمل حزب دمکرات همین را نشان میدهد . حزب دمکرات همچون پاسداران رژیم جمهوری اسلامی مقر پیشمرگان را محاصره و پس از کشتار عده ای از بهترین فرزندان خلق قصد تصرف مقر را میکند . حزب دمکرات پیش از آنکه رژیم جمهوری اسلامی را دشمن بشناسد ، نیروهای انقلابی کردستان را در مقابل خود میبیند . حزب دمکرات جاشها را در میان خود میبندد و آنان را آزاد میکند ولی پیشمرگان انقلابی را دستگیر میسازد . حزب دمکرات نیرو - های سرکوبگر رژیم ام را با ساداران و جاش و ارتشی را اسکورت میکند و به سلامت به پاسداران مها با دود بگریا دگا آنها میرساند . ولی پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار را بخون مینشانند . براساس این عملکردهای حزب دمکرات چه فرقی با حرکات رژیم دارد ؟

حزب دمکرات احمقانه خیال میکند با ترور و کشتار انقلابیون و از جمله رفقای پیکار - گرما میتواند انقلاب را خفه کند حزب دمکرات همچون هر حزب سرمایه داری دیگر بیهوده مینماید بلکه میتواند با سرکوب زحمتکشان صدای آنان را برای همیشه خفه کند . ولی هیبت اگر رژیم ضد خلقی شاه توانست انقلاب را نابود کند و اگر رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی توانسته است صدای اعتراض توده ها و خلق قهرمان کرد را خاموش سازد ، حزب دمکرات نیز خواهد توانست انقلابیون را ساکت کند . سازمان پیکار کارنا مه خونینش به بیش از ۱۵ سال قبل بر - میگردد و مبارزه رفقای ما در زمان رژیم دیکتاتور کوری شاه باعث به خون غلظیدن بسیاری از رفقای قهرمانمان گردید . اما هرگز در برابر ضد انقلاب یک قدم به عقب برنداشتیم . در زمان رژیم جمهوری اسلامی نیز رفقای پیکارگر ما از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب خاک کشور را با خون خویش رنگین ساختند . اعدا رفقای پیکارگر ما در خوزستان و آذربایجان و شهادت پیشمرگان دلیر ما در کردستان گواه این قضیه است . اما هرگز کشتار - ها ما را بکدام زما رزه باز نداشتند و نخواهد داشت . یورش وحشیانه و دهن منشا نه حزب دمکرات نیز نخواهد توانست ما را بکدام زما وضع نظراتان بقیه در صفحه ۲۵

اخبار مبارزات توده‌ها



زنان زحمتکش و مصادره ماهیهای دولتی!

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۳ جمعیتی از زنان زحمتکش که در خیابان سلسبیل برای خرید ماهی از فروشگاه شلات صف کشیده بودند، به اسدازان داخل مغازه که با رتی باری کرده و ماهی را فقط به آشنا نشان میفرودند اعتراض کرده و زن زحمتکشی رو به اسداری که در حال خارج کردن یک کسه ماهی از مغازه بود، کرده و مسکود: "خرا بدون اینکه در صف سستی ماهیها را با رکردای و مسیری، مکرر و جدان بدارای، بخودست کسه کمونستها شما را بداران سرما نه مستما مند، شما را قاتل و دزد ممدانند، واقعا حق دارید." با اسدازمزدور در پاسخ جواب میدهد: "غلط زیاد نکن زنکه... که زنان همگی بوی حمله ورمی- شونو با اسداز سرما به فرار میکند. سین زنسان زحمتکش بداخل مغازه هجوم برده و ما می های دولتی را ما بین خود تقسیم میکنند. توده های آگاه در مقابل سیاستهای ضد مردمی رژیم، سیاست و خواست خود را اعمال میکنند.

★★★

مبارزه زندانیان انقلابی ادامه دارد

در حدود یکماه پیش، با اسدازان جهل و سرما به، عده ای از جوانان انقلابی را در شهر کزنده جرم دفاع از منافع زحمتکشان و دانشمن افکار انقلابی دستگیر و به زندان شگاه افغان منتقل میکنند. این عمل ارتجاعی بوسیله هواداران "سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (چهارم حال بختاری) اودیکر کمونستها افشا شد. طبق اطلاعات موثق شکنجه گران رژیم به انواع شکنجه توسل جستند تا با بدروحی مقاومت را در زندانیان انقلابی شکنند (شکنجه هایی مانند سوزاندن بدن بوسیله آتش سکا و روکت زدن بوسیله کابل ...).

انقلابیون در زندان نیز دست از مبارزه بر - نداشته و برای رسیدگی به وضعیتان ۵ روز اعتصاب غذا میکنند. رژیم ضد خلقی نیز بدروغ قول رسیدگی را میدهد اما همانطور که ازما هیبت آنها برمی آید، قول آنها فریبی بشن نبوده . زندانیان انقلابی دوباره دست به اعتصاب غذا زده و تا کنون اعتصابشان ادامه دارد!

به نقل از: کوه رنگ شماره ۱۰۵ - نشریه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - چهارم حال بختاری

توطئه های رژیم علیه صیادان آزاد را افشا کنیم

خواهش ما لید.

کارگران! زحمتکشان گیلان!

صیادان مبارز گیلان!

در چنین شرایطی تنها با مقاومت همه جانبه در برابر ترس و ترسهای ارتجاع، برقراری ارتباط با دیگر صیادان آزاد منطقه، ایجاد شورای صیادان آزاد در محدوده فعالیت خود، ایجاد ارتباط با دیگر شوراهای صیادی مانند شورای صیادی آزاد انزلی و تشکیل اتحادیه سراسری صیادان آزادی می تواند از حقوق خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی دفاع نماید.

بیت بسوی اتحاد شوراهای واقعی صیادی با اندکی تفسیر و تلخیص از علامه گمشته گیلان - سازما ر.

چندی است که مدنیال فرار سدن فعل صید رژیم کشتار و سرکوب جمهوری اسلامی از هر طرف به صیادان آزاد منطقه فشار می آورد و تلاش می کند که از صیادان بنبغ خود جلوگیری نماید. اخیرا مقامات مرتجع رژیم طی بخشنامه ای صیادان منطقه طالش را تهدید کرده که در صورت ادا مه صید تحت تعقیب فرار خواهد گرفت (جنگل - ۵۹/۱۱/۱۹) این اولین باری نیست که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان دست به تهدید و ارباب میزند و ولی صیادان آزاد همچنان که در حمله به قهرمانان سال گذشته خود در انزلی نشان داده اند با دیدگر پیروزه ارتجاع را به خاک

یورش ناکام پاسداران و پلیس به زحمتکشان ساختمان لاله

شد. با سیاستها و پاسداران از ورود مردم به ساختمان جلوگیری میکنند. مزدوران سا قنداق ژس بصورت زحمتکشی کوبیدن و خون از دهانت جاری شد. سرکوب با سیاستها و پاسداران، مقاومت را بیشتر کرد. آنها ترس اندازی هوائی کردند ولی مقاومت دلیرانه زحمتکشان ساکن ساختمان و حمایت مردم ارتجاع را به عقب نشینی واداشت. مردم مبارز انانسه زاردم ریختند و زحمتکشان را داخل ساختمان بردند روحیه همبستگی مردم ساکنین زحمتکش خانه تحسین آمیز بود و همین اتحاد یکاگی بود که باعث عقب نشینی مزدوران ارتجاع گردید.

روزی بنویست های توده ای و اکثریتی نیز حاضر بودند و چون همیشه به خدمتگزاران ارتجاع مشغول بودند. آنها با "عیر مستصفا" خواندن زحمتکشان ساکن ساختمان و "ساواکی" نامیدن آنها سعی میکردند مانع از حمایت مردم شوند اما مثل همیشه افشاده و با ختم و کسب زحمتکشان حاضر و بر سر بردند.

روز پنجشنبه ۷ اسفندماه، با اسدازان سرما به زحمتکشان ساکن ساختمان لاله (خیابان کارگر مقابل موزه فرش) یورش بردند و انانسه نا چیز آنها را به بیرون ریختند و شکستند. اسن زحمتکشان از مدتها پیش در این ساختمان ساکن شده اند و با رها از طرف جما قداران رژیم جمهوری اسلامی تهدید به اخراج شده اند با اسدازان سرما به که با یک حکم "بنیاد مستضعفین" به آنها یورش آورده بودند، با مقاومت زحمتکشان مستقر در ساختمان روبرو شدند. زن زحمتکشی سا چشمانی اشکبار فریاد میزد: "شوهرم بیکار است و خودم رختو، حالا خسته و کوفته از کار سرگشته ام میبینم میخواهند بیرونمان بکنند، ما بکجا برویم؟" مردم زحمتکش و عده ای از عناصر آگاه با اجتماع در مقابل ساختمان به فضای رژیم برداختند. مردم حاضر را میبندند "زحمتکش حق توست، از خانه ات دفاع کن". "زحمتکش، زحمتکش حمایت میکنند". مقاومت زحمتکشان با روحیه ای که از پشتیبانی مردم گرفتند بیشتر

★★★

به استقبال جنبش او جگین شده توده ها بش تائیم



مسئله ملی خلق ها و راه سرخ

زحمتکشانی که او را از نزدیک می شناختند بیایند
شواهد ما بد. همه ما او را میشناخیم، رفیق محمود
ارما با بلایمان را، رفیق کمال خدا بر ما کردند.
در سال ۱۳۳۳ در بروجرد به دنیا آمد. پدرش یک
پیشه ورز ساده بود. زندگی، شواهد ما نثرز میهنه ملی
رشد آگاهی انقلابی و عشق طبقاتی او در طبقه
کارگر و توده های زحمتکش بود. او اغلب با پستانها
برای کمک به پدر زحمتکش خود در ادا زحمتها
به شاگردی میپرداخت. دو سال تپستان را در
یک مغازه بیوزی فروشی بکار مشغول بود. همان
یک انسان کمونسیت و عشق بی پایانش به
زحمتکشان، از او آشنایی محبوب برای آشنایان
ساخته بود. دوران تحصیلات دبیرستانی را در
بروجرد گذراند. در سالهای آخر دبیرستان برادر
مصالح کتب علمی و ماژیکستی، ماژیکسیم -
لنینسیم را فرا داد و از سازمان انقلابی خود معارف
داد. کار آکا هکرا نه و مطالع و کوهنوردی در دوره
دبیرستان حزبی از زندگی شده بود.
در سال ۵۳ به مدرسه عالی ورزش راه یافت.

هنگامی که در آن دانیسکده ورزش هرگز آگاهی دادن
به سوده ها را فراموش نکرد. طی یکسال دوره کار
آموزی تربیت بدنی در دبیرستان سیراب
سیران که مخصوص ارمنی ها بود، به آگاه کردن
دانش آموزان ارمنی پرداخت. و با وجود اینکه
زبان ارمنی نمی دانست تا دادن کلاسهای
آگاهی سخن به دانش آموزان ارمنی، با تمام
سوان به کار آکا هکرا به میرواخت.
رفیق محمود در شهریور ۵۶ با سازمان
کرمنا و ناسنگا رو علاقه تمام به مبارزه در راه
آزادی طبقه کارگر، وظایف محوله سازمانی را
به انجام میسرساند. با رشد مبارزات توده ها،
رفیق محمود در تمام مبارزات توده ها بر علیه
رژیم شاه فعالیت شرکت میکرد. در تابستان ۵۷ با
دلی آکنده از عشق به طبقه کارگر، برای آگاهی
دادن به کارگران، در کارخانه جنرال شروع به
کار کرد. بدینسان مبارزات روزافزون طبقه
کارگر و تعطیل شدن کارخانه ها، رفیق محمود
مجبور به ترک کارخانه گردید.
در قیام خلقهای ایران، دوش بدوش کارگران
وزحمتکشان در مبارزات توده ها شرکت نمود.
پس از قیام رفیق محمود با لغت آن در دفتر سازمان
سیکارد بهرمان به مبارزات انقلابی خود ادامه داد.
در آبان ۵۸، طبق تصمیم سازمان به کردستان
مردم راه تشیع جنازه برای روز شنبه فراخواندند.
روز شنبه صبح ۵۹/۱۲/۹ مراسم باشکوه
تشیع جنازه به رفیق کمونسیت پیکار رگستر
سرگزار گردید. در این مراسم بی سابقه ده هزار
نیرو از زحمتکشان شرکت نمودند. توده های
ستمذبه برای ایران از آنجا رسمیت به اقدامات
جنازه کارانه حزب، جنازه شهید کمونسیت گبه
در میان بارجه سرخی قرار گرفته بود در برابر
بالای دست حمل می نمودند. جنازه های کمونسیت
- ها به پرچم سرخی تبدیل شده بود. پرچم سرخی
که به توده ها سوید میداد انقلاب تا استقرار
کمونسیم ادامه می داد. هدا داشت چه پرشکوه بود بیکر
خون خفته رفقای که بیما نند پرچم سرخی در
دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه پرشکوه بود
بیکر خون خفته کمونسیتها که از سرک
بهراسند و در راه آزادی و انقلاب سوسیالیسم جان باختند!
بدین ترتیب بود که جنازه شهید کمونسیت
به خاک سپرده شد. بیکر آنان به خاک سپرده شد.
اما آرمان و الاثان، کمونسیم، با زهم سرختر و
درخشان تر گردید. پس از توفیق رفقای شهید،
مردم زحمتکش سوگان برای تسلیم به پشیمرگان
انقلابی سازمان و خاسواد به پشیمرگه شهیدکاک
ظاهر کرده گروه به متحد آمده، اظهار همدلی نموده و
بفرخود از عمل خاشاکه حزب دمکرات اعلام میگردند.
روز یکشنبه در یکی از مسجدهای سرک شهر
مرا به یاد برای رفقای شهید سرگزار شد. در
تمام این مراسم حزب دمکرات و وسع افشا گردید
و توده های حرکت کننده آزادی رفقای زندانی
زا حواسنا ز گردیدند. رفقای زندانی از لحظه ای
که در زندان حزب دمکرات رفته اند دست به

اعزام سوبایدی رفیق مسئولیت دسر برسان
در سفر در کنار خلق قهرمان کرد بیکار را غلابی
خود بر علیه ارتجاع و امیریا لیم را شدت بخشید
رفیق دربارماندهی رفقای هوادار در سفر رفیق
سراشی داست. محمود در طول این سفر در کردستان
حریه آزادی طبقه کارگران و خلق ستمدیده
کردنی اندیشید. زحمتکشان، دانش آموزان
و انقلابیون سترچهره خدایان، صمیمی وحدی او را
همیشه با طرخواهند داشت.
رفیق محمود روز شنبه ۵۹/۱۲/۷ در حمله
حزب دمکرات به مقر سازمان در سوگان همراه دو
همرزمن در خون خوش غلطید. و کلوله های حزب
دمکرات قلب او را زانرا که حربه آزادی طبقه
کارگر و خلق ستمدیده کردنی ستمدکافس.
رفیق محمود و همرزمانش بدست حزب دمکرات
بشهادت رسیدند چون در اردان مین منافع خلق
کرد و مبارزه در راه آزادی نهایی انقلابی این خلق
ستمذیده، با آشنایی نا پذیر کمونسیتی خود
بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، وسعاستها
و عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات مبارزه
میکردند. اما آیا محمود و همرزمانش مرده اند؟
نه، آنها در قلب کمونسیتها، در قلب توده های
زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران زنده اند.
با دستان را کرامی مبارز و راه سرخشان
را با قدرت تمام ادامه میدهم.

شبهه و رفیق راه پیمانی

اما هزاران زحمتکش سوگانی ضمن دادن شعار
"زنده باد آزادی" بهمیوستند. مرتب برانوسوه
جمعیت افروخته شد در مقامی شهر بردند. حزب
دمکرات تعبیرا فیه بود. حزب دمکرات قصد
داشت بدون سروصدای شهادت را در دست
اما فشار چینی اعتراضی توده ها، محکوم شدن این
حساب توسط نیروهای کمونسیت و انقلابی و
افشاگریهای وسیع رفقای سازمان، حزب
دمکرات را محصور ساخت تا ستر شهیدان بحون
خفتند از طریق دفتر ما موسسه ما بحویل دهد.
پس از بحویل گرفتیم جنازه ها را. سید در سازمان
مراسم سنا کمیسر کردستان سازمان که در آن
شمس محکوم کردن اقدامات سنا کارانه حزب
دمکرات، آزادی رفقای زندانی خواسته شده
بود تراش کردید. پس تمام سازمان زندگان
که حزب دمکرات و اقدامات جنازه کارانه اثر را
بدست محکوم کرده بود و اعلامیه ای ستر ز طرف
دفتر ما موسسه شرح عرالدین خوانده شد.
بعد از طبر جمعیت تمام حسابهای شهر و
اطراف مقرر محل نحت و مستنکهای موضوعی
تبدیل شده بود. سوده های زحمتکش سیرا سنا و
آجا جمع کرده و رفقای سازمان در میان آنها
به افشای حسابات حزب دست زده و سوده شده
میکسید که حزب طرفدار انقلاب است. تمسای
بیکر ما به صخره دمکرات تبدیل شده بود و
مردم در دست این عمل حسابکارانه محکوم
مستوردند. رفقای سازمان شمس و سمس
انساند و سناک در سطح ستر ستر. خای ستر را
سج سوده و خا سعاد ز طبر از سندنون سنا حد

اعصاب غذا زده و دلبران در برابر استهدیدات و فشارهای عوامل حزب

اعصاب غذا زده و دلبران در برابر استهدیدات و
فشارهای عوامل حزب مقاومت کرده اند و هیچ -
کدام حاضر نشده اند با جوئی بی به همد. رفقای
ما کمونسیت هستند و به آرمان طبقه کارگر سوکند
خورده اند هرگز تسلیم نمی شوند مگر به شهید
مهرمان تسلیم شدند که رفقای زندانی ما در
برای برقا تلان آنها را نوحه کنید؟ مگر
کمونسیتها ما شد حزب دمکرات تسلیم طلب و
سازگارند که به آرمان خود حساب کنند؟
بدنیال این افشاگریهای وسیع، حزب گبه
شدیداً در اهتزاز قرار گرفته بود برای آنکه
اوضاع را منع خود تغییر دهد حدیکی از افراد
مسلحش را روز دوشنبه تشیع میکند در این مراسم
حزب تنها توانسته بود حدود سه هزار نفر را از دهات
اطراف تسبیح کند. حرکت کنندگان در مراسم
شعارهای زیادی علیه خط ۳ و سازمان بیکار
میدادند. در واقع حزب این نظا هرات را علیه
کمونسیم برپا کرده بود تا "حمیت" از دست
رفقتاش را بدست آورد. بعد از مراسم حزب
حدود دو بیست نفر از افراد او اسنه بخود را شعار
- های "مرک بیکر ماله" و "کومه ماله" به خلق
سلاج کردد. سبج کرده که آنها را این عده قصد
داشتند به جلوی مقر رفقای کومه له بروند.
در حال حاضر در شهر حزب دمکرات تبدیل
مشروی میا شد و تا بعضی سستی بر حمله اصمالی
حزب دمکرات به مقر رفقای کومه له وجود دارد.
این نایعات بیکار رد بیکر هندا را ما وسر
کمونسیتها مینی براداد مد تعریف حساب شده حزب
دمکرات ب کمونسیتها بیکر کردستان را نمانت میکند.

مردم راه تشیع جنازه برای روز شنبه فراخواندند.
روز شنبه صبح ۵۹/۱۲/۹ مراسم باشکوه
تشیع جنازه به رفیق کمونسیت پیکار رگستر
سرگزار گردید. در این مراسم بی سابقه ده هزار
نیرو از زحمتکشان شرکت نمودند. توده های
ستمذبه برای ایران از آنجا رسمیت به اقدامات
جنازه کارانه حزب، جنازه شهید کمونسیت گبه
در میان بارجه سرخی قرار گرفته بود در برابر
بالای دست حمل می نمودند. جنازه های کمونسیت
- ها به پرچم سرخی تبدیل شده بود. پرچم سرخی
که به توده ها سوید میداد انقلاب تا استقرار
کمونسیم ادامه می داد. هدا داشت چه پرشکوه بود بیکر
خون خفته رفقای که بیما نند پرچم سرخی در
دستهای توده ها در اهتزاز بود! چه پرشکوه بود
بیکر خون خفته کمونسیتها که از سرک
بهراسند و در راه آزادی و انقلاب سوسیالیسم جان باختند!
بدین ترتیب بود که جنازه شهید کمونسیت
به خاک سپرده شد. بیکر آنان به خاک سپرده شد.
اما آرمان و الاثان، کمونسیم، با زهم سرختر و
درخشان تر گردید. پس از توفیق رفقای شهید،
مردم زحمتکش سوگان برای تسلیم به پشیمرگان
انقلابی سازمان و خاسواد به پشیمرگه شهیدکاک
ظاهر کرده گروه به متحد آمده، اظهار همدلی نموده و
بفرخود از عمل خاشاکه حزب دمکرات اعلام میگردند.
روز یکشنبه در یکی از مسجدهای سرک شهر
مرا به یاد برای رفقای شهید سرگزار شد. در
تمام این مراسم حزب دمکرات و وسع افشا گردید
و توده های حرکت کننده آزادی رفقای زندانی
زا حواسنا ز گردیدند. رفقای زندانی از لحظه ای
که در زندان حزب دمکرات رفته اند دست به



نیروهای کمونیستی و انقلابی کردستان جنایات حزب دمکرات را محکوم می کنند!

حمله درمنشانه حزب دمکرات به مقر سازمان مادر بوکان، و بیجا بودن بدرفتاری کمونیست-بیکار - بر بدست مزدوران مسلح این حزب انقلابی، سربازی ساکنان خلق هیرمان کرد و سازمانهای کمونیستی و انقلابی و نیروهای مترقی موجود در کردستان را؛ بر آکنده است و این سازمانها و نیروهای طی اعلامیه‌های اقدامات ضد خلقی حزب دمکرات را شدید محکوم کرده‌اند. آنچه که ملاحظه میکنید تماما با قسمتهای از اعلامیه‌های مذکور است:



جنایت وحشیانه عمال حزب دمکرات بر علیه سازمان پیکار در بوکان

شرمی، سربکی از رفقای زحمتی سازمان بیکار را بریدند. بیجا بودن مردم اکثر آنها مست بودند و بوی الکل از دهانشان به نام می‌رسید. اما اعمال آنها از مستی‌شان سرخسند نمی‌گرفت، بلکه بر عکس مستی آنها از قندان به حنات ناشی میشد به آنها الکل خوراندند و بدست‌ها کوچکسری عوطف انسانی را در آنها سمزاندند بدون بیم و عذاب وجدان به کشتار و غارت و سربردگی و بی‌دردی حزب دمکرات برای انجام این سوطه بلند، افراد سنجیدند و آنها را با دوستی بوکان آورده و وارد عمل کرده بود. آنها با عور و افتخارشان، تاری را زردست بلند کرده و جورا میکشیدند و سیراننداری میکردند. آنها حتی از تحویل احسانیدانها خود را در دست خود داری نمودند و بجای انتقال زخمینا به بیمارستان آنها را به مقر حزب دمکرات بردند.

مردم مبارز بوکان! خلق رزمند ه کرد!

سوطه‌های حزب دمکرات علیه نیروهای انقلابی ساکنی دارد و خود را سازمانها را خد آن بوده‌اند. کسانی که کوچکسری احسان مسئولین در برابر خلق کرده و حسن مناصب آن احسان نمیکند. در سراسر خلقی که رژیم با تمام فواید و کسب و کارها از هر طرف میکشند و هر روز فرندان انقلابی این خلق را به خاک می‌آکنند در روز و شب اقدام به سریدن سرستمرکده انقلابی می‌کنند.

دروغکاشی بقری پیکار سازمان بیکار را بی‌حسابی از بی‌حی کوبیدند که در تمام مدب مجازد و بیجا را از شدد بشیر سنج در بیجا از امثال غیرتد امرا مردم در به وجود داشتند. اینک انکاشات و ملاحضات سنگین از در آوردن یک

مردم مبارز بوکان! خلق رزمند ه کرد! هممیهنان مبارز!

دروغ مردم شهر ما صحنه‌های فجیعی را به چشم دیدند که برایشان خاطره‌های کشتارهای رژیم شاه را یاد می‌آورد. تعداد زیادی از افراد مسلح حزب دمکرات بدندان یک برنا مه از قبیل طرح - ریزی شده در روز بعد از ظهر بناگهان اطراف مقر سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در بوکان را محاصره کردند، روی ما ماسخناهای مرتفع اطراف موضع گرفتند، کوچها و معا سیر منتهی به مقر سازمان بیکار را سوسپله افشاد سلاح خود سنگر بندی نموده و سلاحهای سنگ و سنگین شروع به تیراندازی به طرف آنها نمودند این اجزاد حتی بروی مردم مسکله از قبیل خبر دار کشته و در آنجا جمع شده و به استعمال حزب دمکرات اعتراض میکردند و سلاحه کشیدند و بدینوسله از اعتراض آنان جلوگیری می نمودند. افراد مسلح حزب دمکرات که از قبیل ممام به نسل و غارت بودند، بدون کوچکترین تردیدی بسا نارنجک ادا زواری، بی‌حی، به کوبیدن مفسر سازمان بیکار رسوا کردند. پیشمرگان سازمان بیکار سمدت به ربع ساعت قهرمانانه مقاومت کردند و پس از دادن حدین نفر شهید و زخمی ششبا دتن سن و مذاکره دادند. اما حزبار کبار حواسی نشندند. افراد مسلح سن بداخل مفسر رنجند و وسائل و ملاحضات آنرا غارت بردند. کنا سببا و سربات موجود در آن زده و بدخنا سارن سربا کردند. این افراد همچون حنا سبکاران سلاسه بند و در حالیکه مردم ه هسودند عمارت حسدبای سبدا سازمان بیکار رسوا گشته و حتی در مناسبت حمان مردم شهر، بدون کوچکسری

زنده باد دلاوری پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار ...

رفقا محمود ابلاغیان (کاک کمال)،
باقی خیاطی، ظاهر ابراهیمیان

بیا سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر به مناسبت شهادت ستن از رفقای پیکار به دست حزب دمکرات

هم میهنان مبارز!
مردم مبارز بوکان!

بنحشنه ۵۹/۱۲/۷ پورش و حنا به حزب دمکرات به مقر سازمان بیکار رکه در حقیقت کام دیگری در جهت خلق سلاح زحمتکشان و سازمان های انقلابی طبقه کارگر بود. ما مفا و مست قهرمانان ما این رفقا مواجه شد. این درواست ادا ما اقدام به خلق سلاح کومله، بیکار، شورای حمان میان و پورش به مقر رزمندگان و ... سببا شد بدون شک این آخرین نعره حزب دمکرات به نیروهای انقلابی نخواهد بود.

ما با رگران اندوه اردست رفتن سرتیبتی بشمرگ را در این نبرد به همراه در سببای گرانسهای جانمازی و مقاومت آنان در مناسبت پورش و حشیانه حزب دمکرات را در لوج خاطر خود محفوظ خواهد کرد. آنان قهرمانان شد در سنگر جنبش مقاومت خلق کرد برای آزادی طبقه کارگر مبارزه نمودند. و در این راه جان باختند. شهید محمود ابلاغیان (کاک کمال) از مبارزین قدیمی و خستگی ناپذیر دوران سببای دیکتا توری شاه همچون کوهی استوار در این راه ایستادند و در این راه ایستادند.

شهیدها را بر سر هیمنان از مبارزینی بود که طعم تلخ سدا دگایهای رژیم شاه و حسیبوری اسلامی را کشیده بود و پس از آزادی همچنان بر شوره مبارزات خود ادامه داد.

و بالاخره کاک باقی خیاطی از پیشمرگان دلیر سازمان بیکار بود که با سرافرازی در این راه جان خود را هه راه آزادی زحمتکشان نمود این شهیدای خلق کرد که در واقع شهیدای طبقه کارگر ایران نیز هستند همچون سببای شهروزان بر تارک آسمان پر شاره زحمتکشان ایران می‌درخشند. آنها با خدی خون خود بار دیگر هیمنان و پیشاق های گذشته خود را در مقابل زحمتکشان کرد و طبقه کارگر ایران تجریر کردند.

سند در تفه ۲۵



ضربه به با شگاه افسران که محل تجمع با سداران بود خود را زد کردند.

دیروز کسانی پیشمرگان انقلابی را با این قواستبه قتل رساندند که در تمام طول آتش بس ستونهای ارتش ضد خلقی را سکورت کرده و بداخل کردستان هدایت میکردند که هنوز هم خلق کرد نتایج طخ آنرا لمس میکند.

اگر حزب دمکرات سال گذشته در بهترین موقعیتی که جنبش مقاومت داشت بطوریکجا نبه و بیمان شکننا آتش بس اعلام میکرد و ستونهای ارتشی را علیه غم اعتراض خلق کرد و سازمانهای انقلابی بداخل شهرها سکورت مینمود و دور از چشم خلق کرد به مذاکره پنهانی با هیات حاکمه روی آورده امسال "ترقی کرده و به دستگیری شورا های مردمی دست میزند، هواداران سازمانهای انقلابی را دستگیر و شکنجه مینماید، در خیابان بروی مردم مسلحه میکشود و به کتک کاری افراد از زحمتکشان و کسبه دست میزند، در روز روشن برای پیشمرگان کومله در وسط شهر کمین می - گذارد و به قتلگشت به آنها تیراندازی میکند و سرانجام حمله به مقر سازمان پیکار را سازمان میدهد.

حزب دمکرات همه این اعمال را با خطر آن انجام میدهد تا به خیال خود هر صدای آزادیخواهی را در گلو خفه کند. بهانه همیشگی حزب دمکرات این است که گروههای مختلف در باره حزب دمکرات "چیز مینویسند" و با "صحبت میکنند". در حالیکه آزادی بیان و آزادی قلم یکی از آن دستاوردهای گرانمای جنبش انقلابی خلقهای ایران و قیام مینماید ماه است که به قیمت خون هزاران شهید دست آمده و فقط در کردستان و آنهم به قیمت مبارزات سر سختانه و قربانیهای فراوان حفظ شده است و هیچکس حق ندارد و نمی - تواند این آزادیها را از مردم سلب نماید. آری حزب جمهوری اسلامی با چماق دستبرخلافش را تعطیل میکند اما حزب دمکرات با تانک انداز و آر. بی. جی.

مردم مبارز پیکار!
خلق رزمندگانه کرد!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمانی است انقلابی که در حد توان خود در جنبش مقاومت شرکت داشته و در این راه قربانی های ارزنده ای تقدیم خلق کرد کرده است. این سازمان نه فقط صدای حق طلبانه خلق کرد را به گوش مردم ایران میرساند و پورده از جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر میدارد، بلکه در ستارای ایران شهدای زیادی را ستارای آزادی زحمتکشان نموده است. ما ضمن محکوم نمودن و ابراز تنفر از اینگونه اعمال، هشدار میدهم که جنبش مقاومت خلقی قهرمان کرد را زحمت دست این با آن نیست. ما با رد پیکار اعلام میکنیم که این اعمال فقط در جهت تضعیف و لطمه زدن به جنبش مقاومت و بطور کلی

جنبش انقلابی توده های مردم ایران است و فقط به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده و دست وی را در سرکوب هر چه بیشتر خلق کرد با زتر میکند.

ما جدا از حزب دمکرات - تشکیلات بوکسان میخوانیم که پیشمرگان و هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را آزاد کرده و سلاحها و اموال غارت شده را به ما حسان آنها پس دهد.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران
(کومله) - بوکسان

۱۳۵۹/۱۲/۸

"جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" و "شورای سراسری دانش آموزان کردستان" طی اعلامیه ای با عنوان "حمله وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی خدمت به ارتجاع حاکم است" گفته اند:

اکنون که مبارزات کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان و معلمان سراسر کشور در حال گسترش است، در چنین شرایطی حزب دمکرات یکی از نیروهای پیگیر و قاطع را آماج تهاجم خود قرار میدهد که در دیگر شهرهای ایران نیز با طردفاع از حقوق زحمتکشان مورد هجوم وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی است، و در این حمله (۳) تن از رزمندگان فرزندان خلق را به شهادت میرساند و عده ای از مردم معترض به این حرکت را نیز مجروح مینماید.

تهاجم وحشیانه افراد مسلح حزب دمکرات به نیروهای انقلابی تا زگی ندارد و بورش بسی - شمرمانه اغریبه مقر سازمان پیکار را سلاحهای سنگین (آر. بی. جی، نارنجک انداز، تیربار) و بشهادت رسانیدن (۳) پیکارگر "کمال - طاهر - باقی" اوج این جنایات است.

جمعیت مستقل معلمان مبارز... و شورای سراسری دانش آموزان عملگردهای ضد انقلابی حزب دمکرات را قویا محکوم مینماید.

دفتربوکسان سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز با انتشار اعلامیه ای تحت عنوان "حمله به مقر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، اقدامی ضددمکراتیک"، اقدام افراد مسلح حزب دمکرات را شدیداً محکوم کرده و خواستهای زیر را اعلام داشته است:

۱- پیشمرگان افراد سازمان پیکار که در زندان حزب بسر میبرند آزاد شده و وسایل این سازمان مسترد گردد.
۲- در صورتیکه اقدام پیشمرگان حزب واقعا بدون دستور مسئولین حزب بوده مسمن این اقدام ضددمکراتیک محاکمه و مجازات شوند.

"راه کارگر" (کردستان) نیز طی اعلامیه ای با عنوان "طیبه ای دیکر از دمکراسی حزب دمکرات" منتشر شده و در آخر چنین مینویسد:

تعرض اخیر حزب دمکرات به مقر سازمان پیکار که منجر به شهادت سه تن از پیشمرگان این سازمان و زخمی شدن چند تن دیگر گشت، جلوه ای دیگر از سیاست ضددمکراتیک حزب دمکرات میباشد. ما این تعرض ناخواسته را محکوم کرده و شهادت سه پیشمرگه قهرمان رفقا "کمال"، "طاهر" و "باقی" را محکوم کرده و غلظتای ایران، جنبش مقاومت خلق کرد و سازمان پیکار را تسلیت میکنیم.

بقیه از صحنه به آرزمان...

واهل مها با دبود. عشق اوبه طبقه کارگر - کمونیسما و در سنگر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر جای داده بود. کاک باقی پس از آشنائی و قبول مواضع سازمان بعنوان رفیق هوادار دلسوز و فعال سازمان، به فعالیت انقلابی خود پرداخت. در پائین سال ۵۸ بهنگام میسورش اول رژیم به کردستان اوبا شور و علاقه تمام دوش بدوش پیکارگران کمونیسما در سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار ره مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و افشای رژیم و ثبات حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد را ادامه داد. در تابستان ۵۹ به کردستان بازگشت تا در مها با ددر دل خلق قهرمان کرده مها رزه بر علیه دشمنان خلق کرد ادا میدهد و در پائین سال مسلحه بسر دوش گرفت و جان برکف در صف پیشمرگان قهرمان سازمان در مرحله نویینی از مبارزات انقلابی خود را آغاز نمود. اوبرای انجام وظایف انقلابی - اش، و جانفشانی در راه آزادی انقلابی خلق کرد، به همراه دسته ای از پیشمرگان سازمان به سفر رفت و بعد از زهدتی مبارزه بی امان با ارتجاع حاکم به بوکسان بازگشت و جزو پیشمرگان قهرمان مقر سازمان در بوکسان درآمد.

روز ۷ اسفند ۵۹ برای اوبسا زمانش، روز تجدید میثاق خونین و انقلابی با خلق قهرمان کرد بود. کاک باقی به اتفاق دورقیق همزمش با گلوله های جنایتکاران حزب دمکرات در خون خویش غلطیدند. او همزمانش با مقاومت کوه دلانه خود، حماسه ای دیگر بر تاریخ جنبش مقاومت خلق کرد افزودند. کاک باقی و همزم - انش شهادت رسیدند چون کمونیسما بودند و سا سرکوبگران خلق کرد، با جانان جمهوری اسلامی و با حزب ضد انقلابی دمکرات که آزادی و لای خلق کرد را بل رسیدن به اهداف ضد انقلابی خود قرار داده درست زبوندند.

بسیاید هراران با رمیناق انقلابی و خونین خود را با خون کاک باقی و شهدای طبقه کارگر و خلقهای ایران تجدید کنیم و سوگند یاد کنیم که تا آخرین قطره خون خود جز به آزادی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده ایران و از حمله خلق قهرمان کرد نیندیشیم. اسلحه افتاده از دوش کاک باقی ها را بردوش بگیریم و با تمام قوا راهشان را ادامه دهیم.

با دکاک باقی خیاطی را گرامی بداریم و به آرزمان را شایخ او وفا داریم!

رزمندگان: تصفیه اپورتونیسیم به شیوه سانتریستی! (۱)

در قسمت قبل در توضیح انحرافات پهبین
رزمندگان که در تکامل خود منجر به مشی
گنونی منشعبین رزمندگان شد، به
انحرافات رفقا در برخورد به تئوری ساخت
جامعه، مقوله رویزیونسم و سوسیال
امپریالیسم، در برخورد به قدرت سیاسی،
چشم انداز و تاکتیک رزمندگان در قبال
آن اشاره نمودیم - اینک دنباله مقاله:
۵ - سازش ایدئولوژیک:

هر کمونیستی که نخواهد در محدوده اختلافات
حدت یافته درونی رزمندگان در آستانه جنگ
باقی بماند و نخواهد بنا نهاد، چگونگی آغاز
جنگ و تحولات بعدی ناگهان دوسیمت فکری
گاملا متغیبات در رزمندگان اراشه میگردد و
چگونه ایندو نگرش در گذشته با یکدیگر بر سر می
برند، نمی توانند با به تئویکی که این سازش
را توجیه می نمود، یعنی میانی فکری رزمندگان
در برخورد به تشکیلات را در نظر بگیرد، تئوری
اپورتونستی، قطب های ایدئولوژیک -
تشکیلاتی ملاک های سیاسی، ایدئولوژیک
اشتلاقی عضویت در درون رزمندگان و ملاک های
وحدت رزمندگان (در حداقل و حداکثر تعیین
نمودن مواضع، در برخورد به تئوری، مرحله انقلاب)
خود بنیان گذار سازش نامقدسی بوده که نتیجه ای
جز انشعاب بهره ای نمی توانست داشته باشد.
زمانیکه وحدت ها نه بر اساس خط مشی و برنا مه
پرولتری، بلکه بر اساس نزدیکیهای که در بر تو
آن می توان قطبهای تشکیلاتی بوجود آورد،
صورت میگردد، زمانیکه مراعات برخورد اشتلاقی
به مسئله وحدت صورت گرفته و حداقل و حداکثر
مواضع معیار قرار میگردد و بر تو آن جریانی
که سوسیال امپریالیسم را قبول ندارد، و
جریانی که آنرا قبول دارد هر دو بتوانند وحدت
نظا بنند! و معیار عضوگیری درونی تشکیلات نیز
بر این اساس تعیین گردد، به واضح است که سنگ
بنای اشتلاف از ابتدا چیده شده است، سنگ بنای
اشتلاقی که نه تنها در برخورد به رویزیونسم و
سوسیال امپریالیسم، بلکه در درک از مرحله
انقلاب، ساخت جامعه، قدرت سیاسی و... نیز
وجود داشته است. بر این اساس است که
جریان بغایت آکادمیک و اپورتونست کمیته
شرد، وحدت صورت میگردد، جریانی که خود از
مدافعین سر سخت تئوریهای اپورتونستی
نظیر "سوسیال امپریالیسم نسبی"، "انقلاب
دیگراتیک با مضمون سوسیالیستی"، "مخلوق
فدا امپریالیست" و... بوده است، جریانی که به
مسئله سوسیال امپریالیسم بدانگونه برخورد
می نمود که گویا "عمده نمودن" این مسئله در امر
وحدت انحرافی است و اختلاف بر سر این مسئله
اختلاف بر سر تجربه ساختن سوسیالیسم است
که با بد تحقیق شود، جریانی که فداشیا را به
علت بافتاری بر "سوسیالیستی بودن تئوری"

کوشید خود را در چرخه رجوی مشی انقلابی اکثریت
بپیوندد. رفقا "عدم صراحت و ابهام مبردازی"
عنصر اقلیت را از جمله مسائلی می دانند که به
انکاز آن فرد مذکور توانست خود را در چرخه رجوی
مشی انقلابی اکثریت بپیوندد. آنها سپس به
درک اکثریت که شامل کلی گوشیها ست و جای هزار
تعبیر و تفسیر را در برداخته و آنرا بمناسبت
مشی انقلابی حاکم بر رزمندگان معرفی میکنند
که از رزمندگان ۳۴ شکسته شده و اپورتونستها
از مشی انقلابی خارج شدند. رفقا در توضیح
انحرافات حاکم بر رزمندگان، همگی را منتسب
به فرد مذکور نموده که با انتشار رفلان جزوه (خرده
- بورژوازی و انقلاب) و با فلان مقاله، مواضع
انحرافی را مطرح می نمود. وحتى موضوع
رزمندگان در قبول سوسیال امپریالیسم را به
زیر سؤال برده و پذیرش "سوسیال امپریالیسم
نسبی" را جانشین آن نموده است. سپس رفقا از
انحرافات بعدی حاکم بر رزمندگان که به
"اعضای اپورتونست بعدی" هیات تحریریه
مربوط میگشت، سخن میگویند و از عمیق
انحرافات آنان در همان مقاطع گذشته که حتی
بعضا تئوری را "سوسیالیست" نیز از زبانی می
نمودند، سخن به میان می آورند و مدعی می
گردند که "از ابتدای نشریه ما زمان تا شماره ۳۳
اساسا مشی انقلابی بر نشریه حاکم بوده و
تعالیات گراشات و تلاشهای اپورتونستها تنها
بعورت آثار، رنگها و جنبه های از برخورد های
تئوریک سیاسی ظاهر میشدند که نتوانسته بود آن
شرایط غالب گردد." (رزمندگان - ضمیمه ۵۰)
اما رفقا منکر نمی گردند که برخی التقاط ها
(کدامیک؟) در برنا ما زمان وجود داشته است
که به اپورتونستها امکان داده است تا آنرا
تفسیر دهند! بالا خوب با رویزیونگ و با روشن نمودن
اینکه چه افرادی، چه موضعی اتخاذ نمودند، روشن
میشود که بجز عناصر اپورتونست مرکزی، اکثریت
رهبری مواضع سانتریستی، برخی متعادل به
چپ و برخی متعادل به راست داشته اند و لسی
بهر حال تحت تاثیر مبارزات درونی و بیرونی
رهبری اصلاح گردید و مواضع خویش را تغییر داد
و مشی انقلابی گذشته ما زمان را احیا نمود
رفقا میگویند اپورتونستها بیهوده میکوشند
تا خود را وارث مشی گذشته بدانند و بگویند
رفقای انقلابی رزمندگان را بفریبند!
آنچه گفتیم فرشته تحلیل رفقای رزمندگان از
پروسه شکل گیری اپورتونسیم در درون رزمندگان
و سرانجام آن بود. اما آیا این متدبر بر سر
مارکسیستی است؟ آیا رفقا توانسته اند با
ارائه تحلیل همه جانبه ای از ظهور و عقب رانده
شدن اپورتونسیم در رزمندگان، خود را زشر
بلایای اپورتونسیم خلاص سازند؟ بگمان ما
نه! زیرا:

و نیروهای موسوم به خط ۳ را به سبب بافتاری
بر امپریالیستی بودن تئوری متهم میکرد که
مانع از وحدت شده اند! آری چنین جریسان
اپورتونستی در وحدت رزمندگان جای میگردد.
در واقع یکی از محورهای اساسی انحرافات
رزمندگان در سازش با اپورتونسیم و توجیه
و تشریح نمودن آنست و این انحراف میباید
تفکرات اشتلاقی رزمندگان در برخورد به امر وحدت
معیارهای تشکیلات، عضوگیری و... بود. بر
متن چنین اشتلاف نامقدسی است که اختلافات
درونی رزمندگان همزیستی نموده و با لاسره
اپورتونسیم زمینه حضور، رشد و گسترش میابد.
در واقع مجموعه انحرافات فوق، رزمندگان
را به تدریج به سمت اپورتونسیم سوق داد و در
عین حال گراشات گوناگون و متفاوت درونی
را به سازش با هم کشانید. سازی که در مقطع جنگ
بدلیل متفاوت، از جمله تشدید و تکامل مواضع
اپورتونستی جریان حاکم، مبارزه ایدئولوژیک
فصالح نیروهای جنبش کمونیستی،
شدت سیاسی مبارزه درونی رزمندگان و مقاومت
جناح انقلابی رزمندگان در هم شکست و سرانجام
به اخراج و تصفیه اپورتونستها منجر گشت.
تنها در پرتو درک از عمق انحرافات گذشته
نامبرده در بالا است که میتوان تحسولات
رزمندگان را توضیح داد و از آن در سهای مهمی
آموخت، هرگونه تقلیل انحرافات گذشته و نا
دیده گرفتن نقش اساسی آن در انحرافات
رزمندگان در زمان جنگ و برخورد مکانیکی و
ساده گرایانه که گویا این جریان اپورتونست
ناگهان از شماره ۳۴ رزمندگان بر آن حاکم شده
و مواضع گذشته را نفی نموده است، برخوردی
معاشات جویانه و سانتریستی نسبت به انحرافات
گذشته و سرپوش گذاشتن بر آنست. حال که درک
خود را از انحرافات که به سوسیال شوینسیم
رزمندگان در مقطع جنگ انجام مید، توضیح دادیم
به بررسی نظر رزمندگان در اینباره میپردازیم
رفقای رزمندگان در توضیح چگونگی شکل
گیری اپورتونسیم راست، علیرغم آنکه خود
اظهار می دارند عنصر اقلیت دارای مواضع
انحرافی مشخصی بود که در جزوه و جمعیت سیاسی
آپهنده در مقاله اشغال سفارت منعکس بود، باز
میپندارند که عنصر اقلیت "سازش موقت"

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

متدبرخورد رفقا به اپورتونیسیم و ظهور و عقب رانده شدن آن، برخوردی ما رگسیتی نبوده و توضیح نمی دهد که بر بستر کدامین زمینه های عینی و ذهنی، انحرافات گذشته شکل میگیرد و شد میکند و سرانجام در رزمندگان ۳۴ به سوسیال شوینیسیم تبدیل میشود. رفقای رزمندگان بجای بررسی مٹی و برنا مه حاکم بر رزمندگان که امکان شکل گیری و ظهور سوسیال شوینیسیم در رزمندگان ۳۴ را پدید آورده بوده میکوشند تا با نسبت دادن انحرافات به افراد اپورتونیسیت آنان را توطئه گرانی بخوانند که با دوپهلوشی و ابهام سوسیس سازش موقتی، خود را همراه ساخته اند. گویا آنان در صدیک کودتا در آینده نا معلومی بودند که از پیش با سازش موقتی خود داری از ابراز صریح مواضع "رد" کم کرده اند. رفقا چنین متدی به متد ما تریالیسم دیا لکتیک متکی نیست بلکه متدی است، مکانیکی و در نهایت ایده آلیستی است. در تحلیل رفقای رزمندگان اپورتونیسیتها موجودات ثابتی فرض شده اند که از اول همان بوده اند که اکنون هستند. لیکن چهره خود را بر ملا نمی ساختند و میکوشیدند تنه های مادی و انقلابی رزمندگان را فریب دهند و البته نگاه و بیگانه مواضع خود را نیز بصورت "دزدکی" در نشریه منعکس میگردند که سپس مورد مخالفتیهای درونی قرار میگرفت. لیکن از آن در سطح جنبش انتقاد نمی گشت (مانند خورده پورژوازی و انقلاب، سوسیال امپریالیسم نسبی و...) نه رفقا! این تحلیل نه بیانگر تمام حقایق است و علاوه بر آن نه این شیوه، شیوه ما رگسیتی برخورد به پدیده ها.

رفقا! توضیح بیاکنده رویدادها هنوز نمی توانم را به ریشه آنها برسانم به نظر ما، نه اپورتونیسیتها توطئه گرانی بودند که مواضع امروزی خود را پنهان ساخته بودند، نه جریان غالب بر رزمندگان دارای مٹی و پیش جزم آنچه اپورتونیسیتها آنرا نمایندگی میکردند، بودند آنکه شما امروزه مٹی "انقلابی" گذشته رزمندگان را احیا نموده اید.

آنچه روشن بود انحرافات که در صفحات قبل نیز توضیح دادیم، بعنوان یک جریان فکری غالب بر رزمندگان (و نه صرفا توسط افراد توله گر) عمل می نموده است و حیاتیات سیاسی رزمندگان را روز بروز بیشتر به ورطه اپورتونیسیم می کشانده است. درست است که جریان مخالفی با جریان حاکم نیز وجود داشت، لیکن هرگز مواضع آن بر رزمندگان غالب نبوده و در آن انعکاس نمی یافت. باینکه مواضع "انفراد توطئه گر اپورتونیسیت" بود که بعنوان مواضع غالب بر رزمندگان منتشر میگشت. و در این راه نه تنها بخشهای از تنه های رزمندگان با آن همراهی می نمودند، بلکه اکثریت غالب رهبری رزمندگان نیز خود همراه و در اندامی با مواضع "افراد اپورتونیسیت" قرار داشته (و بلا لا قیل دنیا له روان آنان بوده اند) و هم از بیروست که

این مواضع امکان انتشار می باید. مگر ممکن است تنها فرد اپورتونیسیت مذکور در مرکزیت رزمندگان دارای انحرافات فوق بوده باشد لیکن مواضع این فرداقلیت، بعنوان مواضع رهبری رزمندگان و در حقیقت مواضع اکثریت منعکس گردد. مگر جز این می توانست باشد که در کلیه انحرافات که در شماره قبل به آن پرداختیم دست کم اکثریت رهبری رزمندگان با اپورتونیسیت مذکور هم تنوا و شریک بوده اند و با دست کم نسبت به آن موضعی مماشات حویانه داشتند. از طرف دیگر اپورتونیسیم که امروزه منشعبین وارث آن هستند، چیزی جز "تکامل" مٹی و برنا مه اپورتونیسیتی پیش رزمندگان نیست. انحراف اپورتونیسیتی در جریان روند خود اگر تصحیح نشود، تعمیق میگردد و راه ارتداد را در پیش میگیرد. این جبرتا ریخ است. انحرافات اپورتونیسیتی رزمندگان در گذشته نیز در روند انحطاط خویش، نمی توانست به چیزی جز آنچه امروز منشعبین وارث آن هستند بیا نجامد. بدین ترتیب اولاً جریان فکری اپورتونیسیتی غالب بر رزمندگان در گذشته، بخشی از رهبری و تنه های رزمندگان را نیز شامل می گشت و بسیاری را نیز بدنبال خود میکشید و بعنوان مٹی غالب در رزمندگان منعکس میگشت. تا نیا افراد اپورتونیسیت منشعبین امروز آنچه چیزی نیستند که دیروز بوده اند و نیا پدیده با چنین پدیده ای بصورت اپورتونیسیتهای خلق الساعه و توطئه گری که سازش نموده بودند، برخورد نمود. داروستانه اتحادیه، اکثریت و... نیز امروزه دقیقاً آن چیزی نیستند که در گذشته بودند. آنان در تکامل جبری و ناگزیر روند تعمیق انحرافات خویش، ناگزیر به ارتداد در غلطییدند. اگر بخوانیم عا میانه و نه ما رگسیتی به بررسی تکامل پدیده ها بنشینیم، آنگاه باید بگوئیم مٹی و پیشین حاکم بر اتحادیه، اکثریت و... به مثابه تکامل انحرافات گذشته حاکم بر آنان نبوده و ریشه در مٹی و برنا مه گذشته آنان نداشته است، بلکه آنان به مٹی انقلابی گذشته خویش پرداخته اند و در حقیقت به روایت سات اندیشان هوادار شرف دهقانی کودتاگران و توطئه گرانی وجود داشته اند که ابتدا خود را پنهان نموده و با استفاده از ضعف و ابهام و... دست به "کودتایه" سازمانشان را از مواضع پیشین گسیخته اند. از بیروست که به نظر ما ذکر اینکه مٹی گذشته رزمندگان انقلابی بوده و مٹی کنونی رزمندگان نیز انقلابی است پس اینها احیا کننده مٹی انقلابی و اپورتونیسیتها شکتندگان مٹی انقلابی پیشین بوده اند، اساساً انحرافی است. این توصیف شاید بسیاری عوام قابل قبول باشد، لیکن برای ما رگسیتی که میدان آن مٹی "انقلابی" پیشین به چنان انحرافی آلوده بود که اپورتونیسیم منشعبین نتیجه تکامل آن به شمار میرود، و این مٹی - انقلابی کنونی مٹی "انقلابی" گذشته شما رگسیتی قابل قبول نخواهد بود. زمانیکه

یک ما رگسیت می بیند در چارچوب "مٹی - انقلابی" گذشته رزمندگان، انحرافات اپورتونیسیتی و ریزونیستی در برخورد به شوری، قدرت سیاسی و در تنه های فذخلق - ضد امپریالیست، روند کودتا، اتحاد عمل علیه ضد انقلاب مغلوب و دهها نظریه اپورتونیسیتی دیگر وجود دارد، بی شک نمیتواند اپورتونیسیتهای منشعب امروزی را ادا مدهنده و اقم... مٹی انحرافات پیشین نداند در واقع اپورتونیسیتها اتفاق و دوگانگی "مٹی - انقلابی" گذشته را در هم شکسته و به فرمیسم و اپورتونیسیم بگردان بدل نموده اند. برای یک ما رگسیت مٹی کنونی رزمندگان در مٹی دیدگاههای غالب گذشته رزمندگان شکل گرفته است، بنابراین نه تنها مٹی کنونی، احیای مواضع انقلابی پیشین به حساب نمی آید، بلکه مشخصاً تجدید نظر در آنها بشمار میرود. تجدید نظر در برخورد به ریزونیسم و سوسیال امپریالیسم تجدید نظر در شوری فذخلق - ضد امپریالیست، تجدید نظر در وند جامعه و چشم انداز روند کودتا، تجدید نظر در تحلیل از قدرت سیاسی، تجدید نظر در تکلیک اتحاد عمل در قبال ضد انقلاب مغلوبه تجدید نظر در قبال جنگ و... آری مٹی کنونی رزمندگان اگر چه ظاهراً تادامده مدهنده مٹی گذشته بنظر برسد اما در حقیقت در نقطه مقابل مٹی و پیشین گذشته خود قرار دارد.

اما علت اصرا رزمندگان برای اینکه سیر وقایع را طوری جلوه دهد که کمتر دامن مٹی گذشته بر رزمندگان را بگیرد و مٹی کنونی را احیا کننده مواضع گذشته نشان بدهد در چیست؟ صرف نظر از جنبه های انگیزه ای و مصلحت گرایانه ای که میتواند در اتحاد چنین روشی موثر باشد، بنظر ما مسئله اساساً ناشی از گرایش مٹی کنونی است، گرایشی که بجای قطع کامل پیوند با اپورتونیسیم گذشته حاکم بر رزمندگان، میکوشد خود را احیا کنند. آن جلوه داده و در حقیقت بر عمق انحرافات پیشین برده تا شرافکنده و آنرا کم رنگ جلوه دهد. ما به رفقای رزمندگان گوشزد میکنیم که جنبش گرایش، ساتنریستی و آشتی طلبانه ای با مواضع گذشته، میتواند در دل خود اپورتونیسیم نوینی را رشد دهد که در صورت عدم برخورد با آن جا در پای اپورتونیسیتها منشعب بگذازد. به نظر ما همچنانکه در پیش گفتیم ضروری است که رفقا با تادام و ممبارزه ایدئولوژیک علیه کلیه انحرافات خویش و از جمله قطع کامل با مواضع پیشین، مواضع م - ل خویش را ارتقا داده و با تکیه بر خط مٹی پرولتری در امر تحقق وحدت جنبش کمونیستی موثر افتند.

اما هرگاه رفقا بخوانند اپورتونیسیم گذشته خویش طوری برخورد نمایند که خود را از آلودگی بدان میرا بدانند و نقش اساسی مواضع گذشته را در تبدیل بخشی از آنان به سوسیال شوینیسیت (که ریشه در عمق تزلزلات و انحرافات



توضیح:

رژیم جمهوری اسلامی که مدافع طبقه سرما به - داراست علیرغم تمام عوامفریبیهایش ناچار است که پیوسته ما هیت فدکا رگری خود را نشان دهد. سرکوب مدا مکارگران، نا بود کردن تشکیلات کارگری، مستقر کردن خفقان در کارخانه، حذف نه روزانه، حذف پاداش وعیدی سالانه کارگران و... همه و همه نشانه مدیت حکومت اسلامی با طبقه کارگراست. طبقه کارگرنیز که بیش از پیش به ما هیت ارتجاعی رژیمونهاها ی وابسته به آن بی میبرد بطور روزافزون میا رزه علیه سرما به داران و رژیم سفاک حاکم دست میزند. رژیم نیز برای دفاع از سرما به داران از سرکوب و کشتار کارگران هیچ ابائی ندارد. هجوم فدا نقلایی با سداران مرتجع به کارگران قهرمان کفش ملی خود نمونه کوچکی از ما هیت جنا پیکارانه رژیم میباشد. ما در زیر به درج اعلامیه ای که توسط پیکارگران کفش سازی انتشار یافته، اقدام میکنیم:

گلوله و زندان
«عیدی» رژیم به کارگران

مزدوران رژیم نیمه شب دیشب وحشیانه به اجتماع کارگران کفش ملی حمله کرده و با گاز اشک آوروز - ۳ چندین کارگرا زخمی کرده و ده ها نفر را دستگیر نمودند.

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

صدی اعتراض خود را علیه رفتار ددمنشانه این مزدوران بلند کنید و اجازه ندهید که بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی بجای خواسته های برحق کارگران (سود ویژه، عیدی، پاداش) گلوله و کاراشک آوروزندان نصب آنها کند.

طبقه حزب جمهوری، طبقه لبرالها، زنده باد پیکار توده ها
بسر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان پیگرد راه آزادی طبقه کارگر
(تشکیلات تهران)
۵۹/۱۲/۱۴

گلوله پاسدار: عیدی رژیم جمهوری اسلامی
به کارگران کفش سازی

با درود به کارگران شرافتمند کفش ملی که با اتحاد همتن خود در مقابل توطئه های سرما به - داران، پاسداران، و رژیم حاکم، قهرقا نانه مبارزه میکنند!

کارگران مبارز کفش ملی!

وقایع خونین چهارشنبه با زدیگر ما هیت فدکارگری هیت مدیره و پاسداران و دولت حامی آنها را به ما نشان داد. جریان از آنجا شروع شد که ما برای گرفتن سود ویژه (که چند ماه پیش به دستور بنی مدروحمایت حزبی هالفورده بود) نما پندگان مبارز خود را برای مذاکره با هیت - مدیره فرستاده بودیم. «گام خوش» مدیر عامل - چرم رغان با کمال وقاحت به نما پندگان ما میگوید که فقط حاضر به پرداخت یکماه حقوق بدون هیچگونه پاداش و مزایا هستند. کارگران که در این شب عیدی و پاداش گران و مخارج سنگین، چشم میدشان به این سود ویژه برای روبراه کردن و نشان بود، از این گفته هیت - مدیره به شتم آمده و کاموش را تک میزنند. سه دنبال این جریان ۲ نفر از نما پندگان مبارز و واقعی ما کارگران دستگیر شده و زمانیکه سایر نما پندگان از آنها حمایت و پشتیبانی میکنند ۷ نفر دیگر دستگیر و روانه زندان میشوند. رژیم از ترس اوج گرفتن مبارزات متشکل کارگران، نما پندگان ما را به جرم دفاع از منافع و خواسته های بحق ما کارگران به زندان می - اندازند. اما مبارزات کارگران کفش ملی در

بیرحمی دست کمی از کاردهای سرسپرده شاه خا شن نداشتند، میخواستند با ریختن خون کارگران، خشم و نفرت شان را به طبقه کارگرو خوش خدمتی شان را به سرما به داران نشان دهند شدت برتاب گاهای اشک آور در آن نیمه شب بعدی بود که بسیاری از کارگران حالت خفگی پیدا کرده و بیهوش شدند. در این هنگام کارگران که ما هیت هیت مدیره و پاسداران بیش از پیش برایشان روشن شده بود، کینه و نفرت خود را به آنها با دادن شعار:

مرگ بر پاسدار! پاسدار حامی سرمایه دار! نشان دادند: کارگران فراموش نکرده اند که دیروز ما واکهای مزدور کارگران جهان جیت را در کاروا نسراستی به خاک و خون کشیدند و امروز این سینه کارگران زحمتکش کفش ملی است که با هدف گلوله های آمریکا ثی پاسداران قرار بگیرد. این وقایع نشان میدهد که دولتهای حامی سرما به داران همیشه و همه جا ما زرات بحق کارگران را با بیرحمی تمام سرکوب میکنند. کارگران مبارز کفش ملی!

هفته های اخیر تمام خواب و خیالهای دولت - سرما به داری حاکم را نقش بر آب کرده است. از هفته گذشته اعتراضات کارگران در اکثر شرکت های کفش ملی آغاز شده و حتی منجر به اعتصابات پراکنده و جلوگیری از فروش محصولات هم شده بود اما زمانیکه این مبارزات پراکنده دیگر چاره کار نبود، کارگران با راهبیمائی ۶ هزار نفره خود در محوطه کارخانه و با دادن شعارهای:

متحد و یکصد علیه قانون کار! آزادی کارگر حق مسلم ما است! قانون بدست کارگرا ایجاد باید کرد! این هیت مدیره اخراج باید کرد! نمایش باشکوهی از قدرت بی پان طبقه کارگرا به سرما به داران مفتخور نشان دادند!

قدرتی که تنها در اتحاد و پیوستگی ما کارگران وجود دارد! کارگران با گروگان گرفتن ۵ نفر از هیت مدیره دست به تحن زدند. در جمع کارگران، فدا ثیان اکثریت که ظاهرا در لباس طرفدار طبقه کارگرو هستند ما در عمل از پشت به طبقه کارگرو خنجر میزنند، برای خاموش کردن مبارزات ما گوش کرده و با گفتن اینکه «دولت نما پندگان را آزاد میکند» کارگران را به تسلیم دعوت میکنند. اما کارگران با شعار مرگ بر سازکار، توطئه های کثیف آنها را خنثی کردند. نیمه شب چهارشنبه پاسداران سرما به ساء تفنگهای آمریکا ثی و گاهای اشک آور وحشیانه به تحن ما کارگران بورش برده و شروع به تیر - اندازی کردند. پاسداران که در وحشیگری و

آوارگان جنگ ارتجاعی رژیم را افشای کنند

اصفهان - ملک شهر: مسئولین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۴ بهمن فرم‌هایی را به میان آوارگان مستقر در آوارگانه‌های ملک شهر آورده و برای فریب آنان میگویند که این فرمها مربوط به کویین، بهداشت و خاموشی برق است و به همین بهانه از عده‌ای از آنان امضا میگیرند. اما از آنجا که آوارگان زحمتکش در طی این مدت تا حد زیادی به ماهیت رژیم پی برده و بارها مع عوامل رژیم را در دروغ و گویی باز کرده‌اند، به فرم‌ها شک کرده و در بعضی از آوارگانه‌ها با خواندن آن دست به افشای میزنند. بتدریج سایر آوارگان را با خبر میشوند که در این فرم، نه تنها تهمت بی‌غنی به زنان زحمتکش آورده شده است، بلکه قصد دارند آوارگان را تهدید کنند که چنانچه طبق مقررات تحمیلی ارتجاعی در اردوگاه، عمل نکنند آنان را به جبرفت تبعید نمایند. زحمتکشان آواره در روز ۲۶ بهمن به نشانه اعتراض در جلوی دفتر اجتماع کرده و با شعار "ما به جبرفت نمیرویم، حتی اگر بمیریم" خواهان برگرداندن فرمها شده و تشکیل شورای واقعی میشوند. مسئولین رژیم که وحشت کرده بودند قول میدهند فرمها را تحویل آوارگان بدهند. آوارگان با شعار "فردا ساعت ۹ همین جا متفرق! ما مسئولین رژیم فردای آنروز قبل از ساعت یاد شده فرمها را به بلوکها آورده و پس میدهند و برای سنگ اندازی در راه ابجا دشواری واقعی آوارگان اعلام میکنند که اگر کسی خواسته - ای دارد به شورای فرمایشی مراجعه کند. اما آوارگان با پی بردن به ماهیت ارتجاعی رژیم و آوارگانه‌ها پیش در راه تشکیل شوراهای واقعی و تحقق خواسته‌ها نشان به پیش میروند.

خودکشی، ارمان دیگر جنگ ارتجاعی

رژیم فذخلقی جمهوری اسلامی در ادامه جنگ ارتجاعی کنونی، هر روز تعداد بیشتری از فرزندان خلق را به گوشت دم‌توب خود تبدیل میکند. رژیم آنچنان سربازان و منقضی خدمت - های ۵۶ را تحت فشار قرار میدهد که برخی از آنها دچار بیماریهای روانی میگرددند. چنانکه در اوایل بهمن ماه "رشوفی" منقضی خدمت ۵۶ که قبلاً مهندس برق در شرکت آستون بوده، بر اثر فشارهای شدید روحی در جبهه جنگ اختلال روانی

اخبار جنگ

پیدا میکند. ابتدا او را به بیمارستان منتقل میکنند اما در آنجا هم با داران سرما به مرتسب او را تحت فشار قرار میدهند و او نمود میکند که وی برای گرفتن مرخصی "خود را به دیوانگی زده است". یکبار با داران او را بشدت کتک میزنند و سرانجام پس از ۶ روز بستری شدن در بیمارستان، دوباره به جبهه انتقال میابد و پس از چند روز وی که دیگر در خود توان مقابله با این فشارها را نمیدید، با یک گلوله به زندگی خود خاتمه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که فقط به منافع خود میاندیشد، نه تنها به معالجه بیماران توجهی ندارد، بلکه آنها را همچنان به جبهه‌های جنگ گسیل میدارد و تحت فشار قرار میدهد. آری، این رژیم است که برای حفظ منافع فذخلقی خود با این چنین فرزندان خلق را در جبهه‌های جنگ ارتجاعی قربانی میکند و حتی آنها را به خودکشی وامیدارد.

نگاهی به وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در تهران

۱- دهکده المپیک

این اردوگاه را حدود ۶۰ خانوار از آوارگان جنگی معادله کرده و در آن سکنی گزیده‌اند. رژیم هم طبق معمول کمیته‌ای در یکسی از ساختمانها ممتقر کرده که آوارگان را تحت کنترل دارد. آوارگان نمایندگانی از میان خود در شورای سرامری آوارگان شرکت نفست دارند که رژیم اخیراً سه تن از آنان را دستگیر کرده است. کمک‌های مردمی بوسله پاسداران دزدیده شده و فقط مقدار کمی از آن بین آوارگان تقسیم میشود. پاسداران سرما به، از وحشت تماس نیروهای انقلابی با آوارگان، رفت و آمد اردوگاه را شدیداً تحت کنترل دارند. مسئولین رژیم با عوام قریبی وانمود میکنند که وضع آوارگان ساکن المپیک بهتر از سایر آوارگان است. یکی از جنگ زده‌ها میگفت: "آوارگهان آوارگانه‌ها را نباید با ما که حداقل جایی برای زندگی داریم مقایسه کرد. بلکه باید آنها را با مقامات با ای شرکت نفست مقایسه کرد که الان در هتل‌های "کمودور" و "روبال" گذاردن زندگی می‌کنند و تمام حقوق و مزایای کامل خود را نیز میگیرند".

۲- قصر فیروزه

در قصر فیروزه واقع در خیابان پیدروز ی حدود ۲۳۷ خانوار از کارکنان گمرک خرمشهر اسکان داده شده‌اند. آوارگان در این جا هم مانند سایر اردوگاه‌ها در مضیقه و تنگنا بوده و در مقابل خواسته‌ها نشان با وعده‌های سرخمن از طرف رژیم روبرو هستند.

۳- خوابگاه شماره ۲ دختران

دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه حدود ۱۷۰ آواره زحمتکش زندگی میکنند. مسئولین مرتجع رژیم در اینجا هم از تشکیل شورای واقعی و انتخاب نماینده از طرف آوارگان وحشت داشته و بر علیه آنها توطئه میکنند.

۴- خوابگاه شماره ۱ پسران

دانشگاه صنعتی شریف

در این خوابگاه هم حدود ۷۰۰ نفر از زحمتکشان آواره مستقر هستند. علاوه بر آوارگان حدود ۲۰ دانشجوی دختر نیز در آنجا اقامت دارند. که آوارگان در مقابل فشارهای رژیم از آنان دفاع میکنند. تهدید به اخراج و تبعید به جبرفت که یکی از حربه‌های رژیم است مثل جماق همیشه بالای سر آوارگان قرار دارد. جنگ زده آواره‌ای میگفت: "مثل اینکه جبرفت تبعیدگاه انقلابیون آواره است". سیاستهای رژیم ارتجاعی در رابطه با آوارگان، سرکوب، فشار و دستگیری عناصر انقلابی است. برای مقابله با این سیاستها راه، مبارزه هر چه مشکل تر و متعددتر، آوارگان و پیوند آن با جنبش کارگران و زحمتکشان بسیار شد.

مصاحبه‌های فرمایشی در میدان جنگ!

"ما با رها بر این مسئله تکیه کرده‌ایم که رادبولو بیوزیون همیشه در خدمت قدرت حاکم است و بعنوان یکی از ابزارهای حاکمیت عمل میکند. بر این اساس رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه جنگ را دارای "خیرات" میدانند، از رادبولو بیوزیون هم مانند همیشه بعنوان بوق تبلیغاتی و توجیه مواضع ارتجاعی خود استفاده میکنند. به مطالب زیر توجه کنید:

- برای نشان دادن "رشادت نیروهای اسلام" و اینکه ثابت کنند که "قوای کفر" زیر فشار "مسلمین" فرست نفس کشیدن هم ندارند، حضرات مجبور به صحنه‌سازی هستند تا آن فیلم بگیرند و بخورد مردم بدهند. بدین ترتیب که مقداری از

بقیه در صفحه ۲۵

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

عوامفریبی و دروغ‌پراکنی: جلوه‌های از اپورتونیسیم "راه‌کارگر" در اخلاقیات!

بررسی مشروح علل جنگ ایران و عراق موضوعات مطروحه در جنگ، اهداف آن و رهبری جنگ و سیاستی که تمیل از جنگ دنیا ل میگشت برداشتیم و نظرات اپورتونیسیتی نظیر "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، تا کنیک عمومی خود را در قبال جنگهای ارتجاعی (و از جمله جنگ ایران و عراق) که تبدیل آن به جنگ داخلی (و ترویج این شعار) بود توضیح دادیم. و در مقاله "رزمندگان: ما رگسیم با رویزیونیسیم" تحریفات رویزیونیسیتی را کارگر و رزمندگان را در باره تاریخ جنگ جهانی دوم جنگ آلمان و پروس... به نقد کشیدیم و بنیان

و تحریف درم - ل آرایش دهند. بیاد آوریم که چگونه سا زمان رزمندگان تحت هژمونی اپورتونیسیتی منشعب کنونی زمانی که کوشید به مبارزه با دشمنی که ما با سخ دهد، در نوشته ای ۶ صفحه ای تنها با برجس زدن، دروغ پراکنی، انتساب نستیهای دروغ و از خود ساخته بسا و سپس نقادان و بیکارگیری شیوه کا ملازمنده و بورژواشی، به مبارزه با دشمنی که ما علیه ما پرداخت، و صدا البته تنها چیزی که با سخ نگفت همان محتوای نقد ما از انحرافاتشان بود. "راه‌کارگر" نیز در قبال عموم مبارزه با دشمنی

● اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیت است، نمیتواند انحطاط فکری خویش را در عرصه های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروزند هد. نگاه بی عوامفریبی های "راه‌کارگر" و دروغپردازیهایش میتواند این دعوی را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیتها و رویزیونیسیتهاست که توجیه مواضع بورژواشی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل و تحریف درم - ل آرایش دهند.

رویزیونیسیتی این تحریفات را توضیح دادیم. "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی به تحریفات که چه در استناد به تاریخ، چه در استنادات کنیک رویزیونیسیتی، چه در بررسی موضوع جنگ ایران و عراق و... صورت داده است و بر ملا گردیده بود، خود را خلاص نموده و کوشید تا با انتساب چند دروغ شایع، عوامفریبانه گرا بیات شدید رویزیونیسیتی خویش را بیوشاند. از آن جمله مدعی گشت که بیکار معتمدانست تنها بدلیل آنکه حکومت ارتجاعی است پس جنگ نا عادلانه است آیا هواداران "راه‌کارگر" نوشته های ما را در مورد جنگ ایران و عراق نخوایند اند؟ و اگر خوانده اند، چنین دروغپردازی شایع را "راه‌کارگر" را به چه حساب میگذازند؟ همچنین "راه‌کارگر" کوشید بدروغ و انمود کند که زمانیکه ما از تا کنیک تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی سخن میگوئیم، منظورمان این است که اکنون موقعیت انقلابی است و این رهنمودها بدالفور به اجرا درآید. آیا هر فردی که ذره ای از صداقت انقلابی بوبرده باشد، میتواند منکر شود که ما این تا کنیک را در این دوران به عنوان یک شعار ترویجی و نه تبلیغی و یا حتی فراتر از آن منظور که "راه‌کارگر" میگوید، نه بعنوان یک شعار عملی مطرح سیاستیم (ها منظور که در روسیه در سال ۱۹۱۴ شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی به عنوان یک شعار ترویجی مطرح بود). عوامفریبیها و دروغپردازیهای "راه‌کارگر" بسا راست (تا بدون این عمل چیزی برای گفتن و دفاع از خود نداشته باشد) ما نظرات

لوژیک ما با اینان، به چنین روش اپورتونیسیتی که شایسته آن مواضع نیز هست، دست بازید و آنهم با قیافه ای حق بجانب!

ما نظرات رویزیونیسیتی "راه‌کارگر" را در برخورد به رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی، تنها گهگاهی با استهزا نظرها را در برابر رویزیونیسیم مورد تمسخر قرار داد. ما در رویزیونیسیتی اینان را از "سوسیالیسم بیچاره" در لهستان به نقد کشیدیم و "راه‌کارگر" عاجز از با سخگوشی، با زهم در یکی دو سطر حرف ما که "سوسیالیسم، سوسیالیسم است" را مورد استهزا قرار داد و از با سخگوشی ظفره رفت. ما تئوسوری اپورتونیسیتی دفاع از استقلال سیاسی حکومت "راه‌کارگر" را به نقد کشیدیم، اینان در با سخ بجای توضیح علت "دفاع از استقلال سیاسی حکومت فدا نقلابی" که مبنای تئوریک آنرا ما در مقاله ما رگسیم و رویزیونیسیم تحت عنوان تئوری رویزیونیسیتی انتخاب بین بدویدتر (برخورد توجیحی به فدا نقلابی) به نقد کشیدیم، از اصل موضوع ظفره رفت و کوشید با دروغپردازی و انمود کند که ما استقلال سیاسی نسبی را قبول ندا ریم و از اینرو اکتونیسیت هستیم. او بدین ترتیب از توضیح تئوریهی رویزیونیسیتی خویش (برخورد توضیحی و دفاع از استقلال سیاسی حکومت فدا نقلابی) با زهم ظفره رفتند.

از دیگر برخورد های عوامفریبانه "راه‌کارگر" در برخورد به مسئله جنگ بروزند بود. ما در مقالات متعدد تئوریهی اپورتونیسیتی عادلانه خواندن جنگ را به نقد کشیدیم. در بیکار تئوریک، به

راست است که اپورتونیسیم نمیتواند تنها به سیاست محدود باقی بماند بلکه در روند تعمیق انحطاط خویش به با دشمنی و اخلاقیات نیز کشیده خواهد شد. "راه‌کارگر" که در ابتدای حیاتش با تحلیلهای که بیشتر با طبع لیبرالها بود سخن از فاشیسم میگفت و ضرورت مقابله ای وسیع (همراه با لیبرالها) علیه "فاشیسم" را علم مینمود. "راه‌کارگر" که با "برخی ابهامات و ایرادات" در مورد شوروی آغاز زدودر مورد "سوسیالیسم بودن" نیز اظهار تردید مینمود! و... آری، امروز پس از گذشت دو سال از حاکمیت رژیم و حیات "راه‌کارگر" اپورتونیسیم ریشه دار "راه‌کارگر" بعد از زکلی موضع عوض کرد و "رفع ابهامات" آنچنان رشد نموده که امروزه و را بدنیال "اکثریت" خاشن روان ساخته است، بطوریکه با یکی دو کا مقاله راه او را میسرود "راه‌کارگر" نیز (البته تنها با برخی مرز بندی) جنگ را عادلانه میدانند، افزایش تولید توسط کارگران را تبلیغ مینمایند، تحت حاکمیت رژیم مصلح با بدار در کردستان طرح مینماید، از حرکت سفارت پشتیبانی مینماید، راه رشد غیر سرمایه - داری را در کوبا تحسین میکند، از نزدیک مناسبات خارجی دولت ایران با آردوی سوسیال امپریالیسم بعنوان یک سیاست مثبت نام مینماید (که البته تالیف "راه‌کارگر" از آن است که جمهوری اسلامی نمیتواند چنین سیاستی را بصورت با بدار رد نیال کند)، ضرورت نزدیکی نیروها با آردوی رویزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم (البته تحت هژمونی پرولتاریا) را تبلیغ مینماید، از استقلال سیاسی حکومت دفاع میکند و دست آخر همچون فدائیان در گذشته، در زمانی که گام به گام بورژوازی رویزیونیسیم درمی غلطیدند و جنبش کمونیستی را "نا رشیت و سندیکالیست" (آنا رگوسدیکالیست) میخوانند، امروزه "راه‌کارگر" نیز خطاب به نیروهای کمونیست و بویژه "سوسیالیست" از "انحرافات آنا رگوسدیکالیستی" نام برده و میگوید ما را به "راه" "است" هدایت کند. روند اپورتونیسیم درم فزاینده "راه‌کارگر" بطور ناگزیر و بیرونیا نیت آنها را در کنایه اکثریت جای خواهد داد. اما "راه‌کارگر" برخلاف اکثریت این روند را بصورت نا شانه طی نمیکند، تا در جنبش رسوا نگردد! "راه‌کارگر" میگوید: "به انحرافات رویزیونیسیتی خویش محمل تئوریک بخشیده و با دفاع فعال از انحرافات خود از یک سو و حمله به نیروهای کمونیستی بگیر، خود را "وفا دار" به - ل نشان دهد و زستی حق به جانب بگیرد.

اما از آنجا که "راه‌کارگر" اپورتونیسیت است نمیتواند انحطاط فکری خویش را در عرصه های دیگر و از جمله اخلاقیات و شیوه برخورد بروزند هد نگاه بی عوامفریبی های "راه‌کارگر" و دروغپردازیهایش میتواند این دعوی را ثابت نماید. این رسم عمومی اپورتونیسیتها و رویزیونیسیتهاست که توجیه مواضع بورژواشی خود را با نسبت دروغ دادن به دیگران، با جعل

بوروژواشی راه‌کارگر را در باره "افزایش تولید" به نقد کشیدیم و توضیح دادیم که تنها درجه صورتی در یک جامعه سرمایه‌داری، بیروتا ربا ممکن است خود به افزایش تولید دست بزند و تحریفات "راه‌کارگر" را در برخورد به روسیه افشا نمودیم. اینان با زهم‌شیا دانسته‌بجای نقد آنچه ما گفتیم، طبق معمول نظری را از خود ساختند و بنا منتسب نمودند و سپس به نقد آن پرداختند که پیکار میگوید: چون جامعه ما سرمایه‌داری است پس در هر شرایطی افزایش تولید غلط است! برآستی کمیت که از تحلیل منحنی فقره می‌رسد و کمیت که می‌کوشد با تحریف نظرات دیگران، با تحریف تاریخ و با لاجرم با تحریف م - ل تئوری - های اپورتونیستی خویش را پوش آراسته بخشیده و با انتساب موضعی تحریف شده و از خود ساخته به دیگران، آنها را مورد طعنه و استهزا پدران قرا دهد؟

"راه‌کارگر" که با لاجرم در برخی موارد حاضر به پاسخگویی شده است با انتساب دروغ و تحریف و موضعی از خود ساخته به ما با اصطلاح به دفاع از خویش برخاسته است، در مورد آخرین مباحثه از بدشولوزیک ما در افشای تسلیم‌طلبی "راه‌کارگر" در مراسم ۲۴ دی، با زدست به دروغ‌پردازی زده و سپس به نقد مواضع تحریف شده که به ما منتسب نموده پرداخته است. بی‌آنکه جواب مشخصی انتقادات ما را پاسخ بگوید.

مادراینجا به پاسخگویی به ترهات اپورتونیستی "راه‌کارگر" در این باره نمی‌پردازیم. چرا که اولانظرآمان را در مورد انتقادات "راه‌کارگر" در این مورد گفته ایم. ما بنا معتقدیم که اکنون می‌بایست برخورد با "راه‌کارگر" را با یک ارزشیابی مجدد از جایگاه "طبقاتی وی صورت داد" لیکن آنچه در این مقاله "راه‌کارگر" حالت بدز عین حال شایان است و با آن تحریف فرا سر گذاشتن و به دروغ‌های آشکارا و با وقاحت هر چه تمام‌تر می‌رسد شدن است. دروغ‌پردازی "راه‌کارگر" در مقاله "پیکار با مائوئیسم" می‌تواند عجز و درماندگی "راه‌کارگر" را در دفاع از مواضع خویش عریان سازد و به بهترین وجهی نشان دهد که چگونه برای "راه‌کارگر" هدف وسیله را توجیه می‌کند! و برای دفاع از مواضع اپورتونیستی آن چگونه به هرگونه وسیله از جمله دروغ‌پردازی‌های شایان منتوسل می‌گردد. و این همان انعکاس سیاست اپورتونیستی در اخلاقیات و شیوه برخورد بورژواشی "راه‌کارگر" است.

"راه‌کارگر" برای توجیه سیاست اپورتونیستی خویش مدعی گشته است که از جمله اختلافات با ما در کمیت‌ها همگی مخالفت جدی با عملی نمودن بلاواسطه شعار با زکشتی و ورودی به دانشگاه "بود که توسط پیکار مطرح شد" برآستی در مقابل چنین دروغ و وقاحت‌های - ما - گفت؟ چگونه است که "راه‌کارگر" برای یوشاندن چهره زشت اپورتونیسم منحنی خویش و مانع نمودن هواداران خویش با بدجنس دروغ‌های شاخ‌داری

را سرهم کند، ما نتواند به هواداران خویش بگوید "ببینید پیکار آنرا رشتت و ما خط اصولی هستیم!" "راه‌کارگر" نمیتواند به استناد آنچه ما گفته - ایم تحلیل ما از وضعیت جنبش، مسئله خواست با زکشتی، بسیج توده‌ها، تعرض علیه رژیم... را به نقد بکشد. از اینرو تا گزیرا است بدروغ مدعی گردید که از جمله اختلافات ما با ما نه بر سر تاکتیک کمونیستی و تاکتیک سوسیالیستی (که پیشه در وحشترا کارگر از "قاسیم" زبا درفته است) دارد بلکه بر سر آن است که ما به وضعیت جنبش، سطح آن کار رنداشته و تنها تاکتیک خود را از فدا نقلایی بودن حکومت بدست می‌آوریم و اگر احتمال آن باشد که کمی سادگی به خرج نداده‌و از "راه‌کارگر" دل‌بیل بخواهد که چرا مدعی است پیکار ملاک تاکتیکها - بش تنها فدا نقلایی بودن رژیم "سطح آکا هی روشنفکران بیطرفه است" (که در اینصورت بلافاصله می‌بایست مبارزه مسلحانه علیه رژیم را در دستور روز خویش می‌گذاشت) با بسد دروغ شاخ‌داری را تحویل داد که پیکار قصد اشغال عملی دانشگاه را داشت تا شاید خواهانده با ورکند! ما در کجا، کی، و چگونه مدعی گشتیم که با بددا نشگاه را اگر شرایط در اینروز ما را بدست تصرف کنیم؟ برآستی که راه‌کارگر برای توجیه اپورتونیسم منحنی خویش چه خوب یا فدا انقلاب حاکم‌منوا شده و همان نهیمت‌های جمهوری اسلامی را که می‌گوید "اینان قصد اشغال دانشگاه، برپاشی آشوب و بلوا... داشته‌ند" تکرار می‌کنند و متحد با روبرو - نیستی‌های خائن، ارتجاع حاکم و محافظین این حرکت را "جپ‌روی" می‌خوانند. ما دروغ دیگر راه‌کارگر در توجیه حرکت ما زمان شکنانه و بی‌فایده اپورتونیستی خویش است که می‌کوشد رندانند این جنبش و انمود کند که نظرات از جانب کمیت‌ها همگی لغوشده و این موضوع که ما برین درجای دیگر برنامهای داشتند، ربطی به "راه‌کارگر" نداشته است. و تنها دو "انتقاد کوچک" که برخی از آنان پلاکار در دست گرفته و می‌کوشند جمعیت را با اعلام این مسئله که راه‌کارگر همگی از سوی کمیت‌ها همگی لغوشده متفرق نمایند، و از ردها بسته است که تا راه‌کارگر همگی را از قطع ارتباط و تنگی با آکبهای پخش! و عملی‌کاری! دانسته است. امری که در عین حال نه‌آنکه بدست پیکار داده است.

برآستی چگونه "راه‌کارگر" اینچنین مانند دیلما تهای بورژواگستاخانه دروغ می‌گوید و هیچ ابائی نیز ندارد. آیا "راه‌کارگر" فراموش کرده است که از قبل در کمیت‌ها همگی تصمیم گرفته‌شد، در صورت عدم برگرزای راه‌کارگر همگی در محل دانشگاه، محل آن به‌حالی دیگر منتقل شود؟ زمانیکه طبق برنامه قبلی محل راه‌کارگر همگی عوض گشت، راه‌کارگر گستاخانه تفسیر محل راه - بیماشی از سوی کمیت‌ها همگی را (که راه‌کارگر حیوانانه و تسلیم‌طلبانه از ترس "اتحاد و جناح از آن خارج گشته بود،) را لغو فراموش از سوی کمیت‌ها همگی می‌خوانند. او می‌کوشد با جمعیت را متفرق کند و نه تنها بدروغ در میان حاکم پلاکار

هاشی مبنی بر لغو فراموش راه‌کارگر همگی از سوی کمیت‌ها همگی در دست می‌گیرد، بلکه بعد از آنروز در اعلامیه که بدین مناسبت منتشر می‌کنند مدعی می‌گردد که کمیت‌ها همگی با لغو فراموش همگی به خرج داده و مانع از ایجاد "ثوب" و بلوا می‌گردد. (یعنی برگرزای فراموش همگی "ثوب" و بلوا نبود. برآستی راه‌کارگر چه خوب اصطلاحات فدا انقلاب حاکم و روبرو نیستی‌ها را در محکوم نمودن با دگرفته است!) اکنون "راه‌کارگر" ما فوبیست‌کننده با زهم‌دروغ می‌گوید و اعلام می‌کند که کمیت‌ها همگی راه‌کارگر همگی را لنگ می‌کند "راه‌کارگر" تا یک سند با اعلامیه‌های مبنی بر لغو فراموش همگی که از سوی کمیت‌ها همگی صورت گرفته‌شد، می‌سوزاندن با دهد؟ "راه‌کارگر" با وحشت از افراد از جنبش کمونیستی دلیل آورد - نیم می‌کوشد، می‌کوشد با دروغ‌پردازی مواضع خود را موجه جلوه دهد و دیگران را با داحمله بکشد سومین دروغ آشکارا "راه‌کارگر" این است که مدعی می‌گردد موضع پیکار در جلسه کمیت‌ها برگرزای در آخرین ساعات این بود که فراموش همگی با بدجلوی دانشگاه برقرار شود و برای اثبات دروغ خود انتقاد از خود ما را که بعداً صورت گرفت تا هدما ورد، برآستی تا چند می‌سوزان وقاحت به خرج داد و بدروغ مدعی گشت که ما در جلسه کمیت‌ها برگرزای که تصمیم به تفسیر محل راه‌کارگر گرفت، با آن مخالفت نمودیم؟ انتقاد ما که بعداً از کمیت‌ها برگرزای خود ما صورت گرفت، این بود که در موقع تصمیم‌گیری در جلسه کمیت‌ها چرا محل را تغییر داده‌ایم. تنها پس از مدتی از حرکت ۲۴ دی بود که ما به انتقاد نسبت به این حرکت پی برده‌و آنرا در دست خواندیم، ما اپورتونیست‌های "راه‌کارگر" برای یوشاندن مواضع تسلیم‌طلبانه و سوزمان شکنانه خود به دروغ اعلام می‌نمایند که ما در کمیت‌ها برگرزای معتقد بودیم که می‌بایست فراموش همگی را صورت می‌بذیرفت. برآستی "راه‌کارگر" اگر یک حوسه وقت انقلابی داشت، هرگز به چنین دروغ‌پردازی‌ها و عوام‌فریبی‌ها نمی‌توانست؟

روز بروز که از حیات "راه‌کارگر" می‌گذرد، بسوازات نشدیدیست‌های روبرو نیستی و انسجام بخشی به اپورتونیسم پیکار را خویشی، سیاست و شیوه بورژواشی در مبارزه با دشمن بزرگ "راه‌کارگر" نیز متبلور می‌شود. "راه‌کارگر" نه تنها در سیاست بلکه در اخلاقیات و شیوه برخورد نیز از اکثریتی‌های خائن و حزب‌خائن توده، شیوه تحریف و دروغ‌پردازی و عوام‌فریبی را می - آموزد تا در برتوان بتواند مواضع اپورتونیستی خویش و مستگیری بسوی اکثریت را لایوشانی کند. با ردیگری به هواداران. صدیق "راه‌کارگر" هندا می‌دهیم: "هندا! رکه خطر نزدیک است!"



پیام بیست و ششمین کنگره سوسیال امپریالیسم شوروی: سازش با امپریالیسم امریکا ، سرکوب انقلاب خلقها!

امروز در شرایطی که مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان هر چه بیشتر اوج میگیرد، در شرایطی که تضادهای بحرانهای سرمایه داری، گندیدگی مایه های امپریالیسم را عیان تر میسازد و در عین حال زمینه مناسبتی برای گسترش بیشتر انقلاب در سراسر سرزمینهای موجود می آورد، رویزیونیسم بیش از هر زمان دیگر برولناریای جهانی را مورد ضربت خائنان خود قرار داده است. رویزیونیسم نه تنها احزاب متعددی را در کار خود فروکشیده است، نه تنها بخش وسیع کشورهای سوسیالیستی را به اردوگاه امپریالیسم انتقال داده است، بلکه همچنان به تعرض فدا نقلایی علیه برولناریا، سوسیالیسم و انقلاب ادامه میدهد. بدون شک ضربه رویزیونیسم به جهانی شکست مهمی برای برولناریای جهانی بشمار می آید، اما این حقیقتی است انکارناپذیر که ضربه رویزیونیسم خروشنجی - برزنی از ابعاد بسیار گسترده تری برخوردار می باشد. امروز رویزیونیسم خروشنجی بر اکثر احزاب رویزیونیست و کشورهای بورژوا - رویزیونیست مسلط بوده و به این لحاظ با پشتوانه معنوی و مادی عظیم خود جنبش ها و انقلابات را در بعد وسیعتری موردتهاجم خود قرار داده و می دهد. بنا بر این مبارزه کمونیستی علیه رویزیونیسم بطور عموم و علیه قطب رویزیونیستهای خروشنجی و در رأس آن سوسیال امپریالیسم شوروی بطور اخص از اهمیت حیاتی برخوردار است بدون چنین مبارزه بیگیری، هیچ انقلابی به سرانجام نخواهد رسید و برولناریا قادر نخواهد بود سوسیالیسم را برقرار نماید. فقط یک دیدگاه رویزیونیستی مبارزه علیه بورژوازی را از مبارزه علیه رویزیونیسم جدا خواهد کرد، فقط یک دیدگاه ضد مارکسیستی مبارزه علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی جدا خواهد نمود و فقط دشمنان سوسیالیسم و کمونیسمی که نمیخواهند برولناریا بقدرت برسد مبارزه ضد رویزیونیستی را نفی میکنند. این مبارزه بخش لاینفکی از مبارزه طبقه کارگر برولناریا در راه استقرار کمونیسم بشمار می آید.

تشکیل بیست و ششمین کنگره حزب رویزیونیست سوسیال امپریالیسم شوروی، از یکسو در چهارچوب تعرض رویزیونیسم علیه سوسیالیسم و انقلاب قرار داده و از سوی دیگر با نگرشهای جدید بورژوازی امپریالیستی شوروی در جهت سازشهای نوین با امپریالیسم امریکا و نتیجتاً



تدارک گسترده تری از آنها علیه انقلاب جهانی است. از زمانی که رویزیونیسم بر دستکاه حزبی شوروی مسلط گردید، حزب به بزرگوارترین در راه تحقق اهداف ارتجاعی اش تبدیل شد و با طبع کنگره های حزبی نرسیده مرکزی جهت برنامهریزی های این بورژوازی بدل گشت. کنگره های خروسوسیال امپریالیسم در دوره عرصه داخلی و خارجی برنامهمبورژوازی شوروی را اعلام نمود. نگاهی کوتاه به سیاستهای داخلی و خارجی شوروی یکبار دیگر ضربه رویزیونیستهای برولناریا و توطئه های آنها را علیه خلقهای جهان نشان میدهد.

در زمینه داخلی: بحران اقتصادی و سرکوب پرولتاریا

همانطور که میدانیم، رودسته خروشنجی فاش برای پوشاندن دیکتاتوری طبقه کارگر بورژوازی خود، دیکتاتوری برولناریا را منحل اعلام کرده و مطرح ساخت از آنجا که تضامینات طبقه کارگر با بیان یافته شوروی به مرحله اولیه کمونیسم رسیده، دولت برولناریا جای خود را به "دولت تمام خلقی" سپرده است. در مقابل این عوامفریبی باید گفت پر واضح است که به سبب حاکمیت با فتن رویزیونیستهای در شوروی، دیکتاتوری برولناریا نابود گردید. لیکن از آنجا که برولناریا از قدرت فزاینده و جامعه شوروی کماکان یک جامعه طبقه کارگر بود و از آنجا که قدرت به دست رویزیونیستها افتاده بود، دولت حاکم جز دیکتاتوری بورژوازی چیردگیری نمی توانست باشد. اگرچه رویزیونیستهای خروشنجی - برزنی ادعا میکردند که شوروی فقط نیاز به "تدارک مادی و فنی کمونیسم" دارد و تضادهای طبقه کارگر و روستاها را در بر گرفته است. اما وجود دولت رویزیونیستهای در شوروی و طبقه کارگر متخاصم اجتماعی و مبارزه جاری میان آنان در خط بطلانی برای تسلیفات رویزیونیستی بود. بقول لنین وجود دولت در جامعه طبقه کارگر تضادهای آشتی ناپذیر طبقه کارگر است. او میگوید "دولت محصول آشتی ناپذیری تضادهای طبقه کارگر است" (دولت و انقلاب) به بیان دیگر زمانی که طبقه کارگر بر سر قدرت، دولت نیز ضرورت خود را

از دست میدهد. پس وجود دولت در شوروی بیان وجود طبقه کارگر در شوروی و اعلام "دولت تمام خلقی" بیان دیکتاتوری بورژوازی بود. این حقایق را تضادهای مستمر طبقه کارگر در این جامعه و ادا مبارزات طبقه کارگر و خلقهای این کشور و سرکوب مرتجعانه این مبارزات توسط دستکاه دولتی بورژوازی حاکم بر آنها و با رها اشیاء کرده است و در گزارش برزنی مرتجعانه ادا میدهد همان خط خروشنجی است. این حقایق بطرز عریانی جلوه گیری میکند. برزنی در تمام گزارش خود یک کلام در باره دیکتاتوری برولناریا نمی گوید و نمی تواند بگوید. اما او در همین گزارش میگوید: "در سالهای دهه هفتاد نزدیک تمام طبقه کارگر و گروههای اجتماعی جامعه شوروی ادا مبارزات را ترک کرده و از پیش طبقه کارگر (رجوع شود به پیکار ۸۹) اسباب و اشیاء را ناسبت میکنند که طبقه کارگر در شوروی به یکدیگر نزدیک نشده و بلکه بطور روزافزون تضادهای طبقه کارگر عیان تر میگردد، اما مسئله حاکمیت اینجاست رویزیونیستها با بد جواب دهند که اگر به حال در جامعه شوروی "طبقه کارگر و گروههای اجتماعی" وجود دارند و بنا به گفته لنین هر دولتی نماینده یک طبقه معین است، پس دولت حاکم با بقول آنها "دولت تمام خلقی" مدافع کدامیک از این "طبقه کارگر و گروههای اجتماعی" است؟

مسئله مهم دیگر در زمینه مسائل داخلی گزارش برزنی فاش از واقع اقتصادی بود. او در گزارش خود اگرچه عوامفریبانه از "دست آورد های سوسیالیسم در شوروی" صحبت کرد، اما در همان حال بطرز خجولانه از بحران اقتصادی نیز سخن گفت و بطور غیر صریح از بحران کشاورزی، از کم شدن کارآیی در تولید، از مدیریت بد در دستگاههای تولیدی و از عدم تحقق اهداف برنامهمبارزه اقتصادی صحبت کرد. گویا اینکه رویزیونیستهای برزنی حقایق بحران وسیع موجود در کشور را میپوشانند و به طبقه کارگر دروغ میگویند، اما همین اعترافات خجولانه، برزنی نشانهای از اهمیت سرمایه داری اقتصاد حاکم بر شوروی است. در کشور سوسیالیستی بحران کشاورزی وجود ندارد، زیرا برچشم سوسیالیسم طبقه کارگر یک کاری نکرده و با شور کمونیستی تولید سوسیالیستی را مدام افزایش میدهد. زیرا رهبری طبقه کارگر تولید بر اساس برنامه مرکزی هدایت شده و طبقه کارگر با تمام قوا میکوشند تا اهداف در نظر گرفته شده برآورده گردد. اما در یک اقتصاد سرمایه داری که قانون سود هر چه بیشتر آن حاکم است و هرج و مرج در تولیدات آن به شمار می آید، بحران، بیکاری، تورم و استعمار وجود داشته و کارگران رغبتی به تولید نشان نمیدهند. پر واضح است که وقتی رویزیونیستها از بحران صحبت میکنند، آنان بنا بر یک سبب - مبارزه با حاکمیت بورژوازی اقتصادی است. این مبارزه با حاکمیت بورژوازی اقتصادی است.

و با زمانی که رویزیونیستها از کم شدن کارآیی در تولید صحبت میکنند، این امر این حقیقت را نشان میدهد که طبقه کارگر شوروی تحت سلطه سرما به داری دست به مبارزه زده و کم شدن کارآیی در تولید چلوه‌ای از مبارزه طبقه کارگر علیه استثمار سرما به شما رمی آید. یکی از اشکال مقاومت کارگران در مقابل قوانین بیرحمانه تولید بورژوازی اختلال و کم کاری در نیروی تولیدی است. در کشوری که بر اساس رهنمود رویزیونیستی برژنف در کنگره ۲۴ گفته بود: "کار شدید و پیرا زده با بدستویج شود و با دشمنان بیشتر به آن تعلق گیرد". کارگران شدیداً استثمار میشوند و به همین خاطر یک بورژوازی انگل بطور متوسط درآمدی معادل ۱۰۰ برابر یک کارگر زحمتکش دریافت میکند (پیکار ۸۹)، آری در چنین کشوری مبارزه و مقاومت و کارکنانی که کارگران در تولید سرما به داری امری عادلانه و طبیعی است و بنا بر این در این جامعه آنگر بزنا مه‌های اقتصادی به اهداف خود نمی‌رسد، امری ناگزیر است. البته رویزیونیستها در مقابل بحران همیشه چنین توجیه میکنند که به علت آب و هوا و... مثلاً کثرت و زری رشد لازم را نداشته است! اما این یک عوام فریبی بیشتر نیست. هیچکدام از بزنا مه‌های پنجمالسه رویزیونیستها به اهداف مورد نظر نرسیده است مثلاً در بزنا مه هشتم شوروی (۷۰-۶۶) کثرت و زری با عقب افتادگی ۷۶٪ و صنعت با عقب افتادگی ۷۰٪ روبرو بوده است. این شکاف عظیم میان طرح پیش بینی شده و آنچه که بدست آمده یا امر جزئی و اتفاقی است؟ نه هرگز! اگر شوروی هر ساله از آمریکا کندم و آرد میکند، این امر بخاطر وجود بحران در اقتصاد شوروی است، بحرانی که نتیجه قوانینی چون قانون سود هر چه بیشتر و هرج و مرج در تولید میباید. این امر ناشی از ماهیت اقتصاد سرما به داری امپریالیستی شوروی و حاکمیت طبقه بورژوازی میباید. حاکمیتی که بر پایه سرکوب بیرحمانه و استثمار وحشیانه کارگران و دهقانان زحمتکش استوار است.

در زمینه خارجی: سازش با امپریالیسم و سرکوب خلقها

شوروی امروز یک کشور امپریالیستی است بورژوازی این کشور تنها طبقه کارگر و خلقهای شوروی را مورد استثمار و استثمار قرار میدهد بلکه به لحاظ ماهیت توسعه طلبانه خود ناگزیر از تجاوز و زوبیند کشیدن خلقها میباید. شوروی امروز مانند همه امپریالیستهای دیگر خواهان سهم بیشتری از غارت و چپاول جهان است و بنوی این منظور از یک سو به رقابت و سازش با امپریالیسم آمریکا دست میزند و از سوی دیگر بخود مستقیماً و یا به توسط مزدورانش به سرکوب جنبشها و انقلابات میبرد. شوروی در همان

زمان که با کثیف ترین رژیمهای کشورهای تحت سلطه به سازش دست میزند، میکوشد تا با نفوذ در جنبشهای رهاشی بخش، این جنبشها را به انحراف کشیده و آنها را به بزارتوسعه - طلبی خود بدل نماید. در گزارش برژنف بیسه کنگره ۲۴ اهداف فوق به روشنی نمایان است. لیکن با ابداع آن نمود که آنچه در نطق برژنف برجستگی خاصی را دارا میباید تدهمان کوشش در سازشهای جدید با امپریالیسم آمریکا است. البته این امر اتفاقی نیست. شوروی در شرایط کنونی گرفتار بحران اقتصادی شدیدی میباید در اروپای شرقی با مشکلات بسیار بقیه‌ناشی از تحولات مبارزه طبقاتی در لهستان، رومانی و... است. در افغانستان به تجاوز و اشغال نظامی خود همچنان ادامه میدهد و از بابیت همه ایس مسائل تحت فشار کشورهای امپریالیستی و تسلیمات آن قرار دارد. بنا بر این در عین حال که شوروی بنا به ماهیت خود با آمریکا به رقابت ادامه خواهد داد، اما تا کنون برژنف در کنگره ۲۴ با ساربتا کتیک سیاست سازش با آمریکا استوار است. برژنف در کنگره با لحن یک مامله - گریز بزرگ خطاب به آمریکا میگوید: "ما پیشینها دمیکندیم در این منطقه (حوزه خلیج فارس و اقبا نوس هند) با انقطاع دموافقت نامه بین المللی خطر وقوع جنگ بر طرف کرده. با ما می مشترک و با در نظر گیری منافع قانونی کلیه طرفها، میتوان در این منطقه محیط ثبات و آرامش بوجود آورد. میتوان حقوق حاکمیت کشورهای این منطقه و منیت راههای دریایی و راههای دیگری را که بقیه دنیا را به آن مربوط میباید زنده تضمین نمود. (گزارش به کنگره - مندرج در اطلاعات ۹ اسفند)

برژنف بیست و نه ماه پیش امپریالیسم روس مطرح میباید زده که در منطقه خلیج فارس و اقبا نوس هند با بدملح برقرار شود. ملحق که "منافع قانونی" همه امپریالیستها را در نظر بگیرد. باید برسد در این منطقه خطر جنگ از جانب چه نیروهای جز قدرتهای امپریالیستی و به خصوص آمریکا و شوروی وجود دارد؟ در نظر گرفتن "منافع قانونی کلیه طرفها" جز به رسمیت شناختن سهم مناسبت در چپاولگری امپریالیستها و از حمله شوروی چه معنای دیگری دارد؟ "امنیت راههای دریایی" جز تضمین راههای غارت نفت و شروتهای خلقها توسط امپریالیستها چه معنای دیگری دارد؟ برژنف میگوید ملحق کنیم و خلقهای منطقه را با یکدیگر چپاول کنیم. آری اینست پیام تنبکاران رویزیونیست برای رقیبان امپریالیستهایشان!

سپس برژنف در باره مسائل خاور نزدیک و منحل مسئله فلسطین چنین میگوید: "وقت آن فرا رسیده است که با حسن نیت مشترک جستجو برای حل جامع این مسئله را بر پایه عدالت و واقع بینی از سر بگیریم. در شرایط کنونی میتوان در چهار رچوب یک کنفرانس ویژه بین المللی به این هدف دست یافت." همانطور که

میدانیم رژیم صهیونیست اسرائیل را بندهای امپریالیسم آمریکا در منطقه بود و استقرار این رژیم ارتجاعی بقیمت اخراج خلق فلسطین از سرزمین فلسطین و سرکوب مداوم و مستمر آن بوده است. به همین خاطر انقلاب خلق قهرمان فلسطین هدف نا بودی رژیم صهیونیستی و آزاد کردن تمام سرزمین فلسطین را دارد. اما در چهار رچوب سازشهای امپریالیستی، سوسیال امپریالیسم موافق آنست که رژیم صهیونیست باقی بماند و به همین منظور برای اینکه نفوذ خود را در کشورهای این منطقه حفظ کند و آمریکا جهت تضعیف این نفوذ عمل نکند، پیوسته کوشیده است تا خلق فلسطین را با دشمن خود آشتی دهد و به ابقبولاندن موجودیت این رژیم اشغالگر و اقمیتی عینی "است و با بد آنرا پذیرفت! کوشش مشترک آمریکا و شوروی در کنفرانس زوجهت به سازش کشاندن انقلاب فلسطین با ژاندارم امپریالیسم در منطقه در چهار رچوب همین توطئه امپریالیستی قرار می گرفت. اما جنبش توده‌های فلسطین همچنان تمام توطئه‌های ارتجاعی و امپریالیستی را برملا کرده است و امروز شوروی با زهم میکوشد تا این جنبش را از راه توطئه‌های جدید سرکوب نماید و آنرا وجه المامله سازشهای جدید با آمریکا قرار دهد. نطق برژنف در کنگره ۲۴ همین هدف را تعقیب میکند. شوروی مانند همه امپریالیستها میکوشد تا سرنوشت خلقها را تعیین کند و به همین خاطر برژنف میگوید شوروی و امپریالیستها یکنواخت با "حسن نیت" میتوانند به "حل جامع" در مورد مسئله فلسطین برسند. تا با آمریکا با کمک همه جانبه به اسرائیل "حسن نیت، عدالت و واقع بینی" خود را ملیان سال بنمایش نگذاشته است؟ آیا کشتار و قتل عام توده‌های فلسطینی "عدالت" امپریالیستها را به تحقق در دنیا ورده است؟ برژنف خاشن تمام این جنابیات را میبوشاند، برژنف تنبککار برای مامله‌های جدید در رگان جناب تنبککار قول میدهد که اگر آمریکا حق شوروی را در منطقه به رسمیت بشناسد از طریق یک کنفرانس بین المللی مشترک میتوان سرنوشت فلسطین را تعیین نمود! آری رویزیونیستهای توطئه‌گر اینچنین علیه خلقها توطئه میچینند و سرکوب انقلاب آنها را هدست با با نگی ها و رژیمهای مرتجع تدارک میبینند.

سپس برژنف در کنگره میگوید: "اتحاد شوروی مخالف آن نیست که مسائل مربوط به افغانستان در رابطه با مسائل امنیت خلیج فارس مورد بحث قرار بگیرد ولی در این مورد با بدفقسط نکات بین المللی مسئله افغانستان مطرح شود نه مورد داخلی افغانستان، اتحاد شوروی حاضر است بدون وقفه مذاکرات خود را با ایالات متحده آمریکا در خصوص محدود کردن تسلیمات استراتژیک... ادامه دهد." منظور برژنف از بحث جامع به "مسائل مربوط به افغانستان در



وحشت رژیم از اجتماع کارکنان پالایشگاه اصفهان!

از مدت‌ها قبل شرای فشی علییات برای رسیدگی بدنا بر سایر کارکنان که در عملکردش جهت پاسخگویی به خواستهای کارکنان و همچنین عملکرد مدیریتی و همدردی با دولت به تفکیک جمع عمومی کرده بود. اما عوامل رژیم (الحقن اسلامی، شورای اسلامی، مدیونیت و استخبارات) که از هرگونه شکل انقلابی کارکنان وحشت دارند اما با وجود این قرار شد روز ۴/۱۱/۵۹ این گروه‌ها شای شکل شود.

وحشت رژیم از این گرد هم آیی نودی بوده که شب قبل آن در تلویزیون اعلامیه‌ای از طرف استنادار خوانده می‌شود مبنی بر اینکه عده‌ای میخواهند توطئه کرده و در کارخانه تاجات اختلال نمایند! لذا هرگز نجمع را ممنوع اعلام نمیکند و "متخلفین" را تهدید به اجرای مقررات زمان جنگ در ساره آنها، مسامحه، روبر جمع سراز جانب مدیریت پالایشگاه اعلامیه‌ای تا همین محتوای مینود اما مزدوران رژیم بدین تهیه‌ها اکتفا نکرده و با وارد کردن نیروهای سرکوبگرشان بدخود پالایشگاه در محاصره مینماید. این اعمال که نشانه عجز رژیم بود، باعث تعجب کارکنان شده بود. آنها بوضوح میدیدند که رژیم جمهوری اسلامی در محاصره مردم است. کارکنان پالایشگاه با سرمایه‌داری و سرمایه‌داری وابسته، آماده سرکوب کوچکترین حرکت مبارزاتی کارکنان می‌باشد. احتیاج بر کارکنان است اما عملکرد شورای فشی علییات و نظریات‌های که خوانده شد، نشانگر نودم تیانست رژیم و کونتا آمدن در سال فولهای عوامل آن بود. آنها هموزی سرده بودند که اعمال ضد کارگری عمال رژیم نظیر استنادار و... خدا از ما هیت طبقاتی رژیم است. و مبارزات کارگران زمانی به نتیجه خواهد رسید که کل رژیم و سیستم سرمایه‌داری وابسته را مورد ضربت خود قرار دهد. خواسته‌های جزئی که در این راه بدست می‌آید، میبایست تنها عامل تندکننده حرکت کارگران بسمت جلو باشد. مبارزات پراکنده کارگران ایران معاست تحت رهبری کمونیست‌ها این پیشروان طبقه کارگر متشکل و مبارزانه شده و با سرخواری جمهوری دیکتاتور استیک خلق، بسوی کمونیسم

به حمایت از ۲۲۵ کارگر اخراجی فرودگاه برخیزیم!

کارگران، زحمتکشان، هموطنان مبارز!
بدینال میباران فرودگاه تبریز، متوسط رژیم ارتجاعی عراق، و ترمیم فرودگاه و از سر برداشتن فعالیت اکثریت آنها بعد از مدت کوتاهی، قسمتهای گسترنگ و رستوران همچنان تعطیل باقی مانده کارکنان این قسمتها غیره. نهم تعطیل بودن محل کارشان هر روز سرکار خود حاضر شده و منتظر از سر گرفته شدن فعالیتشان در این قسمتها شدند. و در باره این موضوع نامه‌های متعددی به مدیرعاملان ایرانگردی و جهانگردی و مقامات رژیم جمهوری اسلامی نوشتند اما دولت جمهوری اسلامی در مقابل خواست کارگران مبنی بر از سر گرفته شدن کار، بشیرمانه حکم اخراج ۲۲۵ کارگر این قسمتها را پس‌دوند کوچکترین توضیح و دلیلی صادر نموده است. کارگران مبارز اخراجی فرودگاه، در مقابل این حرکت ضدکارگری، ضمن محکوم ساختن آن خواهان رسیدگی به خواسته‌هایشان و جلوگیری از تکرار شدن کارگرانی که هر یک ۷ سرعانه دارند شده‌اند

کارگران مبارز

ساستهای ضدکارگری و ضدخلق رژیم جمهوری اسلامی روز بروز گسترش بیشتری می‌یابد. رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه‌داری و دشمن کارگران و زحمتکشان است، همه روزه با سرکوب مبارزات کارگران، دستگیری نمایندگان مبارز کارکنان، و اخراج‌های نودی و دسته‌جمعی کارکنان، لغو نمود ویژه: افزایش ساعات کار، افزایش مالیات و... ضدیت خود را با کارگران نشان میدهد. همین هفته قبل بود که رژیم با قطع عیندی

کارکنان شرکت واحد و اعمال فشارهای گوناگون بر آنها شرایط زندگی را بر آنان سنگین نمود. کارکنان اخراجی فرودگاه باید بدانند رژیم جمهوری اسلامی، با نظیر کردن زمانه در سال گذشته روحیات، دو سال فخر و ناکت برای نوده. ها، دو سال بازاری سیستم سرمایه‌داری وابسته و سازش با سرمایه‌داری، سال ۵۹، دشمن کارکنان و زحمتکشان بود و ما استفاده‌خواهی از مقامات و مسئولان رژیم، راه بدجاشی نخواهد بود. کارکنان باید بکوشند با جلب حمایت کارکنان سایر قسمت‌ها و با رساندن فریاد حق طلبانه‌شان به گوش سایر کارکنان و زحمتکشان و مردم سایر، خواسته‌های سرخشان را سر دولت ضدکارگری تحمیل نمایند!

توده‌های مبارز!

متحدان با خاسته و به حمایت از کارکنان اخراجی فرودگاه برخیزیم و توطئه‌های رژیم جمهوری اسلامی و دشمنی آنان با زحمتکشان را افشا کنیم و صدای اعتراض خود را به اخراج کارکنان فرودگاه هر چه رساتر بیاخته و خواهان بازگشت آنان به سرکار خویش شویم!

سرور باد مبارزات حق طلبانه کارکنان و زحمتکشان سازمان بیکار در در آه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۱۲/۱۲ ★★

اخبار کوتاه:

شیراز: اخبار سه ۳۰۰ نفر از کارکنان مناطق حکمرده که برای کار به نیروی سنا راه رسیده شده‌اند، گفته شده که ۱۲/۵ درصد از حقونان کم خواهد شد که طبعاً روی سرمایه‌های کارکنان نظیر اما فکاری، حق کارکا هی و... سنا نخواهد گذاشت. همچنین حق بازتسکی این کارکنان کاهش خواهد یافت. این اقدامات ضدکارگری سنا کردارمه "خیرو سرکات" حکم برای کارکنان



فان، مسکن، آزادی



جنبش کارگری

فیبربالیس

در ارفنا رگا رگران بالاخره دگانه انقلاب که کنترل این کارخانه را بعهده دارد، مخپورشد اجازت ورود مواد اولیه به کارخانه را بدهندو بدین ترتیب کارخانه از روز ۱۱/۲۵ شروع بکار میکند. کارگران علاوه بر کسب این موفقیت که مانع بیکاریشان میشد، بیکری خواستههای رفاهی از قبیل: حق لباس ۱۰۰۰ تومان در سال ایاب و ذهاب ۲۰۰ تومان و ۵۰ عدد فیبربالنه مطرح میکنند و موفق میشوند بخشی از این خواستهها را برای اتمام گرفته و تمامی آنها را برای سال آینده بتمویب برسانند.

اعتصاب کارگران "ایران الکتریک" بخاطر سود ویژه!

روز ۱۱/۲۴ کارگران کارخانه ایران الکتریک گیلان بعنوان اعتراض به لغو قانون سود ویژه که در واقع بخشی از دستمزد کارگران را لغو میکند، بمدت ۲ روز اعتصاب میکنند. کارگران میگفتند: تولید سال بیشتر بوده و باید مبلغ بیشتری برای سود ویژه بگیریم. اما انجمن اسلامی کارخانه از وحشت مبارزه کارگران بدست و پا افتاده ورشکس هیات پاکسازی (این ما مسئل سرگوبیگرمز دور را که تاکنون کارگران مبارز بسیاری را از کارخانه نجات گیلان اخراج کرده است) را به کارخانه میاورند.

این عنصر مکارگر و پهن چهره جهت برای کارگران اعتمادی، بنابه ما هیت طبقا تیش قبل از هر چیز بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستها، که پیگیرترین دشمنان سرمایه داران هستند، لجم - پراکنی میکنند و آنگاه کارگران را اغفال شده توسط کمونیستها خوانده و دست آخریها نه همیشه بودجه نداشتن دولت و شرایط جنگی را آورده و از کارگران میخواهد که بنبغ سرمایه - داران و رژیمها میثان، از حقوق نا چیز خود نیز بگذرند!

سراجام این "حجت الاسلام" مزدور، کارگران را به سرکوب تهدید میکند. در این میان سایر نیروهای فدکا رگر نظیر انجمن اسلامی، توده آنها و اکثریتی های خاش نیز متحد بر علیه کارگران به توطئه چینی پرداخته و با مبارزه: اعتمادی آنها مخالفت میکنند.

در چنین شرایطی تنها راه بنده نتیجه رسیدن مبارزات کارگران متحد و متشکل شدن در یک

بقیه از صفحه ۳ چگونه...

حقوق خود برسد و در کل جامعه نیز بدون سازمان و حزب سیاسی خود قادر به مبارزه نخواهند بود. اکنون یکماه بیشتر به عید نمانده است گرانی و کمبود اجناس بیشتر از همه ما کارگران را لای برس گذاشته و خرد میکند. مبارزات کارگران با ریس الکتریک، کفش ملی، ترانس بیک، مینو و... همه نشان دهنده این است که ما کارگران در یک موقعیت حساس هستیم. برای اینکه بتوانیم بر علیه حقوق پامال شده خود مبارزه کنیم باید متحد و یکپارچه شویم ولی چگونه میتوانیم این کار را بکنیم.

قبل از هر چیزی باید نگاهای به مبارزات پارسال در رابطه با سود ویژه بیندازیم. پارسال در کارخانه نجات مینو، عیندی، داروبخش و بسیاری از کارخانه نجات به مبارزات با شکوهی دست زده شد، ولی از درون این مبارزات به جوجه تشکل های واقعی کارگری بنیرون نیامد. بهترین تشکل - های واقعی کارگری اذدل مبارزات کارگری بیرون میاید. و این بزرگترین ضعف مبارزات پارسال بود. در گیلان کارگران آنجا در ایجاد تشکیلات موفقیت بیشتری داشتند. آنها توانستند با تشکل اتحادیه شوراهای گیلان، بیست هزار کارگر را برای گرفتن سود ویژه متحد سازند و این نمونه درخشانی از مبارزات کارگری بود.

اکنون وضع کارخانه نجات از نظر تشکیلات کارگری چگونه است؟

در اکثر کارخانه نجات با شوراهای قلابی و فرمایشی برسروکار هستند، و با انجمن های اسلامی این چشم و گوش حزب جمهوری اسلامی قدرت نیائی میکنند که سعی دارند جلومبارزات ما را سد کنند. مبارزه کارگران با ریس الکتریک نشان میدهد که چگونه شوراهای قلابی و انجمن های اسلامی از تمام حقه ها و کلک ها استفاده میکنند تا راهمان را ببندند. اکنون زمان آن است که این تشکیلات - های فرمایشی را از ما بودکنیم و شوراهای تشکیلات - های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم.

در پیش بردن مبارزه برای گرفتن سود ویژه که الان خواست اصلی و فوری ما را تشکیل میدهد و برای همه کارگران کارخانه نجات ایران است در جاهایی که تشکیلات واقعی وجود ندارد باید کمیته ای مرکب از مبارزترین و آگاهترین کارگران کارخانه تشکیل داد. کارگراتی که نشان داده اند هیچگاه سازش پذیر نبوده و حاضر به فداکاری و از جان گذشتگی برای همزنجیران - شان نمیشوند. این کمیته ها هنگامی مبارزه (در جاهایی که شوراهای واقعی وجود دارند همان

شورای واقعی و برقراری هماهنگی و اتحاد با مبارکان کارخانه نجات میباشد.

تا زمانیکه ۳۵% به دستمزد ها افزوده نشده سود ویژه پرداخت با سددگردد!

شورای واقعی) دارای چندولیفه مهم است:
۱- رهبری مبارزات کارگران را برای سود ویژه بعهده گیرد و باید تا حد هر چه بیشتر کارگران کارخانه کمک نموده و مبارزاتشان را هماهنگ کند و از طریق تشکیلات جمع عمومی ها و اعلامیه - های تبلیغی و... و فکر بر سر روش مبارزه و نظرخواهی از کارگران و... مبارزه را به جریان درست بیندازند.

۲- با تشکیلاتهای واقعی سایر کارخانه نجات تماس برقرار کند و سعی کند که مبارزات کارخانه - های مختلف را هماهنگ کند. در مرحله کنونی از مبارزات طبقه کارگر که مسئله سود ویژه مطرح است ارتباط گرفتن با تشکل های واقعی سایر کارخانه نجات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا سود ویژه مسئله همه کارخانه ها است. تنها وقتی میتوان از پیروزی در این مبارزه حرف زد که مبارزات کارگران کارخانه های مختلف را بتوانیم متحد و هماهنگ و متشکل گردانیم. در غیر اینصورت اگر چه ممکن است در چند کارخانه محدود بتوانیم مبارزاتمان را همسان حقمان را بگیریم، ولی نخواهیم توانست قانون جدید سود ویژه را که در رابطه با طبقه کارگران ایران وضع شده است ملغی کنیم.

۳- در طول مبارزه با سازماندهی کارگران جلوی خرابکاری عمال کارفرما را گرفته و از کارخانه حفاظت بعمل آورند.

۴- و بالاخره مهمترین راه مبارزات برای تشکیل یک شورای واقعی در کارخانه را تدارک ببینند.

در این مبارزات مشخص یکماه هر چند که گرفتن خواستهها برای ما اهمیت زیادی دارد ولی آنچه که بسیار مهمتر است اتحادها و تشکیلات ما است. چرا که چندتومان پول گرفته شده تا زمانی که نظر ما سرمایه داری وجود دارد مبارزه از دست ما پس گرفته میشود اگر ما در این مبارزه برای گرفتن سود ویژه بتوانیم شوراهای واقعی خودمان را تشکیل دهیم، در واقع بر روی پای خود میایستیم. اگر بتوانیم اتحادیه های واقعی کارگری خودمان را ایجاد کنیم و سایر همزنجیران خود متحد شویم در واقع قدم بزرگی به جلو برداشته ایم و توانسته ایم سلاحمان را در مبارزه بر علیه سرمایه داری تیزتر کنیم. باید بدانیم که هر کارگری با بدامبارزات گذشته اش درس بگیرد و بداند که:

کارگران متحد و با تشکیلات همه چیزاند
کارگران متفرق و بی تشکیلات هیچ چیز

پس:

پیش سوی تشکل شوراهای واقعی کارگری
پیش سوی تشکل اتحادیه های واقعی کارگری
هر چه مستحکم تر با اتحاد کارگران ایران
بمنقل از ویژه نامه مبارزات کارگری در باره سود
ویژه - سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- کمیته تهران. شمار ۱۰

در باره سکتا ریسیم

برخی از رفقا ضمن طرح سؤالاتی در مورد مفهوم "سکتا ریسیم" و اینکه آیا ادعای سرخسی نیروها در مورد گراشات "سکتا ریسیم" ما زمان محبت دارد یا نه، از ما خواسته اند در این باره توضیحاتی بدهیم:

رفقا! قبل از بررسی صحت و سقم اینگونه ادعاها، بهتر است مفهوم و پیشینه سکتا ریسیم را بطور مفصل بررسی نماییم. سکتا ریسیم یا فرقه گراشچی و گروه گراشی که از نقطه نظر لغوی، از واژه "سکت" به معنی فرقه ناشی میشود، میان آنحرافهای دردیگا هبسا و عنکردهای افراد و سبزه‌هاست که ریشه آنرا باید در وضعیت سیاسی و طبقاتی آلمان جستجو نمود.

سید اشمیکم که پرولتاریا تنها طبقه‌ای است که در سطح جهانی دارای منافع واحد طبقه‌ای بوده و هیچگونه مرزهای ملی گراشی (لوکا لیسیم) ملی گرایشی (ناسیونالیسم) و فرقه‌گرایشی (سکتا ریسیم) و... این منافع طبقه‌ای را نمی‌تواند و نباید محدود سازد، منافعی که در عین حال در برگیرنده منافع تمام طبقات است شمار شونده‌ها را نیز فراخود می‌پوشد. اما در مقابل پرولتاریا، تمام طبقات و اقشار دیگر قرار دارند که به اندازه‌ای مختلف در بند منافع گروهی خویش هستند. سکتا ریسیم نیز از این قبیل است.

سرمایه داری مصروف است که با جناح‌های مختلف طبقه خود در یک کشور و همچنین با پرولتاریای در کشورهای دیگر برای سود بیشتر به رقابت بپردازد. از جمله این "گروه‌گرا" و "خودغرض" است. و یا هر چه پرولتاریا که برای دفاع از منافع حقیقی خود در برابر سرمایه بزرگ شدیداً دارای خطت گروه‌گراشی و خودگراشی است. اما علیرغم اینکه پرولتاریا از لحاظ پایبندی طبقه‌ای است، آیدنولوژیک خود طبقه‌ای مبراز از گروه‌گرایشی است. با حفظ تئوری پیروی از آنها چات آیدنولوژیک - سیاسی و اقتصادی پرولتاریا و اینکه تحت هاکمیت انحطاط آور و زنده می‌کنند، بناچار در درجات مختلفی به شواهد غیر پرولتاریائی نظیر سکتا ریسیم و... آلوده میگردند و روشن است که در شرایط فقدان حزب پرولتاریا در زمانی که جنبش کمونیستی فاقد وحدت آیدنولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی است،

آنحراف سکتا ریسیم و گروه‌گرایشی نیز خود را نشان خواهد داد. این، عصب نیست. (ب) اما برای اینکه دید روشن تری نسبت به سکتا ریسیم داشته باشیم، نگاهی به جنبش کمونیستی ایران کمک فراوانی میکند. در گذشته جنبش کمونیستی ایران دچار امپریونیسم "چپ" یعنی گوانگوریسم بود. در نتیجه این

روشن است که آنحرافات دیگری نظیر امپریونیسم، پرولتونیسم، تروتسکیسم و... این آنحراف پرولتاریا را پذیرای دارند.



رضایتی کرده است. ما درمان نوشته است که اعمال دختر بیگانه ریش موجب ایجاد جو کمونیستی در میان فامیل شده است و همه به معذات مشت نمونه خروار! با کمونیستها مخالفت میکنند. این ما درمان خواسته است بدانند آیا اعمال دخترش مورد تأیید ما است یا نه.

ما در عزیز: کمونیستها به هر مسئله‌ای طبقاتی برخورد کرده و از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند. از اینرو برخورد رفقا در رابطه با خانواده‌ها نشان (اگر در صفوف خلق قرار داشته باشند) باید با توجه به مسئله فوق و منطبق بر اخلاق کمونیستی باشد. ما با راه در همین صفحه به رفقای که برخورد‌های "چپ" روانه نسبت به خانواده‌ها داشته و هیچگونه حساب مسئولیتی نسبت به خانواده‌ها زحمتکش خود نداشته اند، برخورد کرده و ضرورت برخوردی آگاهانه گرانه توام با مناسبت کمونیستی را برای این رفقا توضیح داده ایم در اینجا هم از دختر بیگانه گر شما میخوانیم که همواره سعی کند با تجزیه و تحلیل درست مسائل، در اینگونه موارد نقض عنصر آگاه (ونه برخورد از بالا) را بازی کند. فراموش نباید کرد که خانواده‌های زحمتکش ما نیز در صفوف خلقند و چگونگی برخورد ما به آنها غالباً معیار رفقا و نشان در مورد کمونیستها خواهد بود. بنا بر این باید نسبت به این مسئله و تا شیری که در محیط زندگی خود با ما میگذارد، بسیار مسئولانه برخورد کنیم.

و اما ما در گرامی، از تونیوا انتظار داریم که اولاً شرایط سنی و روحی دخترت را در نظر گرفته و با ریش شما یکی که مشکلاتش را حل کند. تا نسبتاً تونه تنها نباید جلوی آگاه شدن دختر کوچکتر را بگیرد، بلکه میبایست با نزدیکتر شدن هر چه بیشتر با دختران مبارزت و کمک بکند تا سحر خود کمونیستی حاکم بر فامیل غلبه کند و اگر همه منظور که در نامه‌ها نوشته بودی طرفدار کمونیستها هستی، میبایست سهم خود در تبلیغ آن بکوشی و در ضمن آگاهی‌های خویش را نیز با ما افزایش دهی.

به امید موفقیت و پیروزی!

ما در بررقایی که برای ما نامه نوشتند: ۴۰۴، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۵، ۳۸۴، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۶، ۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۵، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۰.

آنحراف، روشنفکران جدا از توده خود را نماینده پرولتاریا می‌دانستند، بجای آگاه نمودن و سازماندهی توده‌ها و در رأس آنها طبقه کارگر در مقابل بورژوازی و امپریالیسم، فقط ترفه معدود و کوچک خود را میدیدند و سکتا ریسیم بعنوان یکی از تئپلورات این آنحراف‌ها می‌گردیدند. شکل نشان دادن بزجم‌فدایی بجای پرچم کمونیسم، معادل گرفتن یک تشکیلات معدود و روشنفکری با تشکیلات سراسری و واحد طبقه کارگر و... نشان میداد و هنوز هم چنین افکاری در سازمان‌ها همان جریانات (فداشیمان اقلیت) خود را بد نمایش میگذارد.

پس از قیام، متقابلاً و به میزان زیاد، گراشات راست‌روانه و انحلال طلبانه رواج یافت که تئپلور مشخص خود را در کنفرانس وحدت پرور داد. بنا بر این تنها دیگر هرگونه تبلیغ سرنام و مضمی سازمان‌های گروهی و با فشاری بر اصول تحت عنوان سکتا ریسیم کوبیده میشد و هر شیروینی (تعلیم و تربیت از همه‌سازمان‌ها) که میخواست بد چنین ترفه‌های انحلال طلبانه‌ای که در صدد تریاسی نبودن اصول بود اعتناء نکند، سکتا ریسیم و ضرورت خود را ندیده میشد. و فداشیمان کنفرانس وحدت و تشکیلات دوران گذار را با بد در زیره این نشان قرار داد. ضمیمه دیگر آنها ما هستیم که از سوی طرفداران تئپلورهای "دانشجویان مبارز" به سازمان ما وارد میشدند تا درستی آن را با رفقا و با رفقا در اسناد سازمانی (آرا) شده‌اند. ایم و تجربه این دو ساله نیز میبایست تا درستی این تئپلور برای بسیاری از گروه‌های طرفدار آن روشن ساخته باشد. برخورد سازمانی چپ‌پس‌مشی چریکی و چپ‌پس‌گراش و وحدت و تشکیلات دوران گذار نشان دهنده اینست که روند عمومی و حرکت کلی سازمان به چنین شاخه‌های غیر پرولتاریائی گرا شده است.

رابطه لازم است تمیز از اینکه به طوهرام و برچسب‌هایی که امروزه زده میشد توجه نماید به عمق ترفه‌های که در پشت این "ایک" ها نهفته است. و بی‌شک به ما بتدوین ریشی و عملگردهایی این شیروها توجه نماید و شجره‌ها قبل دو ساله اخیر را در نظر آورند. فقط پس از این هفت است که می‌توان برخوردی اصولی و پس‌گراشانه نسبت به ضعف‌های سازمان داشت.

ما در عزیزان سیمنا، طی یک نامه از اینکه در دفتر بزرگش که از هواداران سازمان است، به مسائل و مشکلات خانواده توجه نمی‌کند و متأسفانه مجبور از نظرها زودتر به خانه شمعید. ما بر اثرنا -



دوست کوچکمان "آنا هیتا" طی نامه ای بسیرای سازمان نوشته است:

"سلام: من دلم میخواهد در راه هیما شیی کمونیستها شرکت کنم، ولی هر چه به خواهران و برادران خود میگویم هیچ کس مرا به راه هیما شیی ها و جاهای فعالیت کمونیستها... نمی آورد سازمان پیکا را زما شعا فا میکنند کاری کنید که من هم در فعالیتها شرکت کنم. برای من مهم نیست که مرا بگیرند و یا زخمی کنند و یا بکشند. برای من مهم اینست که اگر من هم کشته شدم برای مردم آینده حکومت کاری باشد. من تا میتوانم تا آخرین قطره خونم را برای زحمتکشان قدامیکنم. آنا هیتا دوم دبستان"

رفیق عزیز! نامه تو که در آن روحیه مبارزاتی و نزدیکی به کمونیستها موج میزند، نشانگر رشد و نفوذ کمونیستهاست آری امروزه رشد مبارزه طبقاتی در جامعه ما به چنان درجه ای رسیده است که همه نیروهای اجتماعی حتی کودکان را وارد این موضوع می کند. ما نمی - دانیم که خواهران و برادران تو کمونیست هستند یا نه. اگر بودند که حتما میبایست تو را نیز بسا فعالیت های گوناگون کمونیستها آشنا کنند و به تظاهرات، بحث های خیابانی، سرکسپات کتابفروشی ها و... ببردند اگر منبانشد تو به یاد دوستان بزرگترت کمک بگیري!

رفیق کارگر از "و" ساعتی را که در حین تظاهرات پیدا کرده بودی رسید، ولی متأسفانه به علت عدم مکانات نمی توانیم آنرا بدست ما حبش برسانیم. موفق باشی!

رفقای "هسته ثلاث" یادنا ما را لیتان رسید و در دست تکمیل جهت انتشار است. ضمن تشکر از این اقدام مبارز، برایتان موفقیت آرزو میکنیم.

رفیق رب - زان تهران نامه ات رسید و ما نامه تو را به رفیق مورد نظرت رسانده ایم و از وی خواسته ایم که تو را ببیند.

بقیه از صفحه ۱۴ **زمنندگان**

رویز یونستی پیش دارد (کمرنگ بنما بند آنگاه با بدگفت رفقا قدرخواهند بود، صوف خویش را کلا از اندیشه ها و پیرایه های غیر - پروتستی بزدا پند و آنگاه با بد علام داشت که تحفه اپورتونیستها ناز و اوبه ای ما رکستی بلکه از اوبه ای سانتیستی صورت گرفته است که اگر چه با تصفیه قاطع مکانیکی اپورتونیستها توام بوده اما ملحت کراتی و آشتی طلبی مانع از آن گشت که تصفیه قاطعی در عرصه اندیشه و ایدئولوژی با اپورتونیسم صورت گیرد.

جریان انقلابی موجود در زمینندگان که با مقاومت در مقابل اپورتونیستها و اخراج آنها

بقیه از صفحه ۱۶ **مصاحبه**

ابزار و آلات جنگی را در گوشه ای جمع میکنند و آنها را به نمایش میگذارند.

- برای انجام مصاحبه در مناطق جنگی، همیشه تدارکاتی انجام میگیرند که جواب دلخواه گرفته شود. از جمله این تدارکات، انتخاب نفراتی از قبل با شناسائی کامل برای مصاحبه توجیهی، آماده شوندگان که در پاسخ سوالات مشخص جوابهای از پیش آماده شده ای بدهند. در مواردی اینکار توسط فرماندهان نظامی انجام می - پذیرد و یا اینکار را با انجام مصاحبه با فرماندهان در بین پرسنل انجام میدهد تا پرسنل بدانند که چه چیزی را باید بگویند.

با تمام دلگشا ریها، باز هم اگر کسی جواب دلخواه رژیم را ندهد به خط اول جبهه فرستاده میشود تا دیگران متوجه شوند که چه باید بگویند. به اصطلاح درس عبرت بگیرند.

به نقل از ۲۲ بهمن (شماره ۱) نشریه کارکنان مبارزان دیوتلوپزیون.

بقیه از صفحه ۱۱ **زنده باد**

خلق مبارز و کارگران و زحمتکشان انقلابی!

در شرایطی که پیکا رگران قهرمان و سایر انقلابیون کمونیست تحت سخت ترین شرایط و با دادن صدها شهید و زندانی در سراسر ایران مشغول مبارزه اند و در شرایطی که توهم توده ها هر روز و هر روز نسبت به جریا نهایی خدا انقلابی فرو میریزد، بالاخره در چنین شرایطی که بطرز چشمگیری توهم زحمتکشان کردستان نیز نسبت به حزب دمکرات فرو میریزد، "حزب" از ترس انقلاب، مبارزین را به شهادت میرساند و توهمت پیگرد و شکنجه قرار میدهد و در واقع با تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب دمکراتیک ایران میشود.

با تمام قوا بگوئیم که از امانت این سیاست - های حزب دمکرات جلوگیری نمائیم. تنها و تنها دست توانای کارگران و زحمتکشان و اتحاد انقلابی آنان قادر به جلوگیری از اینگونه سیاستها است. درود بر شهدای به خون غشته خلق! ننگ و شرف بر رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و توطئه های خدا انقلاب علیه نیروهای انقلابی!

هر چه گسترده تر با دهبوند مبارزاتی خلق کرد با مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران!

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۱۲/۹
سازمان زمینندگان آزادی طبقه کارگر - کردستان

و تصحیح بسیاری از مواضع پیشین نشان داد که از پتانسیل انقلابی کمونیستی برخوردار است خود نوید بخش آن است که رفقا راه اول را در پیش گیرند.

بقیه از صفحه ۱۵ **گلوله**

وقتی میتوانیم سود ویژه درخواستی خودمان را بگیریم که متحد باشیم، ما با بیستی صدای حق - طلبانه خود را به گوش همه کارگران شرکتها و کارخانه های دیگر برسانیم. تا آنها هم مبارزه بحق ما پشتیبانی نمایند. مبارزه ما باید بطوری باشد که هر چه بیشتر ما را متحد کند. ما با بیستی با راهیما شیی سراسری خود تمسک کارگران را یکمدا کنیم تا فریاد مبارزه جویانه و افشاگرانه کارگران متحدیست طبقه سرمایه دار را ببلرزاند!

مرگ بر طبقه سرمایه دار روحا میان آنها! سود ویژه مورد درخواست ما پرداخت باید گردد!

نماینده زندانی آزادی بدگردد!

با سدارحای سرمایه دار را زکا رخانه اخراج باید گردد!

پیکا رگران کفش سازی

۱۳۵۹/۱۲/۱۵
★★★

بقیه از صفحه ۸ **جنایتی**

و مبارزه مان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی با ز دارد. و این وحشیگری تنها رسوایی افشای هر چه بیشتر جزیرا بدنیال خواهد داشت مردمیکه نسبت به حزب توهم دارند اکنون دیگر در میابند که حزب دمکرات بیش از آنکه دشمنی و مبارزه اش بسا رژیم جمهوری اسلامی باشد با نیروهای انقلابی است و به همین دلیل مرتباً به رژیم پیشنهاد مذاکره میدهد اما به نیروهای انقلابی اعلان جنگ میدهد.

مانیکار دیگر با امرا روتا کید بر نظرات و مبارزات - مان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی هر گونه تعرض و تهاجم علیه نیروهای انقلابی و از جمله حمله وحشیانه در پیروا فراد صلح حزب دمکرات را به مقبره زمان پیکا در بوکان قاطعانه محکوم نموده و خواهان اجرای موارد زیر میباشیم:

الف - تحویل فوری جنازه شهدایمان.

ب - زیرا نگهداری جنازه شهدا را حتی در رابطه با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هم ندیده ایم.

ب - آزادی رفقای دربند که اکنون بعنوان زندانیان سیاسی انقلابی در زندان حزب دمکرات بسر میبرند.

ج - آزادی اموال سازمانی که جزو اموال زحمتکشان و طبقه کارگران است.

هر چه رسوا تر با توطئه های خدا انقلابی و خائنان حزب دمکرات بر علیه نیروهای مترقی هر چه فشرده تر با صفوف زحمتکشان و نیروهای انقلابی

پرتوان با جنبش مقاومت خلق کرد سازمان پیکا در راه آزادی طبقه کارگر کمیته کردستان

۱۳۵۹/۱۲/۸

بسمه از صفحه ۲

داد. حزب دمکرات که پس از یک دوره تلاش غاثنان برای بسازش کثاندن جنبش خلق کرد، از طریق سازش با محافل حکومتی، بدلیل سرخستی جناح حزب جمهوری، به بن بست رسیده بود، به تکتیک گسترش درگیری خود با رژیم روی آورد و کوشید تا از این طریق، اورا بسای سازش براساس خواستها و تمایلات فدا انقلابی خویش، و در واقع شکست جنبش انقلابی کردستان بکشاند. حزب اکتون مترعد آن است که به شکل ممکن، با استفاده از تاکتیکهای مختلف، توجه محافل حکومتی بویو لیبرالها را بسمت خویش جلب نماید و به پسی این سازش تاریخی برود.

درواقع پس از انشعاب رویزونیستی درون حزب و یکپارچگی ایدئولوژیک و سیاسی بیشتر در دستگاه رهبری آن و به موازات مستگیری سیاسی حزب در عرصه روابط خارجی بسمت محافل غربی، در عرصه روابط داخلی با احزاب و محافل حکومتی نیز هر چند بشکل تلویحی و ضمنی، جانب لیبرالها را می گیرد، ولیبرالها نیز متقابلا تمایلانی ضمنی بسمت سازش با حزب از خود نشان میدهند. ممانعها غیرقاسلوبا لومونده که در آن آشکارا از بسنی مدد دفاع میکند و اورا متمایل به "حل" مسئله کردستان جلوه گرمیسا زد، مذاکرات مدتی پیش میان نما بیندگان حزب و بسنی مدرک در ستون "پادداشتهای رئیس جمهور" در روزنامه انقلاب اسلامی "منعکس شد و این امر مخالفت و جاور و جنجال زیادی را از جانب حزب جمهوری برانگیخت، حمله چند روز گذشته یکی از نمایندگان "حزبی" مجلس به بسنی مدد و ارتش و متهم کردن آنها به ایجاد دیک کودتا، تحت حمایت حزب دمکرات و نمونه های از این مستگیری متقابل میان حزب و لیبرالهاست. حمایت تلویحی و تالیف با رما هدین از حزب دمکرات در ممانعهای با قاسلو، با توجه به مستگیری سیاسی مجاهدین بسوی لیبرالها نیز خود جلوه های دیگر از این مستگیری حزب و قطب بندی جدید در میان نیروهای سیاسی است.

این سیاستها و حرکات حزب دمکرات که اکنون در همه عرصه ها بطور یکدست خود را بنمایش میگذارد، بروشنی میتوان دخالت ناسیونالیسم گنبدیده و فدا انقلابی و ما هیت بورژوا - فدا انقلابی آنرا در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی در کردستان و کل ایران، نمایان سازد. حرکت حزب دمکرات در همین مدت کوتاه، علیرغم هرگونه ضدیتی بسا رژیم جمهوری اسلامی، هیچ نشانی از هرگونه عنصر ترقی خواهی در حزب باقی نمیگذارد و جا بجا و اقمی آن را در جنبه فدا انقلاب بخوبی نشان میدهد. پراگما تبسم بورژواشی حزب دمکرات که هر روز اورا به آغوش یکی از محافل قطبهای فدا انقلابی در کشور و در سطح منطقه میکشاند، بروشنی نشان میدهد که حزب دمکرات متکی بر جنبش خلق گرد نبوده و جا بجا هی در این جنبش نمیتواند داشته باشد، او نماینده ناسیونالیسم میان تھی و گنبدیده بورژوازی ضعیف البسهای

است که با از میان رفته است و با در سیستم سرما به داری و وابسته ایران مستعمل گشته و بدان پیوند خورده است. تنها زمان میخواست تا جوهر فدا انقلابی این ناسیونالیسم گنبدیده و خالی از هرگونه عنصر ترقی خواهی، در جلو دیدگان پراگما تبستی کما نیکه تحلیل از حزب را برپا به حامل جمع مکاشنکی نمودهای حرکت حزب، استوار میکردند و بدان غفلت ترقیسی - خواهانه می بخشیدند، عربیان و آشکارا زد.

بدین ترتیب هم جریان عمومی رشد مبارزه طبقاتی در کردستان و هم برنوشت آئینده (نزدیک یا دور) تفادهای درونی ارتجاع حاکم، تا شسر مستقیم و بسی واسطه ای در حرکت حزب دمکرات در کردستان دارد. تا آنجا که به شرایط عینی مبارزه توده ها بازمیگردد، تعمیق بیشتر غفلت طبقاتی مبارزه خلق کرد، حزب دمکرات را هر چه بیشتر در سراشیب انفرادی زیکسو تشدید حرکات فدا انقلابی و مخرب آن در برابر خلق کرد و نیروهای انقلابی از سوی دیگر و امیدارد. در رابطه با تفادهای درونی هیئت حاکمه نیز، هر تفسیری بنفع لیبرالها در صورت ممکن، (حتی اگر بصورت تحمیل سیاست لیبرالها بر حزب در رابطه با کردستان، براساس تناسب قوای فعلی درون رژیم باشد)، حزب را بیشتر بسمت سازش تاریخی و خیانت به خلق کرد و نزدیکی به حکومت و قرار گرفتن در برابر جنبش خلق کرد سوق میدهد.

چنین چشم اندازی در روند آتی جنبش کردستان، با توجه به نقش و اهمیت که حزب بطور کلی و از همه جهات در کردستان دارد و نیز با توجه به ضعف شرایط ذهنی توده ها و سطح نازل آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان نسبت به سطح شرایط عینی مبارزه، بیش از پیش حاسیست سیاستها و حرکات حزب دمکرات و غطرات ناشی از آن را در تضعیف جنبش خلق کرد و تقویت ارتجاع حاکم نشان میدهد، خطراتی که با یدمورد توجه عمیق و مسئولانه همه نیروهای انقلابی در کردستان و در سرا بر ایران قرار گیرد.

حزب دمکرات، بسما به یک نیروی بورژوا - فدا انقلابی، با اتکاء به نیروی توهم توده های خلق کرد و متکی بر دستگاه نظامی و اداری خویش در کردستان، هم اکنون به مهمترین خطر برای جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است، خطری که اگر چنانچه به موقع از جانب نیروهای انقلابی در کردستان، مورد توجه قرار نگیرد، میتواند ضریبات جبران ناپذیری بر جنبش انقلابی خلق کرد، وارد آورد و صفوف آنرا حداقل در یک مرحله دچار تلاشی نماید. تصویر آن لحظه که حزب دمکرات با رفتن بسیز پرچم سازش بسا حکومت، به زاندار رژیم در کردستان تبدیل شود و دستگاه اداری - جنگی اش را بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی بکار اندازد، تصور خیالی و دور از ذهن نیست. روند تشدید حرکات فدا انقلابی اخیر حزب را تنها با ید در پرتو این خطر عمومی مورد توجه و تحلیل قرار داد، حمله حزب دمکرات به سازمان ما، حمله ای منفرد و

مختص سازمان ما نیست، بلکه حمله ایست به کل دستا وردهای جنبش خلق کرد و حلقه ایست از زنجیر حوادتی که همچنان ادا مدها رد و در آن حزب دمکرات، هر چه بیشتر به نیروی تخریب کننده جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل میشود و بدست امروز حزب با سازمان ما، ضدیت فردا با کومه و ضدیت بسین فردا با کل جنبش انقلابی کردستان خواهد بود.

تردیدی نیست که حزب دمکرات، بسما به یک حزب سیاسی فدا انقلابی، نه تنها نباید به جنبش انقلابی کردستان جذب شود، بلکه با عکس با ید منفرد و طرد گردد. اذهان ساده لوحی که با گشتن بدنبال "عنصر ترقی خواهی" در حزب دمکرات، در پی جذب آن به جنبش هستند، نقش دنباله روی را با ید در کردستان و در سرا بر نقاط ایران، بسا افشای سیاستهای فدا انقلابی دم فروش، مفید نمود و توطئه های آتی و آتی اورا بر علیه جنبش کردستان، بنشی نمود. با ید بسا بر آنداختن تبلیغات افشاگرانه وسیع، حزب را از زیر خالی نمود و توده های نا آگاه و مبارزی را که بگرد حزب جمع شده اند، از بسیرا مونس پراکنده ساخت و بسمت نیروهای انقلابی و بحول خط مشی پیگیر پرولتری جذب نمود. هرگونه مماشات با حزب و سکوت در برابر حرکات و سیاستهای فدا انقلابی آن، جز به زیان جنبش خلق کرد و تشدید سیاستهای تخریبی حزب دمکرات نخواهد بود. شکی نیست که شکستن این سکوت، بمعنای رودررویی مستقیم نظامی با حزب دمکرات نبوده و نمیتواند هم باشد. دشمن اصلی خلق کرد، همچنانکه با سر خلقها، همچنان رژیم ارتجاعی حاکم است که اکنون به سرکوب منظم جنبش خلق کرد مشغول است نقش اصلی حزب دمکرات در این میان، به سازش کثاندن جنبش خلق کرد با فدا انقلاب حاکم است. و درست از همین نقطه است که با ید به افشای حزب در نزد توده ها بر خاست و براساس آن، چشم انداز محتمل تبدیل حزب را به زاشده ای از دستگاه سرکوب فدا انقلاب حاکم در نزد خلق کرد تصویر نمود. و آگاهی سیاسی - طبقاتی آنان را فزونی بخشید. هرگونه عکس العمل انعکاسی در برابر عملیات جنا پتکارانه حزب از جانب نیروهای انقلابی، در شکل عمل متقابل، حرکتی است آنا ریشمستی که تنها به تضعیف جنبش خلق کرد برای خواهد رساند. اما نیروهای انقلابی میتوانند و با ید در برابر هر حمله فدا انقلابی حزب بدفاع مشروع و انقلابی از خود، برسینند و این دفاع مشروع و انقلابی را با ید به سکوی برای افزایش آگاهی توده ها و خنثی کردن توطئه های فدا انقلابی "حزب" تبدیل نمایند. آنچه که اکنون برای نیروهای انقلابی کردستان مطرح است، به انفراد کثاندن حزب دمکرات در میان خلق کرد و ضربه زدن به پایگاه سیاسی آتی و محتمل بورژوازی حاکم ایران در کردستان، از طریق این حزب میباشد. بدون تردید، افشای سیاست



«ملاحظات کوتاه»

"سود ویژه" طاغوتی است!

این رژیم که سرسرا را مدعرجز "طاغوتی" را که بنفخش بودگفت خوب است و به این ترتیب ارتش، یک شبه اسلامی شد و واجب الاطاعت. ما لیا تنها خوب بود ما اند، اما ملک زمینداران هم محترم بود ما ندر ما به اداری وابسته عمنسوان کسب حلال را بخود گرفت و گران روز افزون هم کسی نتوانست دستی به ترکیبش بزند! بنها همه تطهیر شدند و اسلامی، اما سرکوب کارگران و خلقهای زحمتکش هم لازم شد. کمونیستها و انقلابیون هم که در زندان و شکنجه و تحت تعقیب و در معرض اعدام بودند ایندفعه، بعنوان "سر - کوب کفار"، "واجب القتل" شمرده شدند. تمام این کارهای "طاغوتی"، با پوشیدن سریع ردای مسلمانان از طاغوتی بودن در آمدند مگر این "سود ویژه"! آخر سود ویژه قسمتی از حق کارگران بود که آنها بزور زجنگ رژیم شاه بیرون کشیده بودند ولی چون بالاخره از حجب سرما به داران گرفته میشد و به کارگران میرسد و نتوانست خود را با منافع سرما به داران تطبیق دهد همچنان طاغوتی مانده و جاره ای نبود جز اینکه حذف شود! تا نوبت سرما به داران بوده هیچ قابل توجه و تطهیر نبود ولی نوبت کارگران که رسید "سما ن تهید!"

★★★

خیمه شب بازی در امدجیه!

"لیبرال پوسیده" ها بالاخره بخود جراتی دادند و پنجمین ۲ اسفند جمعی از هم طبقه وهم فکرا نشان را گرد خود جمع کردند تا با شنیدن شعار مضحکی مثل "با زرگان جریک پیرا بران" دلی از عذار آوردند. سحای بر سر رقبای حزبی منت گذاشت که "ما اهل ستیز نیستیم" (سر منکرش لعنت! شما کی اهل ستیز با آنها بودید؟) و با زرگان با ژست معمولی قهقهه خا خا - ایش به توحیه "افتخارات" نهصت آزادی برداخت و بخصوص جا پولوسا نه بر "ارادت به امام زمانیکه ایشان در نجف بودند" تکیه کرد و نگفت که از سال ۴۶ تا ۵۶ و بعد از آن چه سرسرا کارگران کارخانه برفومیا ورده و چگونه از خون بیدریغ سیستم سرما به داری وابسته و رونق طاغوتی آن متنعم بوده و "شکر خدای" را بجای میا ورده است. با زرگان به توحیه تماس با آمریکا شنیا هم برداخت و گفت که همان تماس ها منجر به رفتن شاه شد! زهی بشیرمی! بزدی وصبا غیان هم کوشیدند با کرد و خاک کردن علیه حزب پرده ساتی بر عربیانی خود بیاندازند! غافل از اینکه توده ها چشم دارند! درحاشیه این خیمه شب بازی

که چگونه حزبی که مسئولین و افراد آن مغول وار مفرسا زمان ما را مسلحانه مورد حمله قرار میدهد، حزبی که مبارزین راه استقلال و دمکراسی واقعی را به گلوله میبندد و حتی سرازتن آنها جدا می - کند حزبی که دهها غیانت در قبال دیگر نیروها و توده های زحمتکش انجام داده است میتوانست مورد حمایت ما زمان ما هدین باشد. رهبری ما هدین نمی توانست سکوت کند.

همه نیروهای انقلابی و بویژه انقلابیون کمونیست با بدست خویشت را در برابر حرکتی که از جانب حزب در حال گسترش و اوچگیری است احساس نمایند و به مقابله اصولی با آن برخیزند این احساس و مبارزه اصولی، تنها مان محدود کردن ویا جلوگیری از زیانهای ناشی از سیاست - های ضد انقلابی حزب دمکرات برجانبش خلق کرد و در مقیاس وسیعتر، برجانبش انقلابی ایران است بکوشیم تا این رسالت را با هوشیاری انقلابی با سخگوباشیم. اما راه سرخ شهدای کردستان و شهدای اخیر ما در گرو انجام این رسالت است.

تفتیش عقاید و توطئه برای پایمال کردن حقوق زنان

این مرتجعین در "کالا" بودن زن شک ندارند و فقط میپرسند: "به چه دلیل زن را کالا میدانند؟" این مرتجعین حیوان صفت تردید دارند که "آیا زن نقش یک انسان را بازی می - کند؟" رژیمی که حافظ سرما به داری وابسته است و تحت لوای فریبکارانه "حمایت از مستضعفین" به دفاع از منافع سرما به مشغول است نمیتواند زن را کالا نداند. این "انسان" های مرتجع طبیعی است که بغا طرما هیت طبقاتی ایشان در "انسان" بودن زنان شک و تردید داشته باشند. آنها از مبارزه طبقاتی زحمتکشان که نیمی از با آن بدوش زنان مبارزها معاست هراس دارند. آنها با حرکت از دید بنفایت عقب مانده - شان که ارثیه فرهنگ امپریالیستی و فرهنگ فئودالی قرون وسطی است وجود زن را در "کالا" بودن، "آزادیهای جنسی"، "کانون زنا شویی" و... خلاصه میکنند چرا که میدانند زنان زحمتکش و مبارزمیمن ما در جنبش اعتلاشی زحمتکشان ایران سهیم بوده و با شرکت فعال در کلیه حرکتیهای اجتماعی - سیاسی ضربات مهلک بر زندگی بسوسیده رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وارد میآورند.

اما، تلاش سردمداران رژیم کوششی عبث است. این گونه تفتیش عقاید بقرون وسطائی که بخشی از سیاستهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هیچگونه کمکی به ارتجاع حاکم در برداشتن سد مبارزات توده ها از پیش پای خود نخواهد کرد و نتیجه ای جز افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

انحرافی آن نیروهای بورژوا دمکراتی (مانند مجاهدین) را که اکنون دنیا له رولینبرالها شده - اند و در همین راستا به حمایت از حزب دمکرات برخاسته اند، گام مهمی در این جهت خواهد بود. ما زمان ما هدین خلق که اکنون چنین سیاستی را پیش گرفته است جز به ضربه زدن به جنبش انقلابی کردستان کاری انجام نمیدهد. حزب دمکرات که اکنون هر چه بیشتر به انفرادگشا نده میشود میکوشد با جلب حمایت نیروهای متزلزلی چون مجاهدین، بهایگاه اجتماعی خویش را از گزند حوادث محفوظ دارد و این نیروها را به پلکانی برای حرکات آتی خود تبدیل کند. بهمین جهت مبارزه با سیاست مجاهدین خلق ویا نیروهای که کما بیش در چنین راستائی بحرکت مشغولند، گامی است در جهت به انفرادگشا ندن و افشای هر چه بیشتر حزب دمکرات در کردستان.

امروز مجاهدین در قبال این جنایات سکوت کرده اند اما مجاهدین باید به توده های هوادار خود و دیگر نیروهای انقلابی توضیح دهند

اخیرا یک سری سوالات در میان کارکنان زن شرکت معابرات پخش شد و از آن خواسته شد است با قید مشخصات کامل خود (!) به آنها جواب دهند. آنچه که در این باصلاح "نظرخواهی" مورد نظر رژیم جمهوری اسلامی میباشد چیزی جز تفتیش عقاید و شناسائی طرز فکر کارکنان نیست و این امر نمیتواند بی ارتباط با محدودیتهای شفلی برای زنان باشد. علاوه بر این سوالات طرح شده نشان دهنده بینش بنفایت ارتجاعی و عقب مانده سردمداران رژیم در برخورد به زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند می - باشد.

سردمداران "مکتبی" رژیم ارتجاعی حاکم از زنان کارمند پرسیده اند: "حجاب چه مفهومی دارد؟"، "تا چه حد آزادیهای جنسی را جایز میدانند؟"، "آیا زن نقش یک انسان را بازی میکند؟" آیا به تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارید؟"، "فعالیت زن در اجتماع به کانون زنا شویی مدمه میزند؟"، "به چه دلیل زن را کالا میدانید؟" و... و با طرح آنها قصد اصلی خود را از آنجا چنین روشهای ارتجاعی که محدود کردن فعالیت اجتماعی زنان است افشا کرده اند. رژیم با طرح چنین سوالاتی دنبال بهانه و به عبارتی دیگر "مدرک کتبی" با خط و امضای کارکنان میگردد تا آنها را از کار برکنار کند. در پشت این سیاست، بینشی ارتجاعی نیست - خوا بیده است که با بدبای افشای آن چهره فریب - کارانه سردمداران رژیم را که در اشرافش رتوده - ها و زوری ناچاری ظاهر آنرا از حقوق انسانی تساوی بین زن و مرد حرف میزند، بیش از پیش برای توده ها نمایانند.

”شیطان بزرگ“ سر لطف آمده است!!

ارسال اسلحه به ایران توسط امپریالیسم آمریکا
از سر گرفته شد .

رژیم مزدور شاه، در آخرین سالهای حیات نتگیش تعدادی هواپیمای بسیار پیشرفته ”اف-۳“ از آمریکا خریداری کرده بود که به علت تفسیر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و قیام توده های خلق، یک فروند آن به توفیق افتاده بود. بدینال آزادی مفتوحانه گروگانها - امپریالیسم آمریکا با تحویل این هواپیمای موقت کرده است و یک هیئت فنی ۱۷ نفری برای تحویل آن به اسپانیا میروند (اسپان هواپیمادریکی از باگاههای آمریکا اسپانیا گداری میشود علاوه بر هواپیمای ”اف ۱۴“ فوق، دونوع از موثک های ”هوا به هوا“ (مخصوص هواپیماهای اف ۱۴) بناهای ”OH“ نیز - بناهای ”Aim 7F“، ”Aim 9H“ نیز - توسط امپریالیستهای آمریکا، تقدیم رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد.

ورود هواپیما و سلاح های مجهز آمریکا شی به ایران سرکلیه ادعاهای بوج ”فدا مبریا - لیستی“ رژیم جمهوری اسلامی و رجخوانی های بی محتوای سردمداران رژیم علیه امپریالیسم آمریکا (که برای فریب توده های زحمتکش صورت میگردد) خط بطلان میکشد.

ارسال تسلیحات پیشرفته آمریکا شی به ایران یک بار دیگر درستی گفته ها و ارزیابی های کمونیستهای پیگیر اثبات میکنند که بیان کردند: آزادی گروگانهای آمریکا شی، مقدمه ای برکسرش وابستگی برامپریالیسم آمریکا است!

باز هم کودتاچیان آزاد و انقلابیون زندانی میشوند

به دو خبر زیر توجه کنید:

”۱۰ تن از هواداران سازمان بیکار، در آمل محکوم شدند“
”۱۰ نفر از کودتاچیان آزاد شدند“
میزان ۱۲ اسفند ۵۹

رژیم جمهوری اسلامی ده انقلابی کمونیست را بحرم شرکت در نظاهرات بزرگداشت قیام بهمین در شهر آمل به ۱/۵ الی ۲ سال زندان محکوم مینماید و همزمان ۱۰ کودتاچی دیگر را که در تابستان گذشته بنا بگفته خود رژیم در ”کودتای نا فرجام“ آمریکا شی ”دست داشتند“ آزاد مینماید. رژیم جمهوری اسلامی از یک سوانقلابیون و کمونیست ها را ”آمریکا شی“ مینامد و به زندان و شکنجه میکشد و تیرباران مینماید و از سوی دیگر گمانش را که در کودتای ”آمریکا شی“ شرکت

لیبرالها...

بقیه از صفحه ۳۲
دست زده و در اطلاع خود از حزب منحوس ”صحبت کرده و در برخورد به چاقا را با کتایه به بهشتی ها، میگوید: چاقا قدران ”فرستاده همان امثال پینوشه هستند“

بدین ترتیب میبینیم که چگونه فادهای دوجناح ارتجاعی بطرز صریح، آنکارا و عربیانی خود نمائی می کنند. این شیوه برخورد با این صراحت نشا نگیر آنستکه فادهای دوجناح همچنان به رشد خود ادامه خواهند داد؛ ما پرواضح است که این تضادها بر اساس منافع مرتجعانه ای استوار است و بهیچوجه دارای ماهیتی مترقیانه نمی باشد. رویزونیستهای خروشچینی وطنی به تضاد و نگرانی های حزبها ماهیتی مترقی میبخشدند تا نوکری خود را توجیه کنند و ما هدین نیز عملاً با حمایت بی دریغ خود از لیبرالهای مرتجع و سازش با آنها، به حرکت لیبرالها ماهیتی مترقیانه میبخشدند، حال آنکه از نظر ما کمونیستها این تضادها ناظر بر تضادهای دویخ از ب-ورژوازی بوده و شعرا و مومضگیریهی فوق انعکاس این تضادهای ضد انقلابی میباشد. این شعرا ناظر بر خواست عمیق زحمتکشان جامعه ما نیست. این شعرا نه از زاویه انقلاب با که از زاویه رقابت دویخ از هیات حاکمه ایران مطرح است. طبقه کارگر شعراهای مستقل خود را در شعراهای که انعکاسی از تضاد کارگران و سایر توده های ستمدیده با کل رژیم بورژوازی ایران میباشد

دوم - با تعرضی که لیبرالها و بطور مشخص بنی صدر علیه حزبها نمود و با رسوا تر شدن حزب لیبرالهای خاش امتیازات بزرگی بدست آوردند. آنها توانستند از طریق تضعیف حریف موقعیت قدرت را در اذهان توده های کنده شده از حزب، ما همچنان متوهم به لیبرالها، تقویت نمایند. بنی صدر کارچنین وانمود ساخت که او ”بزرگترین افشاگر حزب“ است و او است که ”مدافع واقعی آزادی“ است. اما آیا این حقیقت دارد؟ تمام نشریات نیروهای کمونیستی را ورق بزنید تا ببینید افشاگر واقعی و انقلابی کیست و چگونه جنایات و جنایتهای تمامی جناحهای رژیم از حزبها تا لیبرالها و از خمینی تا بنی صدر و بهشتی را افشا کرده اند. بیشتر از هر کس این کمونیستها بودند که دستان غرقه در خون حزبها و لیبرالها را به توده ها نشان دادند. این کمونیستها بودند که دستان سازش لیبرالها و حزبها با امپریالیسم را افشا نمودند. لیبرالها فقط بعلت رشد فادهای نشان با حزبها و برای خریدن به راس قدرت و نیوز بمنظور فریب توده های خلق این ”افشاگریهای“

داشتند آزاد مینماید.

ما کمونیست ها انتظار ردگیری از چنین رژیم نداریم. رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ و گسترش روابط سرمایه داری وابسته به امپریالیستهای غارتگر و از جمله امپریالیسم آمریکا بنا زندان است و طبیعی است که گروگانهای

دم بریده را انجام میدهند. لیبرالها کجا قرار - دادهای امپریالیستی را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا تیرباران و شکنجه کارگران و کمونیست ها را افشا کرده اند؟ لیبرالها کجا سرکوب جنبش خلقها را افشا کرده اند؟ نه لیبرالها هرگز نمی توانستند به این افشاگریها بپردازند. آنان بنا به ماهیت ضد انقلابی خود تنها نمی توانستند به افشاگری انقلابی دست بزنند، بلکه خود همیشه شریک مستقیم جنایات و جنایتهای رژیم حاکم بوده اند. لیبرالهای خاش در پی ایند تا با بنان قبلی ما هدین را بیشتر بخندت گیرند و توده های خلق را بفریبند و حاکمیت مرتجعانه خود را تحکیم بخشند. لیبرالها میخواهند بر اساس قدرت بنشینند تا به شیوه خود سرما به داری وابسته را بازسازی کنند و انقلاب را سرکوب کنند. آری لیبرالها ماهیتی عوض نکرده اند. لیبرالها همچون حزبها دشمنان انقلاب، طبقه کارگر و تمامی خلقهای ایران میباشد. لیبرالها همچون حزبها همان دوستان نیکوکار رژیم شاه جلد میباشد. لیبرالها همچون حزبها متحدان با وفای امپریالیستها میباشد و کسانیکه این حقایق را بپوشا نند به انقلاب خیانت کرده اند. لیبرالها چنین وانمود میکنند که ”دوست مردم“ و ”طرفدار آزادی“ اند. اما ما بیدرید کسانیکه طرفدار سلطنت بودند، کسانیکه ارتش آریا مبری را بازسازی کردند، کسانیکه سرما به داریان خونخوار را حمایت کردند، کسانیکه فادهای انارت با امپریالیستی را حفاظت نمودند، کسانیکه در همه سرکوبها از کشتا زخلق کردتا کشتا زخلق شرکمن از تیرباران کمونیستها تا بخون کشیدن دانشگاہها دست داشتند، آری آیا چنین کسانیکه دوست مردم و طرفدار آزادی اند؟ نه هرگز هزار بار نه! لیبرالها مانند حزبها دشمن انقلابند، هستی آنان از خون کارگران و زحمتکشان سیراب شده است. لیبرالها آزادی میخواهند تا خود به چپا و لبیشتری دست بزنند.

آری طبقه کارگر هرگز فریب لیبرالهای خاش را نخواهد خورد چرا که او خود مدافع پیگیر ترین آزادی و دمکراسی میباشد. شعرا طبقه کارگر اینست که آزادی لیبرالها، آزادی دروغین است و تنها دمکراسی پرولتاریا مان پیروزی انقلاب و خواستهای توده های میلیونی است. آری طبقه کارگر شعراهای مستقل خود را در شعرا طبقه کارگر مرگ بر لیبرالها و مرگ بر حزبها است، شعرا طبقه کارگر مرگ بر بورژوازی است، شعرا طبقه کارگر زنده با انقلاب است، شعرا طبقه کارگر زنده با دوسویالیسم است!

آمریکائی را با سلام و صلوات روانه آمریکا کند از آمریکا تجهیزات و اسلحه بخرد و وارداتش را از کشورهای امپریالیستی چند برار کند... و نیز کودتاچیان مزدور را راه ساخته و بجای آنان زندانها را از انقلابیون و کمونیست ها پر

بقیه در ۳۹

جمهوری اسلامی دروغ و فساد

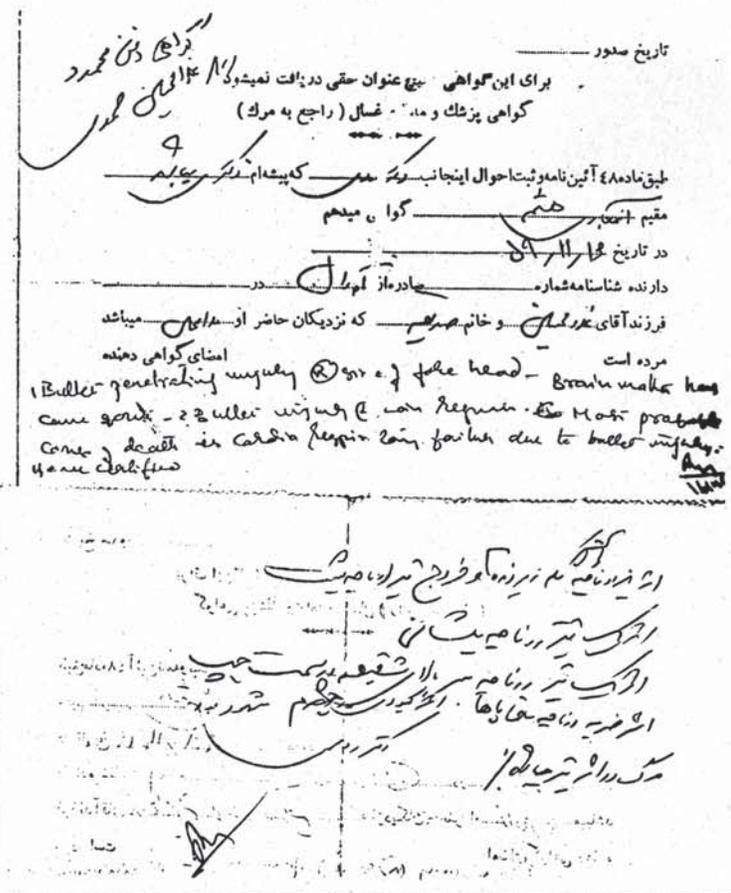
فساد و فحشا، یکی از نتایج طبیعی سلطه سرما به داری و امپریالیسم و ارتجاع است. کشورهای است و در کلیه جوامع طبقاتی که ستم و استتیا موجود دارد در کنارش فساد و فلاکت و ... را نیز بسیار مبرماورد. رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال خاکمیتش برای فریب توده ها، بیشتر مانه - ترسین تهمت ها را در زمینه فساد اخلاق و روابط زن و مرد به کمونیست ها و دیگر انقلابیون وارد آورده است. سردمداران رژیم در کنارش فساد است - سرائی ها و دروغهای گویلیزی از قبیل کشف فیلم و عکس منافی عفت و "قرص ضد حاملگی" و ... در خانه های کمونیست ها، خود را مجسمه عفت و عصمت، با یکی و تقوی جا زده و میزند. اما واقعیت چیز دیگری است در کشور ما فحشا و فساد موجود دارد و عده زیادی قربانی آن میشوند اما علت اصلی بروز چنین فجایعی وجود سرما به داری و وابسته و نفوذ امپریالیسم است و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از آن حفاظت میکند و سردمداران چنین رژیمی نمیتوانند در اندکان اخلاق و فرهنگ انقلابی با شدند و علی رغم تمام مداخلات ده های بوجشان کوس رسوائی شان به صدا در آمده است. در پیکار ۹۶ ارتجاع و زیگ روحانی به یک دختر ۱۵ ساله جنگ زده در کنارش با صحبت کردیم و در پیکار ۹۱ رسوائی فحاحت با روابط چهار پیکار با سادار "مکتبی" با خواهر "مکتبی" با سادارشان را در نوشهر آوردیم. دو خبر زیر گوشه های دیگری از "اخلاق" عوامل "مکتبی" رژیم را نشان میدهد: **اسالم (گیلان):** چند ماه پیش در آدرماه یکی از مزدوران ریاکار رژیم که از فعالین "انجمن اسلامی معلمین هشتم" و مدیر "دبیرستان وحدت" اسالم میباشد، رسوائی دیگری برای رژیم جمهوری اسلامی آفرید. این فرد که میرزائی نام دارد در آرای زن و فرزند نیز میباشد با استفاده از موقعیتش یک دختر دانش آموز را فریب داده و بخانه خود میبرد که در اطلاع همسایه اش و مراجعه با ساداران، وی را در حین ارتکاب عمل خلاف عفت دستگیر و به "سپاه پاسداران" میبرند اما با دخالت "رئیس آموزش" صادق کیا" (که خود به فساد اخلاق معروف است) و مرتضوی یکی از معلمین روحانی، جریان فبطه پیدا کرده وی را پس از تحویل به شهر با نی، آزاد مینمایند. دانش آموزان به آزادی این مدیر فاسد "مکتبی" شدیداً اعتراض میکنند. رئیس مرتجع آموزش و پرورش با حرکت از فرهنگ ارتجاعی - امپریالیستی حاکم چنین "حادثه" ای را "طبیعی" و "ناچیز" قلمداد میکند.

تهران در اوخردیماه: مزدوری، به نام "تاج فر" از کارکنان شرکت واحد توبوسرانی در حین عمل منافی با عفت با یکی از زنان کارمند در ساختمان اداره مرکزی شرکت غافلگیر میشوند. اما دست اندرکاران شرکت برای جلوگیری

دژخیمان جمهوری اسلامی رفیق شهید محمود صمدی را قبل از تیرباران بسختی شکنجه کرده بودند

بسختی شکنجه شده بود "یزنگ قانونی" علیرغم فشارها و تهدیدات سپاه پاسداران گواهی کرده است که "اثر ضرب درنا حیه ساق پاها، اثر کبودی در چشم مشهود بود". این سند، بسیار نمونه ای از شکنجه رایج در زندانهای جمهوری اسلامی است اما محمود و محمودها با پاسداری دلورانه در برابر ارتجاع زبونی زندان و شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی را در برابر آرازه شکستناپذیر کمونیست ها با رد دیگر به اثبات میرسانند درود سرتانها باد!

کمونیست پیکا رگر رفیق محمود صمدی فرزند زحمتکشان و شهید راه آزادی طبقه کارگر قبل از تیرباران در روز ۱۳ بهمن بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، ۲۷ روز در اسارت پاسداران سرما به بود. رژیم جمهوری اسلامی از کمونیست ها که آشتی ناپذیرترین دشمنان طبقاتی ارتجاع میباشند و سخت دار و دو کینه طبقاتی خود را به وحشیانه ترین روشها به نمایش میگذازد. رفیق محمود در مدت اسارت در زندان جمهوری اسلامی



اردبیل، چندی پیش یک دختر عضو "بسج" در ارتداد شدن روابط نامشروع با "فاطمی" رئیس مرتجع بسج اردبیل حمله میشود، در اثر بیگیری مادر دختر جریان آفتابی میشود در اثر تعقیب پدر دختر کار به دادگاه میکشد اما به توصیه "حاکم شرع" فاطمی مرتجع که دارای زن و فرزند نیز هست، دختر بسجی را صیغه میکند. در اثر انشاگریهای مردم مبارز اردبیل، فاطمی و قیحا نه بیامی از دادگاه میفرستد و میگوید که "این حق مسلم من است که حتی صد زن دیگر نیز بگیرم!"

گیری از رسوائی و بیویزه بعلت عضویت هردو در انجمن اسلامی که مرکز مزدوران مرتجع و "مکتبی" میباشد، برجریان سرپوش میگذازند. این سند و فاسد "مکتبی" با حفظ سمت به کار خود در شرکت واحد ادامه میدهند. **دراواسط دیماه:** فردی بنام حسن محمدی سرپرست توقفگاه منطقه ۲ را بعلت ارتکاب به عمل کثیف و مشمژکننده لواط اخراج مینمایند اما چندی بعد وی بعنوان سرپرست توقفگاه منطقه ۱ مشغول کار میشود و "ترقیع" هم میگیرد.

خاطره رفقای شهید اسفند ماه گرامی باد!



رفیق عبدالمهذب آمینی

متولد ۱۲ فروردین ۱۳۲۷ در مشهد
شرکت در مبارزات دانشجویی دانشگاه
ارتباط با سازمان مجاهدین خلق و
پیوستن به مبارزه مخفی از زمستان ۱۳۵۳
از اولین رفقای که در جریان تحولات
درونی سازمان، مارکسیسم لنینیسم را
پذیرفته و به بخش منشعب پیوست.
شرکت در چندین عمل انقلابی از جمله
هنگام ووردکیسینجره تهران و نیز
انفجار انجمن فرهنگی ایران و انگلیس
در ۳۰ تیر ۵۴
در روز ۴ مرداد ۵۴ در درگیری با
سرابلیس مزدو شاه دستگیر شد. پس از
ماهها مقاومت در زندان شکنجه در محاسن
ساواک در روز ۲۵ بهمن ۵۴ دست مزدوران
امپریالیسم و ارتجاع سربران شد.



رفیق منیژه افختاری

متولد همدان و دانشجوی سابق
دانشگاه پزشکی
شرکت فعال در مبارزه علیه رژیم شاه
از طریق ارتباط با یک گروه مذهبی (هم -
رزم با مجاهد شهید محمد مفیدی و رفیق
علیرضایی) از سال ۱۳۵۰
پیوستن گروهی به سازمان
مجاهدین خلق در سال ۵۱
از اولین رفقای که در جریان تحولات
درونی سازمان مارکسیسم لنینیسم را میپذیرد
شهادت در نیمه اسفند ۱۳۵۴ در اثر
انفجار بمب در حین انجام یک مأموریت
تشکلاتی جهت انفجار محل برگسرای
کنتراست سرمایه گذاران آمریکائی در تهران



رفیق علی اکبر قائمی

دانشجوی دانشگاه صنعتی و
فعال در جنبش دانشجویان انقلابی.
ارتباط با سازمان مجاهدین خلق در
اوایل دهه ۵۰
پیوستن به مبارزه انقلابی مخفی. در
سال ۱۳۵۱
پذیرش مارکسیسم لنینیسم
بعنوان ایدئولوژی رهائیبخش
طبقه کارگر
کارگزاری در کارخانجات از جمله
جنرال موتورز، قرقوه، بیبا و غیره از
سال ۵۳ تا ۵۵
روز ۲۱ اسفند ۵۵، رفیق علی اکبر
مورد شامی گشتی های ساواک
قرار گرفته و دیگ درگیری نابرابر در
چهارراه سرشمه تهران، شهادت رسید.

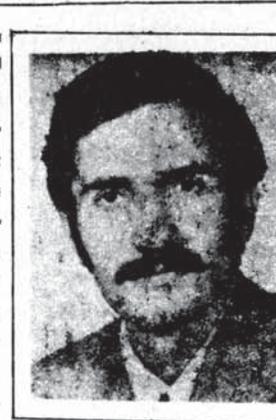


رفیق حوریه بازرگان

متولد ۱۳۲۳ در مشهد و فارغ التحصیل
دانشگاه مشهد و آشنائی با سازمان
مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۴۹
ادامه فعالیت انقلابی در
خارج از کشور ۱۳۵۴ - ۱۳۵۲
پذیرش مارکسیسم لنینیسم در سال ۱۳۵۴ و
مبارزه همیشگی با خلق فلسطین و خدمت
در هلال احمر فلسطین در جریان جنگ لبنان
عزیمت به عمان و ادامه مبارزه
انقلابی در کنار انقلابیون عمان (ظفار)
و فعالیت در دفتر بخش منشعب س.م.خ.
در عدن ۵۵ - ۱۳۵۴
بازگشت مخفیانه به ایران در زمستان
۱۳۵۵، شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵

صفحه ۳۲ از صفحه ۳۳
را دستگیر نموده ا موعصبی شما ر نمی آید.
رفیق محسن سالیان در از علیه رژیم پهلوی
مبارزه کرده است، او در عملیات اعدا م انقلابی
ژنرال براس آمریکائی و در عملیات بمب گذاری در آستانه
ورود نیکسون جنابکار به ایران شرکت داشته است، او با لها
در کنار خلق فلسطین علیه اسرائیل هموست و فعالیتها ی
لسان جنگیده است و امروز رژیم حاکم پادشاه اینهمه
مبارزه ضد امپریالیستی را با یگان شکنجه میدهد.
ما از تمام کارگران و چنگستان و نیروهای انقلابی
و کمونیست میخواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه دستگیری
رفیق محسن فاضل بلندکوده و توطئه رژیم جمهوری
اسلامی علیه این رفیق کمونیست را رسوا نمایند.
با بودا د توطئه های نفرت انگیز
رژیم جمهوری اسلامی!

عزیمت به آمریکا برای ادامه تحصیل در ۱۳۴۹ و ارتباط با "انجمن
اسلامی دانشجویان در آمریکا"
سریدن از "انجمن" و پیوستن به بخش منشعب خارج کشور سازمان
مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰
فعالیت انقلابی در پانچاهای فلسطینی
مسئول اجرای برنامه رادیویی "صدای انقلابیون ایران" از طرف
سازمان مجاهدین در ۱۳۵۱
اداره بخش فارسی صدای انقلاب عمان بعدت بکمال از اردیبهشت
۱۳۵۳ و همگام با آن انجام "مأموریت های تشکلاتی در منطقه"
پذیرش مارکسیسم لنینیسم.
بازگشت به ایران در اوایل خرداد ۵۴ و فعالیت در بخش کارگری بخش
منشعب تا بهار ۵۵
قطع ارتباط تشکلاتی در جریان تعقیب پلیس و خروج از
کشور برای ارتباط مجدد با بخش خارج از کشور سازمان
بازگشت به ایران همراه رفیق حوریه بازرگان در زمستان ۵۵
شهادت در ۱۸ اسفند ۱۳۵۵



رفیق مرتضی خاموشی

متولد ۱۳۳۰ در تهران

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

لیبرالها مانند حزبها دشمن انقلابند!

یادداشت‌های سیاسی هفته

از رفیق محسن فاضل قاطعانه دفاع نمایم!



سش از یکماه است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل را دستگیر نموده و در سیاهال خود محبوس نگاه داشته است. بیش از یکماه است که جانان حکومتی این رفیق کمونیست را که سالها در سنگر مبارزه علیه رژیم منقورشاه و امپریالیسم و صهیونیسم رز میدیده به زندان انداخته، مورد آزار و شکنجه قرار داده و کشتیف ترسین آنها مات ضد انقلابی را علیه این رفیق و سا زمان ما منتشر ساخته است.

دروزرژیم جلاد شاه به کمونیستها "خرا بکار" میگفت و امروز نیز جمهوری اسلامی کمونیستها را "آمریکائی" مینامد. دیروز رژیم پهلوی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینمود و امروز نیز حکومت تبهکار جمهوری اسلامی کمونیستها را شکنجه و تیرباران مینماید. آری رژیم جمهوری اسلامی ما سندرژیم شاه دشمن کمونیستها، طبقه کارگر و خلقهای ایران میباشد. رژیم حاکم خود را فریبکارانه مدافع "ستضعفان" مینامد ولی مکرر رژیمی که طرفدار سرمایه داران است، رژیمی که با امپریالیسم سازش کرده است، رژیمی که انقلابیون و کمونیستهای راستین را به زندان می اندازد و ترور میکند، آری مگر چنین رژیمی میتواند طرفدار زحمتکشان باشد؟ کمونیستها، مبارزین جان برکفی هستند که برای آزادی و استقلال و سوسیالیسم می‌جنگند، آنها دشمن سرخست امپریالیستها و کلیه مرتجعین میباشد. آنها مدافعین واقعی و بیگسارگران و زحمتکشان هستند و درست به همین خاطر است که رژیم جمهوری اسلامی آنها را زندانی کرده و اعدام میکند. بنا بر این اگر امروز رژیم جمهوری اسلامی رفیق محسن فاضل قاطعه در صفحه ۳۱

های جناحهای ارتجاعی حکومت بود و دیگر آنکه این حرکت عامل سبب رومثری بود تا توده های کهنه شده از حزب، اما ما فاندگامی انقلابی، سوسیالیستها توجه بیشتری نمایند:

اول - بنی، صدر کوشید تا آنجا که معنی است از نظر خود حزب را سی آبرو کند. او با افسسای عنا صرحا قدا رخصی و انشای ارتباط جماق - داران سا ارگانهای ما سندیسپاه پاسداران، نخست وزیر، حزب جمهوری اسلامی و... سعی کرد تا ضربه سختی به حریف وارد آورده و توده های متزلزل را حاکمی حزب را به سوی خود کشیده و توده های را که تا آگاماهانه دنبال لیبرالها میباشد را سندر علمیه حزب بیشتر سیخ نماید. عوام و وابسته به لیبرالها به همراهی محاهدین شعارهای فدحربی ما ننند "مسلمان بیخیز، حزب شده رستاخیز"، "تا مرگ شاه دوم (بهشتی)، بهشت ادا مه دارد"، "مرگ سر بهشتی"، "تا حزب کفن نشود، این وطن وطن نشود"، "روح منی بنی صدر، بت شکنی بنی صدر" به میان مردم کشیده و بدین طریق سعی می نمودند تا مردم را علیه حزبها تحریک نمایند. در پایان این سخنرانی درگیری سختی میان طرفداران لیبرالها و حزبها بوجود آمد و تعداد زیادی از حزبها به سختی مجروح گشتند. سخنرانی بنی - صدر و حوادث پیر و آن ضربه سختی به حزب وارد ساخت. در انعکاس به این واقعه حزبها متقابلا حمله کردند. خامنه ای در نماز جمعه شنبه ای "گروهکهای ضد اسلام و ضد خط امام، سیاستمداران ورشکسته منزوی شده از چشم مردم افتاده، راننده شدگان از دستگاه ادا ره کشور... حمله کرد. او به لیبرالها تعرض کرد اما سعی نکرد آنکار به شخصی بنی صدر حمله کند. بعد از نماز تظا هرات حزبها راه افتاد. طرفداران حزب فریاد میزدند: "مرگ بر بنی صدر"، "مرگ بر لیبرال"، "سپهسالار پینوشه، ایران شیلی نمیشه" و غیره، نخست وزیر، شاه ای در در نظرات بنی صدر منستی بوجود نیروی ویژه نخست وزیر ما در کرد و به بنی صدر نسبت به "عواقب" رسم و شیوه اش هتدار داد. و با لآخره حزب نیز به بنی صدر با وضوح تمام حمله کرد و راه را آگاماهانشا هی خواند، او را ناقض قانون اساسی خطاب کرد و او را مسئول "اعمال نتگین"، "گارد راست جمهوری" خواند. در مقابل این حملات بنی صدر به تعرض مجدد بنی صدر در دادگاه ۲۸

یکی از مهمترین وقایع هفته گذشته سخن - رانی بنی صدر در دانشگاه و حوادثی بود که به دنبال آن رخ داد. این واقعه در ادا مه تعرض گسترده لیبرالها در دوره اخیر میساید. لیبرالها به انکا حمایت ارتش و شهرپاشی، پشتیبانی نیروی سایگیری چون محاهدین، سواستفاده از نارضایتی های گسترده و سبب شده های مردم و عوام فریسی های آزاد بخوانا نه خود می - کوشید تا توده ها را هر چه وسیعتر دنبال خود کشیده و حزب را منزوی ساخته و شرایط سقوط آن از راس قدرت سیاسی را بوجود آورند. در حالیکه مجموعه رژیم حاکم و کل طبقه سوز و آزاری اسران مسئول فقر و فلاکت توده ها میباشد لیبرالها و مخصوص بنی صدر مکارم کوشیدند تا با انکشتن گذاشتن نیروی برخی از اقدامات ارتجاعی و عربان حزبها سمت سازد توده ها را از مدار ره علیه کل سیستم حاکم منحرف ساخته و مو - عظیم نارضایتی ها و اعتراضات را متوجه حزب نمایند لیبرالها توده ها را میخواهند توده ها بگویند که همه بدبختی ها ناشی از حزب است، آنها می - گویند ما همیشه طرفدار آزادی بوده ایم اما حزبها "انما رطلب و میستند" هستند. لیبرالها با این مضامین به حزبها هجوم برده و آنها را به موضع ضعف انداخته اند و در پی آنند تا همچنان به تعرض خود ادامه دهند و تعرض اخیر لیبرالها بدست آوردن هژمونی در قدرت سیاسی را تعقیب میکنند و در این شرایط متاسفانه یک سری عوام و مل بنفغ آنها عمل میکنند. فقدان قطب نیرومند کمونیستی، سازش محاهدین با لیبرالها و فقدان آگاماهای انقلابی در میان توده های وسیع و نارضایتی از حمله عوام ملی میباشد که به کمک لیبرالهای ضد انقلابی شناخته اند، در بیشتر چنین شرایطی لیبرالها با بهره گیری از اقدامات عربان و مرتجعانه حزبها به توده ها میخوانند بگویند که آنها "فرشته نجات" میباشد!

بنی صدر در دانشگاه بنماش حساب شده ای دست زد آنچه که بنی صدر در دانشگاه انجام داد چیز ناره ای نبود چرا که کمونیستها با رها و بارها جنا سات رژیم و از جمله حزبها را افشا کرده و بارها و بارها اشاعت کرده اند که دسته های او با ش و جافویدستان، واگشته به رژیم حاکم و به خصوص حزب جمهوری اسلامی میباشد. اما آنچه که بنی صدر گفت: زد و جنبه قابل توجه بود، یکی آنکه این اقدامات مکرر منقطع جدیدی ارتضاد -

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!